

زبان‌شناسی ایرانی ۲۰۰۷

دوباره  
زبان آسمی

تألیف  
محسن ابوالقاسمی



آگهی کتابخانه ملی و اسناد ایران

۶۶

زبان‌شناسی ایرانی «۲»

درباره

# زبان آسی

تألیف

محسن ابوالقاسمی



انتشارات بنیاد فرهنگ ایران



از این کتاب

۱۰۰۰ نسخه در تابستان ۱۳۴۸ در چاپخانه محمدعلی علمی

چاپ شد



## پیش گفتار

این کتاب شامل یک مقدمه و پنج بخش است . مقدمه گزارشی است کوتاه درباره تاریخ ، زبان ، ادبیات و زندگی اجتماعی و سیاسی اسها از دوره باستان تا به امروز .  
در بخش نخست ، پیش از همه ، واکنش های ایزدنی و دیگوری هر یک جداگانه داده شده اند پس از آن ، هر یک از واکنش های از نظر تاریخی و طبیعی - با آوردن نمونه های بی شمار از آسمی و از دیگر زبانهای ایرانی - بررسی شده اند . اگر واژه ای برابر اوستائی یا فارسی باستان نداشته ، برابر فرضی باز ساخته شده است . در این گونه موارد واژه سنسکرت برای نشان دادن درست بودن بازسازی شاید آورده شده است ، در غیر این صورت از آوردن واژه سنسکرت خبر به ندرت خودداری شده است . معنی هر واژه آسمی و سنسکری و ... همان واژه فارسی است که بر نام "فارسی نو" در پایان نمونه ها داده شده است . نمونه :

ایزدنی *avd* ؛ دیگوری *avd* ؛ اوستائی *hapta-* ؛ فارسی نو هفت  
اگر معنی واژه آسمی و سنسکری و ... با واژه فارسی یا با هم فرق داشته اند ، هر یک از واژه ها یا یک



دسته از آنها که بیک معنی بوده اند ، جداگانه معنی شده اند . نمونه :

ایرونی bon : روز ؛ اوستائی - bānu- : روشنی .

در بخش دوم تحت شرحی کوتاه درباره فعل در آسی داده شده ، پس از آن

چگونگی اشتقاق هر گروه از فعلهای آسی از ایرانی باستان نموده شده است ، در صورتی که در

دیگر زبانهای ایرانی فعلی هم ساختمان فعل آسی وجود داشته ، آن فعل داده شده است . برای معنی

کردن فعلهایی که در این بخش آمده ، روش معنی کردن واژه ها در بخش نخست ، به کار بسته شده است .

در بخش سوم وندهای آسی مورد بررسی قرار گرفته اند ، تحت وند آسی داده شده ،

آنگاه معنایی که وند به واژه می دهد ، نوشته شده و برای هر مورد نمونه ذکر گردیده است . از

دیگر زبانهای ایرانی برابر ذکر گردیده ، کوشش به کار رفته است که برابر از هر لحاظ با آسی یکی باشد .

در بخش چهارم ویژگیهای آسی مربوط به اسم و صفت و فعل و ضمیر که فواید تاریخی و طبیعی

دارند ، مورد بررسی قرار گرفته اند . این بخش به نسبت مطالب آن گوناگون (= miscellany)

نامیده شده است .

دبش پنجم ده متن آسی ، با ترجمه و شرح و معنی واژه های هر متن ، داده شده است . از

این ده متن نه متن به ایرودی است و یک متن به دوروایت ایرونی و دیگری :

خطی که در این کتاب به کار رفته ، همان خطی است که *A. Christensen*

در *Textes ossètes* به کار برده است ، با این تفاوت که به جای *u* و

(بهنگامی که نیم مصوت باشند) و *3* در این کتاب *y* و *w* و *z* به کار برده شده است .

نتهای شماره ۲ ، ۸ ، ۹ و ۱۰ به خط نوین آسی اند . در پایان این پیشگفتار جدول برابری خط این کتاب با

خط نوین آسی که از روی خط روسی درست شده است و تلفظ تقریبی هر یک از حرفها داده می شود .

در متن کتاب به منابع مورد استفاده با نشانه های اختصاری بازبرد داده شده است ،

در فهرست منابع نشانه های اختصاری شرح داده شده و منابع دیگر ذکر گردیده اند .

در پایان این کتاب یک راهنما برای واژه هایی که در مقدمه و در بخشهای اول و دوم و

سوم و چهارم این کتاب به کار رفته اند ، ترتیب داده شده است .

اینک جدول برابری خط این کتاب با خط نوین آسی و تلفظ تقریبی هر یک از حرفها :

پنج



تلفظ تقریبی هر یک از حرفها	خط لاتین	خط این کتاب
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ $\bar{a}$ فارسی در داد .	a	a
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ $\bar{a}$ فارسی در دد .	æ	æ
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ e فارسی در چهل .	e	e
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ o فارسی در سرخ .	o	o
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ u فارسی در زور .	y	$\bar{u}$
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ u انگلیسی در (buk =) book و (luk =) look .	y	u
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ $\bar{u}$ انگلیسی در (=) governor (gʌvənə)	ɪ	i

شش



تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>z</i> فارسی در زیر .	u	ī
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>i</i> انگلیسی در milk .	u	i
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>y</i> فارسی در یک .	ū	y
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>w</i> انگلیسی در water .	y	w
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>b</i> فارسی در باد .	б	b
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>p</i> فارسی در پدر .	п	p
تلفظ <i>p</i> با <i>p</i> در آن است که در تلفظ <i>p</i> ، پس از ادای <i>p</i> ، آوایی ه مانند ادای شود .	пъ	p'
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>f</i> فارسی در برف .	ф	f
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>s</i> فارسی در وام .	в	v
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>m</i> فارسی در مرد .	м	m
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>d</i> فارسی در دد .	г	d

تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>t</i> فارسی در	T	t
آوایی	Tb	t'
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>t</i> پس از ادای <i>t</i> ، آوایی		
ه مانند ادای شود.		
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>s</i> فارسی در	c	s
سر		
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>z</i> فارسی در	3	z
زور		
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>n</i> فارسی در	H	n
نرم		
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>r</i> فارسی در	p	r
روز		
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>l</i> فارسی در	Л	l
لاله		
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>j</i> در اصفهانی	g3	j
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>ç</i> در اصفهانی	4	c
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ <i>c</i> در آن است که در تلفظ <i>c</i> پس از ادای	4b	c'
آوایی		
ه مانند ادای شود.		

تلفظ این حرف برابر است با تلفظ ج فارسی در جان .	gɟk	j
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ چ فارسی در چهار .	ɟ	ç
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ چ فارسی در چهار . تلفظ این حرف برابر است با تلفظ چ فارسی در چهار .	ɟb	ç'
آوایی ه مانند ادای شود .		
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ گ فارسی در گاه .	ɣ	g
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ ک فارسی در کمان .	k	k
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ ک فارسی در کمان . تلفظ این حرف برابر است با تلفظ ک فارسی در کمان .	kɟ	k'
آوایی ه مانند ادای شود .		
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ ق فارسی در قول .	xɟ	q
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ خ فارسی در خانه .	x	x
تلفظ این حرف برابر است با تلفظ ی در کرمانی .	ɣɟ	ɣ



در اینجا وظیفه خود می‌دانم که از جناب آقای دکتر خانزادی دربرکل و مدیر عامل بنیاد فرهنگ

ایران که دستور چاپ این کتاب را صادر فرمودند سپاسگزاری کند.

از دوست گرامی آقای محمد علی صوفی که با دقت زیاد کاتب این کتاب را انجام

داده اند، تشکر می‌کند.

محسن ابوالقاسمی

تهران

تیرماه ۱۳۴۸



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱۲	بررسی واکهای آکسی
۷۴	بررسی فعلهای آکسی
۱۰۰	بررسی وندهای آکسی
۱۱۹	گوناگون
۱۳۶	متن
۲۶۸	پاره ای از اصطلاحات
۲۲۱	فهرست منابع و راینهای نشانه‌ها
۲۳۲	دائیه‌های واژه‌ها

## مقدمه

زبان آسی یکی از زبانهای نوین ایرانی است و باز با نهایی خوارزمی و سغدی و یغانی نزدیکی بسیار دارد. این نزدیکی در سرسره این کتاب نشان داده شده است.

زبان آسی به دو گویش تکلم می شود: گویش ایلرونی و گویش دگیوری. گویش ایلرونی اساس زبان ادبی است و اکثر آسها به این گویش سخن می گویند. گویش دگیوری کهنه تر می نماید. رابطه گویش ایلرونی با گویش دگیوری مانند رابطه فارسی میانه با فارسی نو است.

آسها در دو سوی کوههای اصلی قفقاز زندگی می کنند، در دوره باستان آسها به نام سرمت و در دوره میانه به نام آلان هم معروف بوده اند. بطلمیوس (در ۱۹ و ۹ و ۷) سرمتها را Ἀβαῖοι می خواند و استرابون (در ۸ و ۱۱) Ἀβλοῖ. پلانوکاپینی در ۱۶۴۵ عبارت "Alani sive Assi" "الانها یا آسها" را به کار برده است. به تحقیق پیوسته است که سرمتها و الانها خود تیره ای از سکه ها بوده اند.



آن طور که از کتابهای اسلامی برمی آید، مسلمانان آسهارا مردمی جدا از  
 آنان / ارانها می دانسته اند و محل زندگی آنها را جایی میان آنان و روسها معرفی کرده اند  
 (نگاه کنید به نزهة القلوب حمداله مستوفی - چاپ تهران ۱۳۳۶ - ص ۱۱ ، صورة الارض  
 ابن حوقل - نشر دار مکتبه الحیاة ، بیروت - ص ۲۸۵ به بعد) .  
 امپراطوری روسیه در سال ۱۷۷۴ آسهارا به تابعیت خود درآورد ، و  
 ایشان تا انقلاب ۱۹۱۷ در تابعیت دولت روسیه تزاری به سربر بردند . پس از انقلاب ،  
 بشویلیها یا دست کردن دودستگاه حکومتی به آنها خود مختاری دادند ؛ برای آسهای ساکن  
 شمال کوههای قفقاز « جمهوری خود مختار آسی شمالی » داخل در اتحادیه روسیه و برای آسهای  
 ساکن جنوب کوههای قفقاز « استان خود مختار آسی جنوبی » تابع جمهوری گرجستان .  
 مساحت جمهوری آسی ۸ هزار کیلومتر مربع و مساحت استان آسی ۳۱۹ هزار کیلومتر مربع  
 است . مرکز جمهوری آسی Ordzhonikidze (ولادی قفقاز پیشین)  
 است و مرکز استان آسی Staliniri .

شماره سال ۱۹۵۹ نشن داد :

۱- جمعیت کل جمهوری داستان آسی ۴۱۰ هزار نفر است ، از این شمار

نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر آسی و باقی از ملیتهای دیگر اند : از روسی ، اوکرائینی ،

ارمنی و گرجی .

۲- نزدیک به ۷۵ درصد آسیان در جمهوری آسی زندگی میکنند و ۲۵ درصد

بقیه در استان آسی .

۳- ۵۲ درصد آسیان جمهوری آسی شهرنشین و باقی روستائین اند .

۴- ۲۵ درصد آسیان استان آسی شهرنشین و باقی روستائین اند .

۵- در هر کیلومتر مربع از جمهوری آسی ۵۶٫۱ نفر و در هر کیلومتر مربع از استان آسی

۲۴٫۱۶ نفر زندگی میکنند .

۶- در مرکز جمهوری آسی Ordzhonikidze ۱۶۴ هزار نفر

و در مرکز استان آسی Staliniri ۲۲ هزار نفر زندگی میکنند .

آسهای جمهوری آسمی به خود Ir و به کشورشان Iriston می گویند.

آسهای استان آسمی به خود digor می گویند، و از این جا است گویش ایرونی و گویش دیگر می گویند.

ایر از ایرانی باستان - ārya و ایرون نموب به ایر از ایرانی باستان

-āryana می آید . دیگر واژه ای است قفقازی و قدیم ، در کتاب جغرافیای

موسی خورنی به صورت tikor آمده است . آس نامی است که دیگران

به این مردم داده اند ، شاید آس برابر باشد با -āsu اوستا به معنی تندرو؛

فارسی تو آکهو (→ فارسی باستان -āθuka\*) . علت این نام نهادن شاید

این باشد که این مردم در جنگها سخت چلاک بوده اند ، و این امر ، یعنی چلاکی

سکه با در جنگها ، چیزی است که همه تاریخ نویسان کهن به آن اشاره کرده اند .

زبان آسمی در سال ۱۷۹۸ برای نخستین بار به قید کتابت درآمد ،

در این سال مبلغان مسیحی برای زبان آسمی خطی براساس خط اسلاوی کپیستی درست کردند .

بعداً دانشمند روس Andrej Shegren (۱۸۵۵ - ۱۷۹۴) برای زبان



آسی خطی براس خط سیمی روسی درست کرد و این خط را در کتاب «فهم خود» دستور زبان  
آسی « که در سال ۱۸۴۴ مقرر ساخت ، به کار برد .

شگرن نخستین کسی است که دستور برای زبان آسی تألیف کرده است .

شگرن برای بررسی زبان آسی نزدیک به ۲ سال ، از آغاز سال ۱۸۳۶ تا پایان سال

۱۸۳۷ در میان آسهازیست و به گردآوری مطلب پرداخت و نتیجه بررسی های خود را در

کتاب دستور زبان آسی نوشت . شگرن با این کار نخستین گام را در زبان شناسی

آسی برداشت و راه را برای دیگران باز کرد . دانشمند دیگری که در پیرفت زبان شناسی

آسی سهمی فهم دارد ، دانشمند روس V. Miller است . میر برای زبان آسی

خطی براس خط لاتین درست کرد و این خط را در آثار متعدد خود درباره زبان آسی به کار برد ،

*Die Sprache der Osseten*

از جمله در :

*Grundriss der iranischen Philologie* که در :

چاپ شده است .

خط اختراعی میرزا سال ۱۹۲۳ یعنی سال رسمی شدن زبان آکسی در جمهوری

و استان آکسی تا سال ۱۹۳۸ معمول بود ، در این سال خط جدیدی بر اساس خط روسی

برای آکسی درست شد ، اکنون این خط معمول است .

توجه به زبان آکسی از طرف زبان شناسان باعث شد که گروهی دیگر از دانشمندان

به گردآوری داستانهای عامیانه آکسی و تراها بر وازند ، و این امر خود باعث شد که آنها

به زبان خود توجه کنند و به آن شعر بگویند و داستان بنویسند و کتاب تألیف کنند . عامل

فهم دیگری که در توجه آنها به زبان خود کمک کرد ، جنبش های ملی سده نوزدهم میلادی بود که

آنها را هم به خود آورد .

نخستین سنگ بنای ادبیات آکسی در اواخر قرن نوزدهم توسط *Kosta*

*Xetagurov* (۱۸۵۹-۱۹۰۶) نهاد شد ، اگرچه پیش از او کسانی مانند

*Ivan Yaguzidze* (۱۸۳۰-۱۷۷۰) بوده اند که به آکسی شعر گفته یا کتاب

نوشته و تألیف کرده اند ، اما خاگوروف به عقیده همگان پایه گذار ادبیات آکسی است .

خاکوروف بهنگامی به شعر گفتن پرداخت که ادبیات روسی در عالی ترین مراحل تکامل خود بود، ادیبان و نویسندگان بزرگی مانند بلینسکی و نکراسف و آستوی و چخوف همزمان خاکوروف بوده اند. خاکوروف سخت تحت تأثیر آنها است.

هم ترین اثر خاکوروف Iron Fandir: چنگ ایرونی، است.

از ایجاد جمهوری و استان آکسی به این سو که زبان آکسی زبان رسمی شد و در آموزشگاهها تدریس گشت، شاعران و نویسندگان بی شماری - Kazbek Kazbe kou متولد ۱۹۱۲ پیدا شدند که در اتحاد شوروی و در کشورهای دیگر معروفیت دارند. آثار این شاعران و نویسندگان پر از عقاید کمونیستی است.

با ایجاد جمهوری و استان آکسی تعلیم و تربیت در سراسر کشور آسهارواج و رونق گرفت، در شهرها و روستاها، دبستانها و دبیرستانها دایر گردید و آنها به دانش آموزی پرداختند. در سال ۱۹۲۰ در Ordzhonikidze دانشسرای عالی برای تربیت معلم تأسیس شد و قسمتی از آن برای تحقیق در زبان و ادبیات آکسی اختصاص یافت.



بعد از آموزشگاه عالی کشاورزی، آموزشگاه عالی فنی و آموزشگاه عالی پزشکی هم تأسیس شد.  
در Staliniri هم برای تربیت معلم، دانشسرای عالی تأسیس شد.

امروزه در هر دهکده دست کم یک آموزشگاه و در دهکده های بزرگ به نسبت جمعیت  
دو یا چند آموزشگاه وجود دارد. برای بزرگ سالان نیز کلاسهای دایر شده است که در سال  
تحصیلی ۵۹ - ۱۹۵۸ بیش از ۵ هزار نفر بزرگ سال در آنها مشغول تحصیل بوده اند. در  
دبستانها زبان آلمانی تدریس می شود و در دبیرستانها و آموزشگاههای عالی تدریس به روسی است،  
اما تدریس زبان و ادبیات آلمانی همچنان تا پایان دوران تحصیلی یک دانش آموز ادامه می یابد.

ایجاد دبستانها و دبیرستانها و آموزشگاهها باعث شده که تعداد باسوادان

آلمانی زیاد شود. در سال تحصیلی ۱۵ - ۱۹۱۴ در آموزشگاههای آلمانی شمالی ۱۷ هزار نفر  
نواک آموزش و دانش آموز و دانشجو سرگرم تحصیل بوده اند، این شماره در سال تحصیلی ۵۹ - ۱۹۵۸ به  
۷۰ هزار نفر رسیده است. در استان آلمانی در سال تحصیلی ۵۹ - ۱۹۵۸ بیش از  
۱۸ هزار نفر سرگرم تحصیل بوده اند. در سال تحصیلی ۵۹ - ۱۹۵۸ نزدیک به ۵ هزار

معلم در جمهوری آکسی و ۱۹۹۸ معلم در استان آکسی مشغول به تدریس بوده که بیش از نیمی از آنها آکسی بوده اند.

آسها در میان متهای کثیرتری بازبانهای مختلف زندگی می کنند. این امر باعث شده است

که زبان آکسی زیر نفوذ زبانهای مجاور قرار بگیرد و تعداد کثیرتری از واژه های آن زبانها وارد زبان آکسی شود و

حتی دستگاه صوتی زبان آکسی از نفوذ زبانهای مجاور بی اثر نمانده است و تعدادی از واژه های آکسی مانند

$k'$  و  $t'$  دخل از زبانهای مجاور اند ، برای نمونه چند واژه داده می شود :

ایرونی  $argonaq$  ؛ دگیوری  $argunaq$  ؛ ترکی  $argamaq$  : سنگ تازی.

ایرونی  $c'indi$  ؛ دگیوری  $c'indi$  ؛ گرجی  $c'indi$  : گرو ، رهن .

ایرونی  $c'ilobi$  ؛ دگیوری  $c'ilobi$  ؛ گرجی  $c'ilobi$  : حصیر

ایرونی  $c'inda$  ؛ دگیوری  $c'inda$  ؛ گرجی  $c'inda$  : جوراب .

ایرونی  $k'iw$  ؛ دگیوری  $k'ewæ$  ؛ گرجی  $k'evi$  : صمغ ، قیر .

ایرونی  $k'omsī$  ؛ دگیوری  $k'ovsi$  ؛ گرجی  $k'omši$  : بر (میوه)

ایرونی  $k'ūdī$  ؛ دگیوری  $k'udi$  ؛ گرجی  $k'udi$  : پل

دزبان کسی تعداد کثیری هم از واژه های فارسی و عربی از راه زبانهای قهقاری

وارد شده است ، برای نمونه چند واژه داده می شود :

ایرونی *pił* ؛ دگوری *pil* ؛ فارسی پیل .

ایرونی *pæxumpar* ؛ دگوری *paɣompar* ؛ فارسی پیغامبر .

ایرونی *zindon* ؛ فارسی زندان .

ایرونی *nimæt* ؛ دگوری *nimæd* ؛ فارسی نمک .

ایرونی *nisan* ؛ دگوری *nisan* ؛ فارسی نشان .

ایرونی *sawdæjer* ؛ فارسی سوداگر .

ایرونی *sækær* ؛ فارسی شکر .

ایرونی *bazar* ؛ فارسی بازار .

ایرونی *tæwæræq* ؛ عربی تواریخ .

ایرونی *xæzna* ؛ عربی خزانه .



ایرونی *ǰænæt* ؛ عربی جنت .

ایرونی *razi* ؛ دگیوری *razi* ؛ عربی راضی .

ایرونی *majal* ؛ عربی مجال .

ایرونی *namus* ؛ عربی ناموس .

ایرونی *qawya* ؛ عربی عوفا .

ایرونی *payda* ؛ عربی فایده .

از زبان آکسی واژه های زیادی بر زبانهای دیگر وارد شده است . در زبان مجاری تعدادی

کثیر از واژه های آکسی باستان (= آلائی) وارد شده است . این امر مربوط به موقعی

بوده است که مجار با هنگام گذر از قفقاز - در حدود قرن هشتم میلادی - با آکسها در

تماس آمدند . در زبان فارسی هم واژه های زیر در خیل از آکسی است :

دنه ؛ زن ؛ صابوته ؛ زن پیر ( لغت فرس اسدی -

چاپ تهران - ۱۳۱۹ )



۲- صامت‌های دخیل: p', t', c', x', k'. صامت‌های

دخیل همراه واژه‌های دخیل از زبان‌های قفقازی وارد گویش ایرونی شده‌اند. نمودار صامت‌های

گویش ایرونی چنین است:

روان	خیشوی	سایشی	انسدادی						صامت‌ها
			مکرب			ساده			
			چانی‌زده	بی‌اوا	آوایی	چانی‌زده	بی‌اوا	آوایی	
	m	f ʃ					p' p b	لبی	
	n		c'	c j	t'	t d		دندانی	
r l		s z						پیش‌کامی	
			x'	x ɣ	ʃ			میان‌کامی	
							k' k g	پس‌کامی	
		x ɣ					q	ملازی	



واژه‌های روسی که در دوران اخیر وارد گویش ایزدی شده‌اند، اگر  $\omega$  ،

$\kappa$  و  $\epsilon$  داشته‌اند، به همان صورت نوشته شده‌اند. تلفظ آنها در ایزدی عیناً

مانند روسی است، حال آنکه گویش ایزدی واکنش‌های مذکور را ندارد. علت این امر

آن است که خط کنونی ایزدی از روسی گرفته شده و اکثر اسفار زبان روسی را می‌دانند.

چند نمونه :

؛ genre :  $\kappa a n p$  ؛ chance :  $\omega a n c$

.enthousiasme :  $\epsilon n t y z u a z m$

صامت‌های  $\check{y}$  ،  $\check{x}$  ،  $\check{c}$  بدل از  $g$  ،  $k$  ،  $k'$

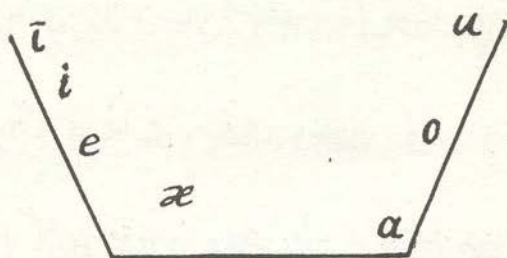
در برخورد با یکی از مصوت‌های پیشین  $\bar{a}$  ،  $\bar{y}$  ،  $e$  هستند.

در گویش دیگوری روی هم رفته ۳۲ واک وجود دارد، هفت مصوت،

دو نیم مصوت و ۲۳ صامت. مصوت‌های گویش دیگوری نیز بر دو گونه‌اند، مصوت‌های

پای دار :  $\bar{a}$  ،  $e$  ،  $o$  ،  $\bar{a}$  و مصوت‌های ناپای دار :  $i$  ،  $u$  ،  $\check{a}$  .

نمودار مصوت‌های گویش دیگوری چنین است :



و و ɣ نیم‌مصوت‌های گویش دیگوری اند. در گویش دیگوری از صائت‌هایی که برای گویش ایرونی ذکر شد، صائت‌های  $\check{c}$ ،  $\check{c}$ ،  $\check{c}$  وجود ندارند. در گویش ایرونی، چنان‌که گذشت، صائت‌های  $\check{c}$ ،  $\check{c}$ ،  $\check{c}$  بدل از  $k$ ،  $k$ ،  $g$  هستند. در برخورد با یکی از مصوت‌های پیشین  $\bar{a}$ ،  $\bar{a}$ ،  $e$ ، این امر یعنی بدل شدن  $k$ ،  $k$ ،  $g$  به  $\check{c}$ ،  $\check{c}$ ،  $\check{c}$  در برخورد با یکی از مصوت‌های پیشین در گویش دیگوری انجام نمی‌گیرد :

kark : مرغ ، مفرد فاعلی ،  $\check{c}$ karč : مفرد اضافی در ایرونی ؛

karki : مفرد اضافی در دیگوری .

صامت q در دیگوری خیلی کم به کار می رود ، چون q ایردنی در گون  
 شده از q آغازی ایرانی باستان است ، حال آن که q آغازی ایرانی باستان  
 در گویش دیگوری مانند زبان خوارزمی ، سغدی و یغابی بدل به ɣ شده است :  
 ایردنی qūs ؛ دیگوری ɣos ؛ اوستائی - gaōša- ؛ فارسی باستان  
 - gauša- ؛ فارسی نو گوش .

مطابق فوق تنها فرق دستگاه صامی گویش دیگوری با دستگاه صامی  
 گویش ایردنی است ، و آن چه درباره دستگاه صامی گویش ایردنی گفته شد ، درباره دستگاه  
 صامی گویش دیگوری درست است .

اینک به بررسی هر یک از واکنش های زبان اسی از نظر تاریخی و تطبیقی می پردازیم :

صوت a

a ایردنی // a دیگوری // ā ایرانی باستان :

ایردنی mad ؛ دیگوری madæ ؛ سغدی - m<sup>2</sup>t :





فارسی باستان - *rāsta* ؛ فارسی نو راست .

ایردنی *fad* ؛ دیگرگی *fad* ؛ حتی *pā* ( 140 )

( *Iranistik* ) ؛ اوستائی - *pād* ؛ فارسی باستان - *pāda* ؛

فارسی نو پای ، پا .

*a* ایردنی // *a* دیگرگی // *ā* ایرانی باستان :

ایردنی *ast* ؛ دیگرگی *ast* ؛ سغدی *ʔšt* : *\*ast*

( *Gr. I* , 135 ) ؛ یغابی *ašt* ( *Sokolova II* , 76 ) ؛

خوارزمی *ašt* ( مقدره ۲ - ۳۱ ) ؛ حتی - *hašta* ( *M. 103* )

( *Konow* ) ؛ فارسی میانه طرفانی *hašt* ( *Müller II* , 19 ) ؛

پهلوانی طرفانی *hašt* ( *Boyce 189* ) ؛ فارسی میانه زردشتی

سورم : *ašt* ( *GPV 249* ) ؛ اوستائی - *ašta* ؛

فارسی نو هشت .

ایرودی avd ؛ دیگرى avd ؛ یغابی avd ( II , 76 )

( Sokolova ) اوستائی-hapta ؛ فارسی نو هفت .

ایرودی kark ؛ دیگرى kark ؛ اوستائی-kahrka در

kahrkāsa- ؛ فارسی نو کرک (= مرغ خانگی و ماکیان) .

ایرودی qarm ؛ دیگرى qarm ؛ اوستائی-garəma ؛

سغدی qrm ؛ یغابی qarm ( YT 257 ) ؛ فارسی نو گرم .

اصوت æ

æ ایرودی // æ دیگرى // ā ایرانی باستان :

\* dās : ds سغدی ؛ dæs دیگرى ؛ ایرودی dæs

( Gr. II , 149 ) ؛ یغابی das ( YT 244 ) ؛ خوارزمی das

( مقدمه ۲۱ ) ؛ سختی dasa ( Konow 44 ) ؛ فارسی بیانه طرفانی dah

( Mir . Man . I , 37 ) ؛ پهلوانی طرفانی das ( Mir . Man . III , 54 ) ؛



فارسی میانه زردشتی  $\text{𐬀𐬎𐬎}$  : \*dah (Manual 173) ؛ اوستائی

-dasā ؛ فارسی باستان -daθa\* ؛ فارسی نو ده .

ایرانی  $\text{𐬀𐬎𐬎}$  ؛ دگوری  $\text{æz}$  ؛ خوارزمی az (Frejman 12) ؛

اوستائی azəm ؛ فارسی باستان adam ؛ من .

ایرانی sær ؛ دگوری sær ؛ خوارزمی sār (مقدّمه ۵۰) ؛

اوستائی -sarah ؛ فارسی نو سر .

ایرانی kæd ؛ دگوری kæd ؛ اوستائی kada ؛ فارسی نو کی .

### صوت پادنا

پا ایرونی // نا دگوری // آ ایرانی باستان :

ایرانی xsīr ؛ دگوری æxsīr ؛ فارسی میانه زردشتی  $\text{𐬀𐬎𐬎𐬀}$  ؛

šīr (Manual 170) ؛ اوستائی -xšīra\* ؛ شکرت

-kšīrā ؛ فارسی نو شیر (نوشتیدنی) .

ایرودی *mizd* ؛ دگوری *mizd* ؛ فارسی میانه زردشتی *mizd* : *mizd*

(GPV 413) ؛ فارسی میانه طرفانی *mizd* ؛ اوستائی - *mizda* ؛ فارسی نو

مزد ؛ یا این که ایرودی *mizd* ؛ دگوری *mizd* ؛ فارسی میانه زردشتی *mizd* :

*mizd* ؛ فارسی میانه طرفانی *mizd* ؛ اوستائی - *mizda* ؛ نگاه کنید

پیرپاین .

مصوت پیا و نا

پیا ایرودی // نا دگوری // نا ایرانی باستان

ایرودی *fidæ* ؛ دگوری *fidæ* ؛ خوارزمی *pic* (مقدمه ۱) ؛

ختی - *pitar* (Iranistik 140) ؛ فارسی میانه طرفانی *pid* ، *pidar* ،

(64 و *Mir. Man. II*) ؛ پهلوانی طرفانی *pidar* (Boyce 194) ؛

فارسی میانه زردشتی *pit* ؛ *pit* ، *pit* ؛ *pit* (8-)

(GPV 467) ؛ فارسی باستان - *pitar* ؛ اوستائی

-pitar؛ فارسی نو پد ، پد .

ایرانی *sist* ؛ دگوری *sistæ* ؛ سغدی *špšk* :

-*šipiša*\* (Gr. I, 83) ؛ یغابی *šipuš* (YT327) ؛

اوستائی-*spiš* ؛ فارسی نو *سپش* (الابیه - چاپ زنگنه - ص ۱۲۹) ؛ *سپش* ؛

خوارزمی *sp<sup>h</sup>h* : *spāh* (مقدمه ۵۴ ؛ 110 *Iranistik*).

ایرانی *ciry* ؛ دگوری *ciry* ؛ اوستا-*tigra* ؛

فارسی باستان-*tigra* : تیز .

ایرانی *fissin* ؛ دگوری *finsun* ؛ ایرانی باستان

-*pins*\* از *Npais* + میانزد -n- ؛ اوستائی *Npaēs* ؛

فارسی باستان *Npaiθ* ؛ فارسی نوشتن ، نوشتن ، نوشتن .

صوت *یا* و *ا*

*یا* ایرانی // *ا* دگوری // *ā* ایرانی باستان :



\* *nūr* : *nwr* سغدی ؛ *nur* دگیوری ؛ *nir* ایرونی

(Gr. I, 89) ؛ خوارزمی *nūr* (Frejman 108) ؛ فارسی میانه

طرفانی *nūn* (Mahr. 13) ؛ فارسی میانه زردشتی ؛ اوستائی *nūn* :

(GPV 1) ؛ فارسی باستان *nūram* ؛ اوستائی *nūram* ،

*nūrām* ؛ سنسکرت *nūnām* ؛ فارسی نو *nūn* ، اکنون ، اکنون .

ایرونی *stir* ؛ دگیوری *æstur* ؛ اوستائی *stūra-* ؛

سنسکرت *sthūrā-* ؛ فارسی نو *stūrk* .

\* ایرونی *ærfiq* ؛ دگیوری *ærfug* ؛ فارسی باستان *brū* ؛

اوستائی *brvat-* ؛ سنسکرت *bhrū-* ؛ فارسی نو *brō* ، ابرو .

صوت *یا و* و *ا*

*یا* ایرونی // *ا* دگیوری // *یا* ایرانی باستان ؛

ایرونی *diyd* ؛ دگیوری *duyd* ؛ سغدی *ḏwyth* :

\*  
دُخْتِ\* (BTS 252, Gr. I, 88) ؛ خواندی دُخْتِ

(Konow 107) dūtār ؛ ختنی ( ) ، مقدره ( ) ، Frejman 46

فارسی سیانه طرفانی duxt (Müller II, 91) ؛ فارسی سیانه "زردشتی

؛ اوستائی dugədar (GPV 72) duxt : ۴۲۲

؛ فارسی نو دخت ، دختر .  
dugdar-

ایرانی bin ؛ دگیری bun ؛ پهلوانی طرفانی bun

(Boyce 185) ؛ اوستائی buna- ؛ فارسی نو بن ، بون

(ترجمه تفسیر طبری - چاپ بنگالی - ص ۱۲۱) .

ایرانی firt ؛ دگیری furt ؛ ختنی pūra- (113)

(Konow) ؛ فارسی باستان puça- ؛ اوستائی puθra- ؛

فارسی نو پُیس ، پسر ، پور .

ایرانی sirx ؛ دگیری surx ؛ فارسی باستان θuxra- ؛

اوستائی - *suxra* ؛ فارسی نو سرخ .

\*  
ایرودی *dimæg* ؛ دگوری *dumæg* ؛ سغدی *ḏum* : *ḏum*

(BBB 102) ؛ خوارزمی *ḏuma* ، *ḏum* (مقدمه ۳۸ - ۴۰) ؛ ختنی

*dumaa* (Konow 106) ؛ اوستائی-*duma* ؛ فارسی نو *دُم* .

صوت *آ* ، *e*

*آ* ایرودی // *e* دگوری // *ai* ایرانی باستان :

ایرودی *tāw* ؛ دگوری *ew* ؛ سغدی *yw* ؛ *ēw* (I, 97)\*

(Gr. ؛ خوارزمی *ēwa* (Frejman 86 ، مقدمه ۳۱) ؛ فارسی میانه

طرفانی *ēw* (Mir. Man. I, 44) ؛ پهلوانی طرفانی *ēw* (51) ،

(Mir. Man. III) ؛ فارسی میانه زردشتی *ēwak* (173) ؛

(Manual) ؛ فارسی باستان-*aiva* ؛ اوستائی-*aēva* ؛ فارسی نو

-ی نکره ، یک .



\*yētkə : ytkw سفدی ؛ xed دگوری ؛ xīd ایرونی

از-haituka ؛ یعنی etk (YT 251 Gr. I, 69) ؛ اوستائی

haētu- : پل .

ایرونی xīd ؛ دگوری xed ؛ اوستا x<sup>v</sup>aēda- ؛ فارسی نو

خوی ، خوید ، خیس .

ایرونی t̄x ؛ دگوری ex ؛ اوستا aēxa- ؛ فارسی نو یخ .

ایرونی mīϥ ؛ دگوری meϥæ ؛ ختنی myau (120)

(Konow) اوستائی maēϥa- ؛ فارسی نو میخ .

ایرونی nīz ؛ دگوری nez ؛ بیماری ؛ اوستائی naēza- ؛ ناپاک .

تایرونی // تا دگوری پیش از n فقط // ai ایرانی باستان :

دگوری kīnæ ؛ اوستائی kaēnā- ؛ فارسی نو کین ، کینه .

ایرونی æxsīn ؛ دگوری æxsīnæ از ایرانی باستان

-xšaiθnī\* ؛ اوستائی -xšoiθnī : یانو .

ایرونی æfsin ؛ دگوری æfsinæ : کدبانو ؛ اوستائی

-aibišaetan : ساکن .

دگوری æxsin ؛ اوستائی -axšaēna ؛ فارسی باستان

-axšaina ؛ فارسی نوخشین .

دروازه بای دخیل درگوش دگوری واک تا درجابهی دگورسعی آغاز ، میان وانجام

واژه ہم دیده می شود .

صوت  $\bar{u}$  و  $\bar{o}$

$\bar{u}$  ایرونی //  $\bar{o}$  دگوری //  $au$  ایرانی باستان :

ایرونی  $qūs$  ؛ دگوری  $χos$  ؛ سغدی  $χus$  ؛  $χōš$  \*

یغابی  $χus$  (YT 260) ؛ خوارزمی  $χōš$  (مقدمه ۵۰) ؛ فارسی ساسانی

طرفانی  $gōš$  (Mir. Man. II, 49) ؛ پهلوانی طرفانی  $gōš$  (55) و

؛ فارسی میانه زردشتی 𐭩𐭥𐭥 : *gōš* (GPV 65)؛ *Mir. Man. III*

فارسی باستان *-gauša*؛ اوستائی *-gaōša*؛ فارسی نو گویش .

ایرانی *ūrs*؛ دگوری *ors*؛ اوستائی *-auruša*؛

فارسی میانه زردشتی 𐭩𐭥𐭥 : *arus*؛ سفید (GPV 261).

ایرانی *gūg*؛ دگوری *gog*؛ سفیدی *gāw*\*؛ یعنی

*gaw* (58)؛ خوارزمی *gāw* (مقدمه ۴۸)؛ فارسی میانه زردشتی 𐭩𐭥𐭥 : *gaw* (58)

؛ اوستائی *-gau*؛ فارسی نو گو (ترجمه توفیر طبری - چاپ بیخانی ص ۲۲۶)، گاو .

ایرانی *xūd*؛ دگوری *xodæ*؛ اوستائی *-xaōda*؛ فارسی

باستان *-xauda*؛ فارسی نو خود .

ایرانی *rūxs*؛ دگوری *roxs*؛ اوستائی *-raoxšna*؛

فارسی نو روشن .

ایرانی *sūg*؛ دگوری *sog*؛ همزیم؛ اوستائی *-saoka*\*؛ آتش .



مصوت 0

0 ایرونی // 0 دیگوری // ā ایرانی باستان :

\* nām : n<sup>m</sup> سنڌی ؛ nom دیگوری ؛ nom ایرونی

nāma ختمی ( Gr. I, 73 ) ؛ خوارزمی nāmīk ( مقدره 60 ) ؛ ختمی nāma

( Konow 108 ) ؛ فارسی میانه طرفانی nām ( Mir. Man. II, 60 ) ؛

پهلوانی طرفانی nām ( Mir. Man. III, 58 ) ؛ فارسی میانه زردشتی اکت :

nām ( GPV 31 ) ؛ فارسی باستان nāman ؛ اوستائی

-nāman ؛ فارسی نو نام .

ایرونی allon ؛ دیگوری allon ؛ اوستائی airyana ؛

فارسی نو آلان ، آران .

ایرونی bon ؛ روز ؛ اوستائی bānu ؛ فارسی میانه زردشتی

اکت : \* bānuk ( GPV 31 ) ؛ نگاه کنید به 954 p. ( Air. Wb . p . ) .

ایرونی don : آب ، رود ، رود ؛ اوستائی -dānu- : رود .

مصوت e ایرونی

این واگن یا دروازه های داخل دیده می شود یا از برخورد دو æ به وجود می آید :

sovət از روسی COBET ؛  $dæ + æmgar \leftarrow de'mgar$  :

هم سالت ؛  $dæ + æmbal \leftarrow de'mbal$  : دوست .

نیم مصوت های زبان آکسی

زبان آکسی دو نیم مصوت دارد :  $ɣ$  ،  $ʍ$  .

$ɣ$  و  $ʍ$  ایرونی //  $ɣ$  و  $ʍ$  دگوری //  $ɣ$  و  $ʍ$  ایرانی باستان :

ایرونی  $wæ$  ؛ دگوری  $wæ$  : ضمیر متصل دوم شخص جمع ، حالت اضافی :

مال شما ؛ اوستائی  $vō$  ، حالت اضافی جمع .

ایرونی  $warin$  ؛ دگوری  $warum$  ؛ اوستائی  $Nvār$  ؛

فارسی نو باوریدن .

ایرونی *dwar* ؛ دگوری *dwar* ؛ پهلوانی طرفانی *bar* (185)  
(Boyce) ؛ فارسی میانه زردشتی  $\text{𐬀𐬎𐬎}$  ؛ *dar* (GPV 160) ؛ فارسی میانه نظرانی

ایرونی *dæw* ؛ دگوری *dæw* ، ضمیر منفصل دوم شخص مفرد ، حالت اضافی ؛  
*dar* (Mir. Man. II, 51) ؛ سغدی  $\text{ܕܦܪ}$  ؛ *diBar* (61)\*

(Gr. I) ؛ اوستائی *dvar-* ؛ فارسی باستان *duwara-* ؛ فارسی نو *dar* .

مال تو ؛ یغابی *taw* ؛ ضمیر دوم شخص مفرد ، *casus obliquus* (II, 77)  
ایرونی *dæw* ؛ دگوری *dæw* ، ضمیر منفصل دوم شخص مفرد ، حالت اضافی ؛

(Sokolova) ؛ خوارزمی *day* ؛ ضمیر دوم شخص مفرد ، *casus*

(Frejman 12) *obliquus* ؛ اوستائی *tava* ؛ ضمیر منفصل مفرد

دوم شخص در حالت اضافی ؛ مال تو .

ایرونی *nog* ؛ دگوری *næwæg* ؛ اوستائی *nava-* ؛ فارسی نو *naw* .

ایرونی *yæw* ؛ سغدی *yw* ؛ *yaw* ؛ یغابی *yaw* (365)\*

(Sokolova II, 76 ، YT) ؛ فارسی میانه زردشتی  $\text{𐬀𐬎𐬎}$  ؛



\* yaw]artāk ! yō]rtāk\* ؛ فارسی نو سجو . (GPV 78) .

ایرودی yaw با فارسی باستان -yāu : نیرو (در

yāu mani- ) با اوستائی -āyu : سن و سال .

صامت b

b آغازی ایرودی // b آغازی دگوری // b آغازی ایرانی باستان :

ایرودی būd ؛ دگوری bodæ ؛ خوشبوئی ؛ سفدی Bwd :

βōd\* (Gr. I, 101) ؛ یقائی vūd (YT, 349) باخوارزی

βōd (تقدیر ۱۶) ؛ نخستی -būda (Konow 117) ؛ فارسی میانه

طرفائی bōy (Mir. Man. II, 48) ؛ فارسی میانه زردشتی باف :

bōd (GPV 303) ؛ اوستائی baoidi ؛ فارسی نو بوی ، بو .

ایرودی bonz ؛ روز ؛ اوستائی bānu ؛ روشنی .

ایرودی bīræ ؛ دگوری beræ ، bewræ ؛ بسیار ،

ختنی - byūra-، byurru- : ده هزار ، ۲ - بسیار . (73)  
 (BSOS VIII 121, IX) ؛ فارسی میانه 'طرفانی' bēwar (48)  
 ، (Mir. Man. II) ؛ پهلوانی طرفانی bēwar (Müller II, 46)  
 فارسی میانه 'زردشتی' راجا : bēwar (YF I, 2) ؛ اوستایی  
 -baēvar- ؛ فارسی نو بیور .

ایرونی bæddin ؛ دگوری bæddun ؛ سغدی

-Bant- ؛ \*Band- (Gr. I, 124) ؛ خوارزمی Bāncin:

می بندم ؛ فارسی باستان واوستائی Nband ؛ فارسی نو بند- ، بستن .

ایرونی barc ؛ دگوری barcæ ؛ سغدی Bānš: \*

(GMS 52) ؛ اوستائی -barəša- ؛ فارسی نو بُش از ایرانی باستان

\*  
 -brša-

ایرونی baz ؛ خوارزمی Bžnyk (HenningKhwar.14) ؛

اوستائی-*barəziš* ؛ فارسی نو بالش .

ایرودی *baziḡ* ؛ دیگرى *bazug* ؛ سغدی  $\beta z^{\prime} kh$  :

*βāzāk* (BSOS XI, 732) ؛ ختنی-*bāysu* (Konow 116)

اوستائی-*bāzu* ؛ فارسی نو بازو .

\*  
ایرودی *bærzond* ؛ سغدی  $\beta rz$  ؛ *βarz* (I, 94)

\*  
*βarzāk* (Gr. *βrz'k*) (GMS 20) ؛ ختنی

-*bulysa* (Konow 28, 117) ؛ اوستائی-*barəzah* ،

-*bərəzant* ؛ فارسی باستان-*bard]iya* ؛ فارسی نو برز، بلند .

*b* میانی ایرانی باستان برابر است با *m* آسی ، نگاه کنید به صحت

*m* ، اما *b* پس از *m* ایرانی باستان برابر است با *b* آسی :

ایرودی *æmbūdin* ؛ دیگرى *æmbodun* ؛ ایرانی باستان

\*  
*ham-bauda* ؛ فارسی نو انبؤیدن .



ایرونی *æmbærziñ* ؛ دیگری *æmbærzun* ؛ پوشاندن ؛

اوستائی *Nbarəg* ؛ خویش آمد گفتن .

صامت p

صامت p در واژه های دخل دیده می شود ، اما در چند واژه اصیل

صامت p بدل از صامت های دیگر دیده می شود :

ایرونی *čippar* ؛ دیگری *cuppar* ؛ سغدی *čtβʳ*

؛ (Gr. II, 138) ؛ یغنی *tifor* (Sokolova II, 76) ؛

خوارزمی *caβār* (مقدر ۳۱) ؛ فارسی میانه طرفانی *čahr* ، *čahr* ؛

پهلوانی طرفانی *čafār* (Müller II, 46) فارسی میانه زردشتی

س ۹ ؛ اوستائی (GPV 512) *čahr* ؛ اوستائی

*čaθwārō* ؛ حالت فاعلی جمع از *čaθwar* ؛ فارسی نو چهار .

## صت f

f آغازی ایرونی // f آغازی دگوری // p ایرانی باستان :

ایرونی fid ؛ دگوری fidæ ؛ خوارزمی pic (مقدمه ۱)

ختی-pitar- (Iranistik 140) ؛ فارسی میانه طرفانی pid ،

pidar (Mir. Man. II, 64) ؛ پهلوانی طرفانی pidar (194)

Boyce) ؛ فارسی میانه زردشتی p : pit ، p : pit

pitar- (GPV 467-8) ؛ فارسی باستان-pitar ؛

اوستائی-pitar- ؛ فارسی نو پید ، پدور .

ایرونی firt ؛ دگوری furt ؛ سغدی pšyy (GMS 16)

ختی-pūra- (Konow 113) ؛ خوارزمی purak (Frej-34)

؛ اوستائی-puθra- ؛ فارسی باستان-puça- ؛ فارسی نو

پس ، پسر ، پور .

ایرونی *fēw* ؛ دیگرى *few* ؛ اوستائی - *pīvah-*

فارسی نو، پی .

ایرونی *fæd* ؛ اوستائی - *pada-* ؛ فارسی نو، پی .

\*ایرونی *fonj* ؛ دیگرى *fonj* ؛ سغدی *pnč* ؛ *panč* \*

(Gr. I, 59) ؛ یغناپی *panč* (YT 302) ؛ خوارزمی *panc*

(مقدّم ۲۲-۳۱) ؛ ختنی - *panjsa* (Konow 110) ؛ فارسی میانه، طابا

*panz* (Mir. Man. II, 65) ؛ پهلوانی طرفانی *panj* (60) ،

(Mir. Man. III) ؛ فارسی میانه، زردشتی *panj* (2, 71) ؛

(YF) ؛ اوستائی - *panča-* ؛ فارسی نو، پنخ .

ایرونی *færæt* ؛ ختنی - *pada-* (Konow 110)

اوستائی - *parasu-* ؛ فارسی باستان - *paraθu-* ؛ سنسکرت

- *paraśú-* ؛ فارسی نو، تبر .



*færæt* در آسی بنا به قواعد زبان شناسی ایرانی نمی تواند اصل باشد، چون

s اوستائی برابر است با s آسی و باید به جای *færæt* می گند *færæs*. این

واژه دخل از فارسی باستان در آسی باستان است (نگاه کنید به *Iraniskie Yazyki*)

• (G, I, M. - L. 1945, p. 8)

ایرانی *fælxæ*؛ دگوری *fal*؛ آنا؛ سفدی *p'r* :

*\*pār*؛ زیرا (SDM III, 125)؛ ایرانی باستان - *\*para*؛ سندی

• *param*

ایرانی *fældisin*؛ دگوری *fældesun*؛ سفدی

*prdyś-*؛ *pardēs-* (GMS 104) ساختن .

ایرانی *fad*؛ سفدی *-pād*؛ (Gr. I, 15) *\*pād-*

ختمی - *pāa* (Konow 112)؛ اوستائی - *pād-*؛ فارسی نو یا (ی).

ایرانی *faron*؛ دگوری *faræ*؛ سال گذشته؛ سفدی

\*  $\text{pērnām} : \text{pyrnm}$  (SDM III, 19) ؛ اوستائی

؛ فارسی باستان -  $\text{parana}$  ؛ پیش ؛ فارسی نو پار ، پارینه ،

پارین .

f میانی ایرونی // f میانی دگوری // p میانی ایرانی باستان :

ایرونی  $\text{æfsad}$  ؛ دگوری  $\text{æfsad}$  ؛ سغدی  $\text{sp}^{\text{d}}$  :

\*  $\text{spād}$  (SDM II, 194) ؛ ختی -  $\text{spāta}$  ؛ فرمانده ، از

-  $\text{spāda}$  -  $\text{pati}$  (Iranistik 140) ؛ اوستائی -  $\text{spāda}$  ،

-  $\text{spāda}$  ؛ فارسی باستان -  $\text{spāda}$  ؛ فارسی نو اسپاه ، سپاه .

f آغازی ایرونی // f آغازی دگوری // f آغازی ایرانی باستان :

\* ایرونی  $\text{fink}$  ؛ دگوری  $\text{finkæ}$  ؛ اوستائی -  $\text{faēna}$  ؛

سنگیت -  $\text{phēna}$  ؛ کف .

f ایرونی // f دگوری // b ایرانی باستان :

ایرونی ærfiq ؛ دگوری ærfug ؛ فارسی باستان

\*brū- ؛ اوستائی-brvat ؛ سنگیت -bhrū ؛ فارسی نو برد، ابرو.

صامت ص

ص ایرونی // ص دگوری // b ایرانی باستان :

ایرونی davin ؛ دگوری davn : دزدیدن ؛ اوستائی

Ndab : فریختن .

ایرونی ærvad ؛ دگوری ærvad ؛ سغدی Brt :

\*Brāt (BBB 122) ؛ یغابی virod (Sokolo-II, 76)

(va) ؛ خوارزمی Brōd (مقدمه ۱) ؛ ختنی brātar (118)

(Konow) ؛ فارسی میانه طرفانی brād ، brādar (II, 48)

(Mir. Man. III, 52) ؛ پهلوانی طرفانی brād ، brādar

(Mir. Man. III, 52) ؛ فارسی میانه زردشتی (لبر) : brāt (YF 3, 9)



برادر) : *brātar* (YF 3, 54) ؛ فارسی باستان - *brātar-* ؛

اوستائی - *brātar-* ؛ فارسی نو برادر .

\*  
ایرونی *ævzag* ؛ سغدی *zβ'k* : *žβāk*

(SDM II, 196) ، *zβ'k* : *žβāk* (Gr. I, 20) ؛

یغاقی *zivok* (Sokolova II, 76) ؛ خوارزمی *z<sup>u</sup>fāk* ،

*z<sup>u</sup>βāk* (Frejman 80) ؛ فارسی نو زوان ، زفان ، زبان .

س میانی ایرونی // س میانی دیگری // P میانی ایرانی باستان :

ایرونی *æxsæv* ؛ دیگری *æxsæv* ؛ سغدی - *šp* :

*xšap-* (Gr. I, 43) ؛ یغاقی *xišap* (Sokolova II, 76)

فارسی میانه طرفانی *šab* (Mir. Man. I, 46) ؛ پهلوانی طرفانی *šab*

(Müller II, 49) ؛ فارسی میانه زردشتی *šap* : 338

(GPV) ؛ فارسی باستان - *xšap-* ؛ اوستائی *xšap* ؛ فارسی نو شب .

ایرانی *tævin* ؛ دیگری *tærun* ؛ اوستائی *Ntap* ؛ فارسی نو

تفتن ، آفتن ، آتاب . . .

ایرانی *avd* ؛ دیگری *avd* ؛ سغدی *βt* ؛ \**αβt*

(Gr. I, 60) ؛ یغنی *avd* (Sokolova II, 76) ؛ خوارزمی

*αβd* (مقدمه ۲۱) ؛ فارسی سیاه طرفانی *haft* (Mir. Man II, 56) ؛

پهلوانی طرفانی *haft* (Mir. Man. III, 55) ؛ فارسی سیاه زردشتی *هفت* :

*haft* (YF 2, 61) ؛ اوستائی *hapta* ؛ فارسی نو هفت .

ایرانی *carv* ؛ سغدی - *tcārba* (Konow 28) ؛ فارسی نو چرب .

ایرانی *ævdīsīn* ؛ دیگری *ævdesun* ؛ پهلوانی طرفانی

- *abdēs* (Ghilain 61) ؛ اوستائی *apa-daēs* ؛ نشان دادن .

صات *m*

*m* ایرانی // *m* دیگری // *m* ایرانی باستان :

ایرانی *mid* ؛ دگوری *mud* ؛ اوستائی- *madu* ؛ عسل ؛

سنسکرت *madu* : *mādu* \* (SDM III, 70) ؛ فارسی میانه طرفانی

*mad* ؛ فارسی میانه زردشتی 6 د ؛ *may* (Mir. Man. II, 60)

(Salemman 95) فارسی نو می .

ایرانی *mīy* ؛ دگوری *mejæ* ؛ اوستائی- *maēja* ؛ فارسی نو میخ .

ایرانی *arm* ؛ دگوری *arm* ؛ سنسکرت *arm* \* (II, 90)

(Gr.) *arm* ( ? ) ؛ *arm* \* (SDM III, 17) ؛ اوستائی- *arāma* :

دست .

ایرانی *kalm* ؛ دگوری *kalm* ؛ اوستائی- *kārami* \*

سنسکرت- *kāmi* ؛ فارسی نو کرم .

ایرانی *amayin* ؛ دگوری *amayun* ؛ اوستائی (y) *nmā*

+ *ā* ؛ فارسی نو آمان ، آمودن ، آمانی . - .



## صامت d

d آغازی ایرونی // d آغازی دگیوری // d آغازی ایرانی باستان :

ایرونی dary ؛ دگیوری dary ؛ ختنی dāra (Konow 106) ؛

اوستائی darəya ؛ فارسی باستان - darga ؛ فارسی نو دیر .

ایرونی dændag ؛ دگیوری dændag ؛ اوستائی dantan ؛

فارسی نو دندان .

ایرونی dæs ؛ سغدی ds<sup>\*</sup> : (Gr. II, 149) ؛

خوارزمی das (مقدمه ۳۱) ؛ ختنی -dasa (Konow 44) ؛ اوستائی

-dasā ؛ فارسی نو ده .

ایرونی diyd ؛ دگیوری duyd ؛ سغدی diwθh ؛

ایرونی diwθh<sup>\*</sup> (BTS 252) ؛ خوارزمی duyd (مقدمه ۱) ؛ ختنی

-dūtar (Konow 107) ؛ اوستائی -dugədar ؛

*duydar*؛ فارسی نو دخت، دختر.

ایرانی *darin*؛ دیگوری *darun*؛ سغدی  $\text{𐭠𐭣𐭥}$  :

$\text{𐭠𐭣𐭥}^*$  (Gr. I, 67)؛ خوارزمی  $\text{𐭠𐭣𐭥}$  (Frejman 72)؛

اوستائی  $\text{𐭠𐭣𐭥}$  - فارسی نو دار-، داشتن.

ایرانی *don*-؛ دیگوری *donæ*-؛ سغدی  $\text{𐭠𐭣𐭥}$ -؛

$\text{𐭠𐭣𐭥}^*$ ،  $\text{𐭠𐭣𐭥}$  "tr"؛ آذربایجان (Gr. I, 137)؛ اوستائی و

فارسی باستان *dāna*-؛ فارسی نو - دان (پسوند مکان).

ایرانی *dižwin*؛ دیگوری *dužun* → ایرانی

باستان *dušgauna*\* از *duš*- + *gauna*.

ایرانی *dwar*؛ سغدی  $\text{𐭠𐭣𐭥}$  :  $\text{𐭠𐭣𐭥}^*$  (I, 45)

(Gr.)؛ فارسی باستان *duvar*؛ اوستائی *duvar*؛ فارسی نو در (= باب).

ایرانی *dižæg*؛ دیگوری *dumæg*؛ سغدی  $\text{𐭠𐭣𐭥}$  :

\**dumaka* → *dumaa* - ختن (BBB 102) \**ḍum*

(Konow 106) ؛ اوستائی-*duma* ؛ فارسی نو *دُم* .

ایرانی *diṃgæ* ؛ دگوری *dumgæ* ؛ باد ؛ سغدی

\**ḍamāk* ؛ باد (BSOS XI, 715) ؛ *ḍm<sup>2</sup>k*

\**ḍamēnāk* ؛ بادی (Gr. I, 137) ؛ ختن *ḍm<sup>2</sup>yn<sup>2</sup>k*

*Ndam + pati* - از باد : *patidam* → *padama-*

(Konow 111) ؛ فارسی نو *دَم* ، دره از ایرانی باستان *Ndam* ؛ *دَمیدن* .

*d* آغازی ایرانی // *d* آغازی دگوری // *t* آغازی ایرانی باستان :

ایرانی *dasin* ؛ دگوری *dasun* ؛ سغدی *t<sup>2</sup>š* - ؛ \**tāš* -

(GMS 100) ؛ اوستائی *Ntaš* ؛ ساختن .

ایرانی *dæw* ؛ سغدی *tw<sup>2</sup>* ؛ *tawa* ؛ ترا (I, 120)

(Gr. ) ؛ ختن *tw<sup>2</sup>* ؛ مال تو (Konow 105) ؛ اوستائی *tava* ؛



حالت اضافی مفرد ؛ فارسی نو تو .

d میانی ایرونی // d میانی دگوری // d میانی ایرانی باستان ؛

ایرانی ævdīsīn ؛ دگوری ævdesun ؛ پهلوانی طرفانی

abdes- ؛ اوستائی \*apa-daēs- : نشان دادن .

ایرانی aydæn ؛ دگوری aydænæ ؛ اوستائی

ā-day-ana- \* از ریشه \*day ، dī- : دیدن ؛ فارسی نو آینه .

ایرانی fad ؛ دگوری fad ؛ فارسی باستان -pāda ؛ فارسی نو پای ، پا .

ایرانی mid ؛ دگوری mud ؛ اوستائی -madu ؛ عمل ؛ فارسی نو می .

دگوری idæwun : نفی کردن ؛ اوستائی -ndav ؛ گفتن (ایرانی) + .vi-

ایرانی ayūd ؛ دگوری ayodæ ؛ سوزی کد "ج" :

کد āyōd (Sogdica 33) ؛ خوارزمی āyud (1955, 48)

(Asia Major) : پوشش ، جد ؛ پهلوانی طرفانی -nixund

( Ghilain 83 ) : پوشیدن ؛ اوستا *Ngaoz* ؛ فارسی باستان

*Ngaud* : پوشیدن . بهجت وجود *d* در واژه های مذکور ، این واژه ها

نمی توانند اصل باشند ، شاید جمل از فارسی باستان در سغدی باستان ، خوارزمی باستان و

آسی باستان باشند ، نمونه دیگر در کسبی *færæt* ( دیده شود ) است .

*d* میانی ایرونی // *d* میانی دگوری // *t* میانی ایرانی باستان :

ایرانی *wad* ؛ دگوری *wad* ؛ سغدی *wṯ* : *wāt* \*

یغابی *wat* ( Gr. I, 125 ) ؛ خوارزمی *wād* ( Frejman 93 ) ؛

ایرانی نام روز بیت و دوم - بادروز - رابو زبان سغدی و خوارزمی « واذ » داده است

( الآثار الباقیه - چاپ لنینگراد ۱۹۲۳ - ص ۴۶ - ۴۸ ) ؛ فارسی میانه طرفانی *wād*

( Mir. Man. I, 38 ) ؛ پهلوانی طرفانی *wād* ( Boyce 196 ) ؛

فارسی میانه زردشتی ۴۲۱ : *wāt* ( GPV 32 ) ؛ اوستایی *vāta-*

فارسی نو باد ، واد .

ایرانی *mard* ؛ دگوری *mard* ؛ مردنی ؛ اوستائی-*maršta* ؛

فارسی نو مرد .

ایرانی *dændag* ؛ دگوری *dændag* ؛ اوستائی-*dantan* ؛

فارسی نو دندان .

ایرانی *dixd* ؛ دگوری *duxd* ؛ سغدی *ḏuxyṯh* ؛

*ḏuxyuta*\* (BTS 252) ؛ خوارزمی *duxd* (مقدّمه ۱) ؛ حتی

*dūtar* (Konow 107) ؛ اوستائی-*dugədar* ، *duxdar* ؛

فارسی نو دخت ، دختر ، دغد (= عروس) .

ایرانی *mad* ؛ دگوری *madæ* ؛ سغدی *māt* ؛ *māt<sup>a</sup>*\*

(Gr. I, 73) ؛ خوارزمی *māda* (Frejman 108) ؛ حتی

*mātar* (Konow 119) ؛ اوستائی-دمازی باستان-*mātar* ؛ فارسی نو

مادر .



## صامت t

t ايرونی // t ديگوري // t ايراني باستان :

ايرونی *tærsin* ؛ ديگوري *tærsun* ؛ اوستائی *tærasaiti* ؛

فارسی نو ترسيدن .

ايرونی *tærin* ؛ ديگوري *tærun* : گذاشتن ، راندن ،

دواندن ؛ فارسی ميانه زردشتی *wtartan* (GPV 50) ؛

اوستائی *Ntar* ؛ فارسی نو گذاشتن ، گذردن ، گذر - .

## صامت s

s ايرونی // s ديگوري // s ايراني باستان :

ايرونی *fis* ؛ ديگوري *fus* ؛ سغدی *psw* : *pasa* (Gr. I, 59)

*ps* ؟ : *apas<sup>a</sup>* (Gr. I, 57) ؛ خوارزمی *apas* (مقدّمه ۵۰ -

۴۹) ؛ ختمی-*pasa* (Konow 112) فارسی ميانه زردشتی (۲۳۵) :

\*pas (GPV 473) ؛ اوستائی - pasu : گوشت ، فارسی نو شایمان .

ایرونی stir ؛ دگوری stur ؛ اوستائی - stūra ؛ سندیت

-stkūra ؛ فارسی نو سترگ .

ایرونی sirx ؛ دگوری surx ؛ اوستائی - suxra ؛ فارسی

باستان -θuxra ؛ فارسی نو سرخ .

ایرونی sist ؛ دگوری sistæ ؛ اوستائی - spiš ؛ فارسی نو

شیش ، سبش ( اابینه - چاپ زلیگمان - ص ۱۲۹ ) .

s ایرونی // s دگوری // š ایرانی باستان :

\*ašt ؛ دگوری ast ؛ هندی ṛst :

(Gr. I, 135) ؛ یغانی ašt (Sokolova II, 76) ؛ خوارزمی

ašt (مصدر ۲۱ - ۲۱) ؛ حتی - hašta (Konow M 103) ؛

فارسی میانه طرفانی hašt (Müller II, 19) ؛ پهلوانی طرفانی hašt

(Boyce 189) ؛ فارسی میانه زردشتی سورم : ašt (GPV 249)؛

اوستائی - ašta ؛ فارسی نو هشت .

\* ایردنی rast ؛ دگوری rast ؛ سغدی ršt - rašt

(Gr. I, 59) ؛ یغابی rask (YT 312) ؛ ختنی - rraštā (120)

(Konow) ؛ پهلوانی طرفانی rāšt (Müller II, 47) ؛ فارسی میانه

زردشتی لسعصر : rāst (AV 5, 5) ؛ فارسی باستان

- rāsta ؛ اوستائی - rāšta ؛ فارسی نو راست .

ایردنی ūrs ؛ دگوری ors ؛ فارسی میانه زردشتی سورم :

(GPV 261) arus ؛ اوستائی - auruša ؛ سغدی .

ایردنی ars ؛ دگوری ars ؛ خوارزمی hars (مقدمه ۵۲)؛

فارسی باستان - rša در - aršāma ؛ فارسی نو خرس .

\* ایردنی qūs ؛ دگوری qos ؛ سغدی qwš : qōš



(Gr. I, 101) ؛ یختی *juš* (YT 260) ؛ خوارزمی *još* (مقدمه)

(۵) ؛ اوستائی - *gaoša* ؛ فارسی باستان - *gauša* ؛ فارسی نو گوش .

ایرودی *fæsm* ؛ دگوری *fans* ؛ اوستائی - *pašman* ؛ سنگدیت

- *paksman* ؛ فارسی نو پشم .

\*  
ایرودی *casm* ؛ دگوری *cans* ؛ سدی *čšm* ؛ *čašm*

(GMS 41) ؛ ختی *tcei'man* (Konow 104) خوارزمی

*casm* (مقدمه ۳۱۰) ، *cam* (مقدمه ۱۴۵) ؛ اوستائی

- *čašman* ؛ فارسی باستان - *čaša* ؛ فارسی نو چشم ، چشم ، چشم .

صامت z

z ایرودی // z دگوری // z ایرانی باستان :

ایرودی *zærdæ* ؛ دگوری *zærdæ* ؛ خوارزمی *zird*

(Frejman 55) ؛ ختی - *ysära* (Konow 128) ؛ فارسی سینه‌کوفتانی

(Boyce 199) zird ؛ پهلوانی طرفانی (Mir. Man. II, 51) dil

\*  
فارسی میانه: زردشتی دولا: dil (AV 74, 2) ؛ فارسی باستان - dīrd\*

اوستائی - zərəd ؛ فارسی نو دل .

\*  
ایردنی zərond ؛ دگوری zərond از -zarant\*

فارسی میانه: زردشتی کلیمه: zarmān (GPV 369) ؛ اوستائی

-zauruna ؛ فارسی نو زربان .

ایردنی rīzin ؛ دگوری rezun ؛ لرزیدن ؛ اوستائی Nraēz ؛

سنگیت Nrej .

ایردنی æz ؛ دگوری æz ؛ اوستائی azəm ؛ فارسی

باستان adam ؛ من .

صامت n

n ایردنی // n دگوری // n ایرانی باستان :

ایرودی *nog* ؛ دگوری *næwæg* ؛ سغدی *nw'kw* :

*\*nawākə* ؛ سغدی *nawa* (YT 292) ؛ فارسی میانه "طرفانی

*nōg* (Mir. Man. II, 60) ؛ پهلوانی طرفانی *nawāg* (192)

(Boyce) ؛ فارسی میانه زردشتی ۹۱۱ : *nōk* (GPV 3) ؛ خوارزمی

*\*nōc* (مقدّمه ۴) ؛ سغدی *no* (Konow 109) ؛ اوستائی

*nava-* ؛ فارسی نو نو .

ایرودی *mæn* ؛ دگوری *mæn* : حالت اضافی مفرد ؛ اوستائی

*mana* ؛ فارسی باستان *manā* : حالت اضافی مفرد ؛ آن من .

ایرودی *aydæn* ؛ دگوری *aydænæ* ؛ اوستائی

*\*ādayana-* از *Ndī* ، *Nday* : دیدن ؛ فارسی نو آئینه .

صامت *r*

*r* ایرودی // *r* دگوری // *r* ایرانی باستان :



ایرانی rūxs ؛ دگوری roxs ؛ سغدی r̥wšn :

II, 67) rōšn ؛ فارسی سینه طرفانی (Gr. I, 101) \*rōx<sup>u</sup>š<sup>a</sup>n

(Mir. Man. ؛ پهلوانی طرفانی rōšn (Boyce 194) ؛ فارسی سینه

زردشتی 𐬨𐬀𐬎𐬎𐬀 : rōšn (AV II, 9) ؛ اوستائی - raoxšna

فارسی نو روشن .

ایرانی qarm ؛ دگوری qar ؛ اوستائی - qarəma ؛ فارسی نو گرم .

### صامت ا

ایرانی // ا دگوری // r ایرانی باستان :

ایرانی calx ؛ دگوری calx ؛ سغدی -črx- : \*čarx-

(Gr. II, 91) ؛ یغابی čarx (YT 236) ؛ پهلوانی طرفانی čaxr

(Boyce 186) ؛ فارسی سینه زردشتی 𐬨𐬀𐬎𐬎𐬀 : čaxr (بندش ص ۱۷)

س ۱۵) ؛ اوستائی - čaxra ؛ فارسی نو چرخ .

ایرونی *ali* ؛ دگوری *ali* ؛ پهلوانی طرفانی *harw* (Boy-188)

(*ce*) ؛ اوستائی-*harva* ؛ فارسی باستان-*haruva* ؛ فارسی نو هر .

ایرونی *aly* ؛ اوستائی-*ayra* ؛ پایان ، -*anayra* ؛ بی پایا ؛

فارسی میانه زردشتی *anayrān* ؛ نام روزی ام ازهرماه (PT 71) ؛

معنی *anayr rōšn* ؛ روشنی بی پایان ، گاه (= فلک)

خوشید (بدهش ص ۳۲ س ۱۵) ؛ سغدی *nyrnk* ؛ -*nayr*\*

*an<sup>a</sup>* ؛ نام روزی ام ازهرماه سغدی (SDM I, 35) . بیرونی در

الانوار الباقیه عن القرون الخالیة - چاپ لیمبرگ ۱۹۲۳ - ص ۴۶ ، برای سغدی

«نفر» داده است و برای خوارزمی «اونرغ» ، همانجا ص ۴۸ . فارسی نو

انیران ؛ نام روزی ام ازهرماه شمسی .

ایرونی *fælx* ؛ دگوری *fal* ؛ آما ، سغدی *p<sup>r</sup>* ؛ *pār*\*

زیرا (SDM III, 125) ؛ ایرانی باستان-*para*\* ؛ سغدی *param* .

صامت C

C ایردنی // C دگوری // č ایرانی باستان :

\*  
čarm : črm سغدی ؛ carm دگوری ؛ carm ایردنی

: tcārma-ختی (Gr. II, 90) ؛ خوارزمی carm (مقدر ۱۳) ؛

čarman- (Konow 14) ؛ اوستائی-čarman- ؛ فارسی

باستان-čarman- ؛ فارسی نو چرم .

\*  
cāt-: čt- سغدی ؛ cadæ دگوری ؛ cad ایردنی

(Gr. I, 72) ؛ اوستائی-čāt- ؛ فارسی نو چاه .

cærin دگوری ؛ cærun ؛ رستن ؛ اوستائی

caraiti ؛ فارسی نو چریدن .

cæwin ایردنی ؛ cæwun دگوری ؛ šw- سغدی :

\*  
šaw- (Gr. I, 117) ؛ یغائی-šaw- (Sokolova II, 78)



خوارزمی - *ciya* (Frejman 83) ؛ ختنی - *tsu* (Konow 104) ؛

اوستائی - *šav* ، *šyav* ؛ فارسی باستان - *šiyav* ؛ سنگیت

- *čyav* ؛ فارسی نو شدن .

\*  
ایرانی *cajar* ؛ سغدی *čyr* ؛ *čāyar* (321)

، (ZKV I ، فارسی نو چاکر .

ایرانی *carv* ؛ ختنی - *tcārba* ؛ *cārba* (28)

، (Konow فارسی نو چرب .

\*  
ایرانی *casm* ؛ دگوری *cans* ؛ سغدی *čšm* ؛ *čašm*

(GMS 41) ؛ ختنی - *tcei'man* (Konow 104) ؛ خوارزمی

*casm* (مقدمه ۳۱۰) ، *cam* (مقدمه ۱۴۵) ؛ اوستائی

- *čašman* ؛ فارسی باستان - *čaša* ؛ فارسی نو چشمش ، چشمش ، چشم .

ایرانی *cæfsin* ؛ دگوری *cæfsun* ؛ سغدی - *pdwβs*

(GMS 6) ؛ فارسی نو چسیدن ، چسپیدن ، چسپیدن .

ایرانی *cægat* ؛ سغدی - *čk"t* : *\*čakāt* (64)

(Gr. I) ؛ اوستائی - *\*čakāiti* ؛ سنسکرت - *kakātikā* ؛

فارسی نو چکاد .

ایرانی *cærdæg* ؛ فارسی نو چالاک .

ایرانی *cærgæs* ؛ سغدی *črks* : *\*čarkas* (20)

(GMS) ؛ اوستائی - *kahrkāsa* ؛ فارسی نو گرگس .

ایرانی *cirt* ؛ دگیوری *cirt* : نشنه ، سنگ قبر ؛ اوستائی

-*čiθra* ؛ فارسی نو چپر .

c ایرانی // c دگیوری // *ti* ایرانی باستان :

ایرانی *ciry* ؛ دگیوری *ciry* ؛ اوستائی - *tigra* ؛ فارسی باستان

-*tigra* : تیز ؛ فارسی نو تیر .

ایردنی arc ؛ دگوری arcæ ؛ خوارزمی ašc (Khwar:15)

(Henning) ؛ ختی hälstä (Konow 32) ؛ فارسی میانه زردشتی

سوم : aštar (GPV 249) ؛ اوستائی - aršti ؛

فارسی باستان - aršti ؛ فارسی نو خشت (نیزه کوچیک) .

صت ج

ج ایردنی // ج دگوری // ج ایرانی باستان :

ایردنی tinjin ؛ دگوری itinjun ؛ سغدی

paθθinj- ؛ (GMS 93) ؛ فارسی میانه زردشتی [س] - ۶ :-

ahanj- (GPV 253) ؛ ختی-thamja (Konow 105) ؛

اوستائی Nθanj ؛ فارسی نو آهینجین ؛ پهلوانی طرغانی-(padhkinj 51)

(Ghilain) : فرن کردن .

ج ایردنی // ج دگوری // ج ایرانی باستان :



ایرانی *fonj*؛ دگوری *fonj*؛ اوستائی-*panča*؛ فارسی نو پانچ .

ایرانی *sūjin*؛ دگوری *sojun*؛ اوستائی-*saočayeiti*؛

فارسی نو سوختن ، سوز .

ایرانی *rūjing*؛ اوستائی-*raočana*؛ فارسی نو روزن .

صا ت g

g میانی ایرانی // g میانی دگوری // k میانی ایرانی باستان :

ایرانی *marg*؛ دگوری *marg*؛ سغدی *mrč* :

*marč* \* (Gr. I, 94)؛ فارسی میانه؛ طرطانی *marg* (II, 60)

(Mir. Man. 422) *marg*؛ فارسی میانه زردشتی *مرد* :

(GPV)؛ اوستائی-*mahrka*؛ فارسی نو مرگ .

ایرانی *sūg*؛ دگوری *sog*؛ سغدی *saoka* \*؛

آتش ، از *Nsaok*؛ سوختن .

صامت k

k آغازی ایرودی // k آغازی دگیوری // k ایرانی باستان :

\* ایرودی kænin ؛ دگیوری kænun ؛ سغدی kwn- ؛ kun-\*

(Gr. I, 88) ؛ خوارزمی k- (Frejman 18) ؛ فارسی میانه زردشتی

119- - kun- (GPV 376) ؛ اوستایی kərənao- ؛ فارسی باستان

kunau- (→ kṛnau-\*) ؛ فارسی نو گن- . در یغنا بی مانند آسی

rn اوستایی برابر با n است ، برخلاف زبانهای غربی که آنها rn اوستایی

برابر rr است :

اوستایی- pərənu- ؛ یغنا بی pun (Sokolova II, 78) ؛

فارسی میانه طرفانی purr (Mahr. 14) ؛ فارسی میانه زردشتی purr: )

(GPV 454) ؛ فارسی نو پُر .

k ایرودی // k دگیوری // k سغدی ایرانی باستان :

ایرودی *kark* ؛ دگوری *kark* ؛ اوستائی-*kahrka* در

*kahrkāsa-* ؛ فارسی نو کرک ( مرغ خانگی و ماکیان ) .

ایرودی *ayk* ؛ دگوری *aykæ* ؛ فارسی میان زردشتی من بند :

\*  
ایرودی *xāyak* ( GPV 254 ) از *āyaka* ؛ اوستائی-*aya-* ؛

فارسی نو خایه .

صامت x

x ایرودی // x دگوری // x ایرانی باستان :

ایرودی *xūd* ؛ دگوری *xodæ* ؛ یغابی *xūd* ( II, 76 )

( Sokolova ) ؛ خوارزمی *xōd* \* ( سده ۴۴ ) ؛ اوستائی

*xaoda-* ؛ فارسی باستان-*xauda* ؛ فارسی نو خود .

ایرودی *xæræg* ؛ دگوری *xæræg* ؛ اوستائی-*xara-* ؛

فارسی نو خر .



ایرونی x̄tā؛ دگوری ex؛ اوستائی - aēxa؛ فارسی نوینخ.

x ایرونی // x دگوری // h ایرانی باستان:

ایرونی xīd؛ دگوری xed؛ سغدی ytkw: yetka\*

یغابی etk از - haituka\* (Gr. I, 69 و YT 251)؛ اوستائی

haētu-: پل .

صامت g

g میانی ایرانی باستان // g میانی دگوری // g میانی ایرانی باستان:

ایرونی tīy؛ دگوری teyæ؛ فارسی میانه زردشتی ص ۷۰-: tēx

(GPV 436)؛ اوستائی - taēya\*؛ فارسی نوینخ، تیغ، تیر.

ایرونی mīy؛ دگوری meyæ؛ اوستائی - maēya؛ فارسی نوینخ.

ایرونی bæyṇæg؛ سغدی Byn'k: Bāyṇāk\*

خوارزمی Bāyṇik (Frejman 110)؛ ختمی - būnaa (117)

konow) ؛ اوستائی - magna : برهمنه .

صامت q ایرونی // چ دگوری

q آغازی ایرونی // چ آغازی دگوری // q آغازی ایرانی باستان :

ایرونی qūs ؛ دگوری qos ؛ سغدی qws\* : qōš (101)

(Gr. I, 55) ؛ یخانی qūš (YT 260) ؛ خوارزمی qōš (مقدّم ۵۰) ؛

فارسی میانه طرفانی qōš (Mir. Man. II, 49) ؛ پهلوانی طرفانی qōš (55)

(Mir. Man. III, 65) ؛ فارسی میانه زردشتی qōš (GPV 65) ؛

فارسی باستان - gauša ؛ اوستائی - gaoša ؛ فارسی نو گوش .

صامتهای k', t', c', p'

صامتهای k', t', c', p' در زبان کسی دخل اند و همراه واژه های

دخل از زبانهای قفقازی وارد زبان کسی شده اند و تنها در واژه های دخل دیده می شوند. نمونه :

ایرونی c'irīn ؛ دگوری cerun ؛ کلمین ، از گجی c'ur .

## صامت‌های $\text{č}$ ، $\text{č}$ و $\text{j}$

صامت‌های  $\text{č}$ ،  $\text{č}$  و  $\text{j}$  در گویش دگیوری وجود ندارند؛ در گویش ابرونی

از ابدال  $\text{k}$  و  $\text{k}$  و  $\text{g}$  پیش از  $\text{i}$  و  $\text{e}$  و  $\text{ā}$  به وجود می‌آیند، نمونه:

ابرونی  $\text{karč}$ ؛ دگیوری  $\text{karki}$ ؛ حالت اضافی مفرد از  $\text{kark}$  :

کرک (مخ‌خاگی و ماکیان) .

## مصوت $\text{ā}$ ایرانی باستان

مصوت  $\text{ā}$  ایرانی باستان برابر با  $\text{ar} / \text{l}$  در آکسی است:

ابرونی  $\text{ars}$ ؛ دگیوری  $\text{ars}$ ؛ فارسی باستان  $\text{-rša}$  در

$\text{-ršāma}$  (صورت کتوب  $\text{AR}^{\text{ā}}\text{Š}^{\text{ā}}\text{AM}^{\text{ā}}$ )؛ فارسی نو خرس .

ابرونی  $\text{mard}$ ؛ دگیوری  $\text{mard}$ ؛ مردنی؛ اوستایی  $\text{-marota}$ ؛

فارسی نو مرد .

\*  
ابرونی  $\text{kalm}$ ؛ دگیوری  $\text{kalm}$ ؛ فارسی باستان  $\text{-krmī}$ ؛



شکیت - k'imi-؛ فارسی نو کرم .

گروههای صامتی

گروه rt

rt ایرونی // rt دگوری // θr ایرانی باستان:

ایرونی firt؛ دگوری furt؛ اوستایی - puθra؛ فارسی باستان

puca-؛ فارسی نو پس، پسر، پور .

ایرونی ærtæ؛ پهلوانی طرفانی hrē (Boyce 189)؛ اوستایی

θrāyō؛ فارسی نو سر .

ایرونی art؛ فارسی میانۀ زردشتی ۱۱۴۲ : ātur (280)

(GPV)؛ فارسی میانۀ طرفانی ādur (Mir. Man. II, 44)؛ پهلوانی

طرفانی ādur (Boyce 181)؛ سغدی - "tr : atar (I, 31)

(Gr.)؛ اوستائی -  $\bar{a}\theta r$ ؛ فارسی نو آذر، آدر، آتش .

ایرونی  $cirt$ ؛ دگیوری  $cirt$ ؛ نژد، نگ قبر، اوستائی

$\check{c}i\theta ra$ ؛ فارسی نو چهر .

گروه  $Lx$

$Lx$  ایرونی //  $Lx$  دگیوری //  $xr$  ایرانی باستان :

\*  
ایرونی  $calx$ ؛ دگیوری  $calx$ ؛ سغدی -  $\check{c}r\gamma$  :  $\check{c}arx$

\*  
(Gr. II, 91)؛ یونانی  $\check{c}arx$  (YT 236)؛ پهلوانی طرفانی  $\check{c}axr$

(Boyce 186)؛ فارسی میانه زردشتی  $\check{c}axr$ ؛ سده ۱ (بند هشتن ص)

۲۷ س ۱۵)؛ اوستائی -  $\check{c}axra$ ؛ فارسی نو چرخ .

گروه  $L\gamma$

$L\gamma$  ایرونی //  $L\gamma$  دگیوری //  $gr$  ایرانی باستان :

ایرونی  $aly$ ؛ دگیوری  $aly$ ؛ اوستائی -  $ayra$ ؛ پایان .

گروه rx

rx ایرونی // rx دیگوری // xr ایرانی باستان :

ایرونی sirx ؛ دیگوری surx ؛ اوستائی-suxra ؛ فارسی باستان

θuxra- ؛ فارسی نو سرخ .

گروه ry

ry ایرونی // ry دیگوری // gr ایرانی باستان :

ایرونی ciry ؛ دیگوری ciry ؛ اوستائی-tiyra ؛ فارسی

باستان-tigra : تیز ؛ فارسی نو تیر .

گروه xs

xs ایرونی // xs دیگوری // xs ایرانی باستان :

ایرونی xsir ؛ دیگوری æxsir ؛ اوستائی-xštra\* ؛

سکریت-kṣīrā ؛ فارسی نو شیر (نوشیدنی) .



ایرونی  $\text{æxsīn}$ ؛ اوستائی  $\text{-axšaēna}$ ؛ فارسی باستان

$\text{-axšaina}$ ؛ فارسی نو خشین .

گروه  $\text{ɣd}$

$\text{ɣd}$  ایرونی //  $\text{ɣd}$  دگوری //  $\text{xt}$  ایرانی باستان:

ایرونی  $\text{diɣd}$ ؛ دگوری  $\text{duɣd}$ ؛ فارسی میانه زردشتی  $\text{m}$   $\text{m}$  ۱۳:

$\text{duxt}$  (GPV 73)؛ اوستائی  $\text{-dugədar}$ ،  $\text{-duɣdar}$ ؛

فارسی نو دخت، دختر، دغد (عروس) .

ایرونی  $\text{biɣdæg}$ ؛ دگوری  $\text{buydæg}$ ؛ باز ( $\neq$  بسته)

از ایرانی باستان  $\text{-buxtaka}$  از  $\text{Nbaug}$ ؛ رمانی بخشیدن،

آزاد کردن؛ فارسی میانه زردشتی  $\text{m}$   $\text{m}$  ۱۱؛  $\text{buxtān}$  (PYV 85)؛

فارسی نو بخت در صهاربخت، چهاربخت، بختشوع .

گروه  $\text{wi}$  و گروه  $\text{hwā}$

ایرانی *warin* ؛ دگوری *iwarun* ؛ جدا کردن ؛ اوستائی

*vivāra-* از *Nvar* ؛ گزیدن + *vi* .

\*  
ایرانی *xor* ؛ دگوری *xwar* ؛ نان ؛ اوستائی *x<sup>u</sup>āra* ،

اسم از *Nx<sup>u</sup>ar* ؛ خوردن ؛ فارسی نو خوار (بمعنی خوردنی) .

ایرانی *xærin* ؛ دگوری *xwærun* ؛ خوارزمی - *xur*

(Frejman 18) ؛ اوستائی *Nx<sup>u</sup>ar* ؛ فارسی نو خوردن .

دگوری *xwærxæ* ؛ اوستائی *x<sup>u</sup>arəhar-* ؛ فارسی نو خواهر .

\*  
ایرانی *farn* ؛ دگوری *farnæ* ؛ سندی *frn* ؛ *farn* :

(Konow 114) ، *prn* ، *farn* (Gr. I, 69) ؛ ختنی \*

*phārra-* ؛ اوستائی *fārra-* (Konow 114) ؛

*x<sup>u</sup>arənah-* ؛ مادی *farnah-* ؛ فارسی نو فر (ه) ، خرّه ، خوره .

\*  
ایرانی *fin* ؛ دگوری *fun* ؛ سندی *fwβn* ؛ *x<sup>u</sup>afn* :

(Gr. I, 58) ؛ نخنی - *kūna* (Konow M 104) ؛ اوستائی  
*x<sup>u</sup>afna* ؛ فارسی نو خرم : *x<sup>u</sup>arm* (وزن شعر فارسی - چاپ بنیاد فرزند

ایران - ص ۱۱۸) .

گروه *rn*

*n* ایرونی // *n* دگوری // *rn* ایرانی باستان :

ایرونی *kænin* ؛ دگوری *kænun* ؛ اوستائی - *kəranao* ؛

فارسی باستان - *kunau* → *kṛnau*\* ؛ فارسی نو کن - ، کردن .

ایرونی *dæræn* ؛ اوستائی - *darana* ؛ سنسکرت

- *darana* ؛ از *Ndar* ؛ دریدن + *-ana-* ؛ فارسی نو در - ،

دردین .



## ۲- بررسی فعلهای آسی

فعل در زبان آسی مانند زبان فارسی دو ماده دارد: ماده ماضی، ماده مضارع.

از ماده ماضی فعل ماضی ساخته می شود و از ماده مضارع مصدر، فعل مضارع، فعل آینده،

صفت فاعلی و اسم مصدر. ماده ماضی با صفت مفعولی یکی است و ماده مضارع با

فعل امر دوم شخص مفرد. میان دو ماده ماضی و مضارع، مانند فارسی، اختلاف

صوتی و صامتی وجود دارد، این اختلاف مربوط به گذشته زبان آسی است. در زبان

فارسی اختلاف میان سوخت، ماده ماضی و سوز-، ماده مضارع مربوط به گذشته زبان

فارسی است، در آسی نیز اختلاف میان *dixd*، ماده ماضی و *dūc*

(دشیدن) ماده مضارع، مربوط به گذشته زبان آسی است.

ماده ماضی فعلهای آسی دنباله صفت مفعولی ایرانی باستان و ماده مضارع

مبتنی بر ماده های مضارع گوناگون ایرانی باستان است.

در ایرانی باستان صفت مفعولی ساخته می شود و در ریشه ضعیف (معمولاً) +

-ta- ، نمونه : Ndaug + ta- ← duxta برابر ایرونی

آن می شود *diyd* ؛ دگوری *duyd* ؛ فارسی میانه زردشتی *duxta* : ۴۳۲

(GPV 73) ؛ فارسی نو دوخت (=دوشید) .

ماده مضارع زبان آلمی مبنی است بر ماده های زیر در ایران باستان :

۱- ماده های که از ریشه قوی ساخته شده اند و صورت ریشه آنها *a* است :

اوستائی *ntak*

ایرونی *tæj-* ، ماده ماضی *tayd* ؛ بهیوانی طرفانی *taž* (50)

(Ghilain) ؛ فارسی میانه زردشتی ص ۹ - : *tač* (GPV 445)

تأخیر ، جاری شدن .

اوستائی *ngarəz*

ایرونی *qærz-* ، ماده ماضی *qærzt* ؛ دگوری *qærz-* ؛

ماده ماضی *qærzt* ؛ گنگ کردن ؛ فارسی میانه زردشتی *garzišn* : ۳۳

garzit : قلص ۱۱ ، garz- : قل- ( AV. 42, 7 )

( GPV 168 ) ؛ فارسی نوگزیش . از همین ریشه است در فارسی نوظه و گزین .

اوستایی Nvarəd : بالیدن

+ ā- ابرونی - awærd- ، ماده ماضی awærst ؛ دگوری

-awærd- ، ماده ماضی aurst ( → -āwarsta\* ) ؛ نگهداری کردن ،

حفظ کردن .

فارسی میانه زردشتی اسلص ۱۱۱ : wālitan ( GPV 31 ) ؛

فارسی نو بالیدن .

اوستایی Nkarət

ابرونی - kærd- ، ماده ماضی karst ؛ دگوری - kærd- ،

ماده ماضی karst : بریدن . کاربرد در فارسی نواز Nkarət آمده است .

اوستایی Nkas ؛ فارسی باستان Nkaθ\*



ایرونی - *kæs* ، ماده ماضی *kast* ؛ دگوری - *kæs* ، ماده ماضی

*kast* : نگاه کردن .

درخوارزمی - *skās* : نگاه کردن (مصدر ۱۷۸) ؛ درسنجی - *ngs* :

*angas* - : چهره (GMS 39) ؛ در فارسی نو نگاه ، آگاه از *nkas* ،

*nkāθ* آمده اند . خستی - *kāša* ، ماده ماضی - *kāštā* : بررسی کردن (99)

(Konow) . سنجدی - *ks* : *kas* ؛ در *nyrks* - : *anayrkas* :

ستاره نگر ، منجم (Gr. 1, 57)

اوستایی *Nčar* : حرکت کردن

ایرونی - *cær* ، ماده ماضی *card* ؛ دگوری - *cær* ، ماده ماضی

*card* : زیستن ؛ فارسی نو چر- ، چریدن .

اوستایی *Nx̥ar*

ایرونی - *xær* ، ماده ماضی *xord* ؛ دگوری - *xwær* ؛ فارسی میانه

زردشتی صل-:  $x^u ar-$ ، مادهٔ ماضی صل لم<sup>۱۱</sup>: (GPV 215)  $x^u art$ ؛

سغدی  $\gamma wr-$ :  $x^u ar-$  (SDM III, 121)؛ مادهٔ ماضی  $\gamma wrt$ :  $x^u art$ \*

(SDM II, 201)؛ فارسی میانه: طرفانی  $x^u ar-$ ، مادهٔ ماضی  $x^u ard$  (174)

(Verbum)؛ پهلوانی طرفانی  $xar-$ ، مادهٔ ماضی  $xard$  (57)

(Ghiain)؛ خوارزمی  $xur-$ ، مادهٔ ماضی  $xurd$  (Frejman 18-19)؛

ختی  $hxara-$ ؛ مادهٔ ماضی  $hxada$  (Konow 132)؛ یغابی  $x^o ar-$ ،

مادهٔ ماضی  $x^o arta$  (Sokolova II, 78).

اوستائی  $\sqrt{tar}$ : گذشتن

ایرانی  $tær-$ ، مادهٔ ماضی  $tard$ ؛ دگوری  $tær-$ ، مادهٔ ماضی  $tard$ ؛

گذشتن، راندن. فارسی میانه: زردشتی اصل-:  $witar-$ ، مادهٔ ماضی اصل<sup>۱۱</sup>؛

$witart$  (GPV 50)؛ فارسی نو: گذر-، گذشتن، گذردن با

$tær-$  در اوستا هم ساخته‌ان است، در فارسی میانه و نو فعل لازم است، در اوستا متعدی.

۲- ماده پائی که از ریشه قوی ساخته شده اند و مصوت برشته آنها ā است:

اوستائی  $\sqrt{āp}$

+ abi- ایرونی -  $\text{æyyaf}$  ، ماده ماضی  $\text{æyyæft}$  ،

دیگری -  $\text{æyyaf}$  ، ماده ماضی  $\text{æyyaft}$  ؛ فارسی سیاه طرفانی -  $\text{ayāb}$  ،

ماده ماضی  $\text{ayāft}$  (Verbum 176) ؛ فارسی سیاه زرد شمی سرس -

-:  $\text{ayāp}$  ، ماده ماضی سرس ۱۳ :  $\text{ayāft}$  (GPV 241) ؛

فارسی نو یاب - ، یافتن .

+ pati- سغدی -  $\text{ptyy'p}$  :  $\text{patiyāp}$ -\* (GMS 99)

+ pari- پیروانی طرفانی -  $\text{paryāb}$  ، ماده ماضی  $\text{paryāft}$  (Ghila-60)

. (in

اوستائی  $\text{Nrāz}$  ؛ فارسی باستان  $\text{Nrād}$

+ ā ایرونی -  $\text{araz}$  ، ماده ماضی  $\text{aræzt}$  ؛ دیگری -  $\text{araz}$  ،

ماده ماضی *arazt* : راهپائی کردن ، فارسی میانه زردشتی سلسو - : *-ārād* ،

ماده ماضی سلسو : *arāst* (PYV 15) ؛ فارسی نو آرای - ، آراستن .

*upa-* فارسی میانه زردشتی سلسو : *afrāst* ،

*afrāxt* (PYV 10) ؛ فارسی نو افراز - ، افراشتن ، افراختن .

۳ - ماده مایی که از ریشه قوی ساخته شده اند و مصوت ریشه آنها آ است :

اوستایی *Nraēk*

ایرانی - *tij* ، ماده ماضی *lijd* ، دگیوری - *lej* ، ماده ماضی

*lijd* ؛ گریختن ؛ فارسی میانه زردشتی *lec* - : *-rēč* ، ماده ماضی *ler* :

*rixt* (GAV 136) ؛ فارسی میانه طرفانی - *rēz* (Verbum 177) ؛

فارسی نو ریز - ، ریختن .

اوستایی *Nvaēk* : بختن

ایرانی - *wij* ، ماده ماضی *wiyd* ؛ دگیوری - *wēj* ، ماده ماضی



wiyd : گزیدن ؛ فارسی میانه زردشتی ان - : wēč ، ماده ماضی ان ۱۲۳۱ :

wixt : گزیدن ؛ بختن (Air.Wb. 1312) ؛ فارسی نو بزر- ، بختن .

√ vaēg اوستائی

ایرانی - wīj- ، ماده ماضی wiyd ؛ سغدی - wyč- : wēj-

(Gr. II, 19) ؛ فارسی میانه زردشتی ان - : wēj- ، ماده ماضی ان ۱۲۳۱ :

wixt (PT 9) ؛ فارسی نو بزر- ، بختن (= سگان دادن) .

√ haēz اوستائی

ایرانی - xīz- ، ماده ماضی xīst ؛ دگوری - xez- ، ماده ماضی

xīst ؛ فارسی میانه ظرفانی - xēz- ، ماده ماضی xīst (Verbum 178) ؛

فارسی میانه زردشتی مصدر - : xēz- ، ماده ماضی مصدر مصدر ۱ : xēzit ،

من مصدر ۱۱۱ : xāstan (→ -hāištanai) (GAV 4) ؛

فارسی نو خیز- ، خیزیدن ، خاستن .

اوستائی  $\sqrt{maēz}$

ایرودی -  $mīz$  ، مادهٔ ماضی  $mīst$  ؛ دگوری -  $mez$  ، مادهٔ ماضی

$mīst$  ؛ فارسی میانه زردشتی  $mēs$  - : -  $mēz$  ، مادهٔ ماضی  $mēz$  : ۱۳۱ :

$mīst$  (GPV 411) ؛ فارسی نو  $mīr$  - ،  $mīzīd$  ،  $mīst$  (= پیش-کردن) .

اوستائی  $\sqrt{daēs}$

$abi$  + ایرودی -  $avdīs$  ، مادهٔ ماضی  $ævdīst$  ؛ دگوری

-  $ævdes$  ، مادهٔ ماضی  $ævdīst$  ؛ پهلوئی طرفانی -  $abdēs$  ، مادهٔ ماضی

$abdišt$  : نشان دادن (Ghilain 61) .

اوستائی  $\sqrt{raēs}$

ایرودی -  $rīs$  ، مادهٔ ماضی  $rist$  ؛ دگوری -  $res$  ، مادهٔ ماضی

$rist$  : ریش کردن ، درکشیدن ؛ فارسی میانه زردشتی  $rēs$  - : -  $rēs$  ،

مادهٔ ماضی  $rēs$  : (GPV 337)  $rēšt$  ؛ فارسی نو  $rīš$  - ،  $rīš$  .

۴- ماده‌هایی که از ریشه قوی ساخته شده اند و مصوت ریشه آنها  $\bar{a}$  است:

اوستایی  $\sqrt{saok}$ : سوختن

ایرانی-ژرمنی  $sū$  ، ماده‌های  $siy$  ؛ دیگوری- $soj$  ، ماده‌های  $su$  ؛

صفتی- $sūjsa$  ، ماده‌های  $sūta$  (Konow 127) ؛ فارسی میانه طرفانی

- $sōz$  ، ماده‌های  $suxt$  (Verbum 182) ؛ پهلوانی طرفانی - $sōz$  ،

ماده‌های  $suxt$  (Ghilain 63) ؛ فارسی میانه زردشتی  $su$  - $sōč$  ،

ماده‌های  $su$  (GPV 103) ؛ فارسی نو سوز- ، سوختن .

اوستایی  $\sqrt{daog}$

ایرانی-ژرمنی  $dūc$  ، ماده‌های  $di$  ؛ دیگوری- $doc$  ، ماده‌های

$dux$  ؛ فارسی میانه زردشتی  $du$  - $dōš$  ، ماده‌های  $dux$  :  $dux$

(GPV 73) ؛ فارسی نو دوش - ، دوختن .

\*  
اوستایی  $\sqrt{taog}$

ایرونی - *tux* ، ماده ماضی *tixt* ؛ دگوری - *tox* ، ماده ماضی

*tuxt* : دشنام دادن ؛ فارسی میانہ طرفانی - *tōz* (Verbum 182) ؛

پهلوانی طرفانی - *tōz* (Ghilain 63) ؛ فارسی میانہ زردشتی ۶۱۳ - :

- *tōj* ، ماده ماضی ۱۱۳۱۳ : *tuxt* (GPV 431) ؛ فارسی نو توزه ،

توزیدن ، توختن .

اوستائی *qaoš*

+ *wi* - ایرونی - *qūs* ، ماده ماضی *qūst* ؛ دگوری - *iyos*

ماده ماضی *iyost* .

+ *ni* - فارسی میانہ طرفانی - *niyōš* (Verbum 185) ؛

پهلوانی طرفانی - *niyōš* (Ghilain 66) ؛ سغدی - *ny'wš* - : *niyōš* \*

ماده ماضی *ny'wšt* : *niyōšt* (Gr. II, 10) ؛ فارسی میانہ زردشتی

۱۱۳۱۳ - : *niyōš* ، ماده ماضی ۱۱۳۱۳ : *niyōšit* (GPV 4)



فارسی نو نبوش - ، نبوشیدن .

اوستائی  $\sqrt{kaos}$  : جنگ کردن ، کوشیدن

ایرودی -  $kūs$  ، ماده ماضی  $kūst$  ؛ دگوری -  $kos$  ، ماده ماضی

$kost$  : کار کردن ؛ فارسی میانه 'طرفانی -  $kōš$  ، ماده ماضی  $kōšīd$  (184)

( *Verbum* ) ؛ پهلوانی طرفانی -  $kōš$  ، ماده ماضی  $kōšād$  ( Ghil-60 )

( *ain* ) ؛ فارسی میانه زردشتی ۱۹۱ - - : -  $kōš$  ، ماده ماضی ۱۹۱۱۳۱ :

$kōšīt$  ( GPV 380 ) ؛ فارسی نو کوش - ، کوشیدن .

۵ - ماده بابی که از ریشه قوی تر ساخته شده اند و صورت ریشه آنها  $ā$  است :

اوستائی  $\sqrt{tak}$  : تاختن ، جاری شدن

ایرودی -  $taj$  ، ماده ماضی  $tajd$  ؛ دگوری -  $taj$  ، ماده ماضی

$tajd$  : ریختن ؛ فارسی میانه زردشتی ۱۳۱ - - : -  $tāč$  ، ماده ماضی ۱۳۱۳۱ :

$tāxt$  ( GPV 438 ) ؛ فارسی نو تاز - ، تاختن .

apa-+ پهلوانی طرفانی - *abdāž* ، مادهٔ ماضی *abdāžād* :

آزاد کردن ( Ghilain 67 ) .

ham/n-+ ایردنی - *ændaj* ، مادهٔ ماضی *ændajd* ؛

دگیوری - *ændaj* ، مادهٔ ماضی *ændajd* ؛ چسباندن ؛ فارسی میانهٔ طرفانی *handā* :

z- ( Verbum 186 ) ؛ فارسی میانهٔ زردشتی *z-* ؛ - *handāč* ( بندش )

٤ ) ، مادهٔ ماضی *handāxt* ، ( بندش ٥٦ ) ؛ فارسی نو انداز - ،

انداخت .

اوستائی *sak* √

ایردنی - *saj* ، مادهٔ ماضی *sajd* ، دگیوری - *saj* ، مادهٔ ماضی

*sajd* : نشندن ( درخت ) ؛ پهلوانی طرفانی - *sāž* ، مادهٔ ماضی *sāžād*

( Ghilain 68 ) ؛ فارسی میانهٔ زردشتی *sāč-* ؛ - ، مادهٔ ماضی

ساختن . *sāxt* ( GAV 154 ) ؛ فارسی نو ساز - ، سخن .

اوستائی  $\check{N}car$ ؛ حرکت کردن، پیمودن

ایرانی -  $car$ ، مادهٔ ماضی  $card$ ؛ دیویری -  $car$ ، مادهٔ ماضی

$card$  : زنده کردن .

+  $para-$  فارسی میانه؛ طرفانی -  $parzār$  (Verbum 192)؛

پهلوانی طرفانی  $parzār$ ؛ مضاعف کردن، دروغ کردن (Ghilain 74).

+  $wi$  فارسی میانه؛ طرفانی -  $wizār$ ، مادهٔ ماضی  $wizārd$

(Verbum 192)؛ فارسی میانه؛ زردشتی  $wičār-$ ؛  $wičār-$ ،

مادهٔ ماضی  $wičārt$  (GPV 235).

۶ - مادهٔ بائی که از ریشهٔ مضاعف ساخته شده اند:

اوستائی  $\check{N}stā$

ایرانی -  $st$ ، مادهٔ ماضی  $stad$ ؛ دیویری -  $ist$ ، مادهٔ ماضی

$istad$  : ایستادن؛ پهلوانی طرفانی -  $išt$ ، مادهٔ ماضی  $ištād$

( Ghilain 78 ) بودن : ( hišta - → )

abi - + پهلوانی طرفانی - awišt - ، ماده ماضی awištād

( Ghilain 78 ) ؛ فارسی میانه طرفانی - est - ، ماده ماضی estād

( Verbum 194 ) ؛ سغدی - wšt - : \* awišt - ( GMS 88 ) ؛

فارسی نو ایت - ، ایستادن .

اوستایی N dā

ایرانی - dædd - ، ماده ماضی læværd ؛ دگوری dædd

ماده ماضی lævard ؛ فارسی میانه طرفانی - day - ، ماده ماضی dād ( 194 )

( Verbum ) ؛ پهلوانی طرفانی - dah - ، ماده ماضی dād ( Ghilain 78 ) ؛

فارسی میانه زردشتی - - - - - dah - ، ماده ماضی داه : ( GPV 155 ) dāt

فارسی نو ده - ، دادن .

ماده ماضی ایرونی læværd ؛ دگوری lævard از



*fra-bar-* ایرانی باستان آمده است؛ در فارسی نو *ben* - از *waina-*  
از *Nway*، دیدن از *dita-* از *Ndi* آمده است.

۷- ماده های آغازی ( *Inchoative* ) :

اوستایی  $\sqrt{x^{\text{ap}}}$

ایرانی *xūss-*، ماده ماضی *xūssid*؛ فارسی میانه زردشتی

سپهر-: *xufs-*، ماده ماضی *xufsit* : ۱۱۳۳

( *GPV 222* )؛ فارسی نو *xup-*، *xupid*.

اوستایی  $\sqrt{tap}$

ایرانی *tæfs-*، ماده ماضی *tæfst*؛ سغدی *tpsnwq* :

\* *tæfsnōk* : عذاب، ناراحتی ( *GMS 84* )؛ فارسی نو *tafsnōk* - تقسیدن.

اوستایی  $\sqrt{\theta rah}$

ایرانی *tærs-*، ماده ماضی *tarst*؛ دیگوری *tærs-*،

ماده ماضی *tarst*؛ فارسی میانه طرفانی - *tirs*، ماده ماضی *tirsād*

(196 Verbum)؛ پهلوانی طرفانی - *tirs* (80 Ghilain)؛ فارسی

میانه زردشتی ص لعد - : - *tars*؛ ماده ماضی ص لعد و ص ۱۱ : *tarsit*

(442 GPV)؛ فارسی نو ترس - ، ترسیدن .

اوستایی *Nfras*؛ فارسی باستان *Nfraθ*

ایرانی - *færs*، ماده ماضی *farst*؛ دگوری - *færs*،

ماده ماضی *farst*؛ فارسی میانه طرفانی - *purs*، ماده ماضی *pursād*

(196 Verbum)؛ پهلوانی طرفانی - *purs*، ماده ماضی *pursād*

(79 Ghilain)؛ فارسی میانه زردشتی ص ۱۱ لعد - : - *purs*، ماده ماضی

ص ۱۱ لعد و ص ۱۱ : *pursit* (447 GPV)؛ فارسی نو پرس - ، پرسیدن .

۸ - ماده ای که با میانوند خیشومی ساخته شده اند ، یعنی میانوند - *n* - پس

در آخرین صامت ریشه گذاشته شده است :

اوستائی Nθag

+wi- ایرونی- *tinj* ، مادهٔ ماضی *tiyd* ؛ دگیوری- *itinj* ،

مادهٔ ماضی *itiyd* ؛ پهلوانی نظرانی- *wihinj* ، مادهٔ ماضی *wihaxt* (51)

. ( Ghilain

+ā- فارسی میانه نظرانی- *āhinz* ، مادهٔ ماضی *āhaxt* (198)

( Verbum ) ؛ فارسی میانه زردشتی س ۲۳ - - : *āhanj* ، مادهٔ ماضی س ۱۳۲ :

*āhaxt* ( بندہشن ص ۲۱ ، س ۱۵ ) ؛ فارسی نو آہنج- ، آہنجن ، آہنجن .

+pati- سغدی- *pdδync* ، مادهٔ ماضی *pdδync* (GMS93) ؛ کُشید .

اوستائی Npaēs

ایرونی- *fiss* ، مادهٔ ماضی *fist* ؛ دگیوری- *fins* ، مادهٔ ماضی *finst* :

نوشتن .

۹- مادهٔ اوستائی که با پسوند خیشومی خورشده اند :

الف - ماده لمائی که با پیوند -nā ← n سرخرشده اند:

√ xri- اوستائی

apa-+ ایرونی-ælxæn، ماده ماضی ælxæd؛ دیگری

ælxæn-، ماده ماضی ælxæd.

فارسی میانه طرفائی- xrin، ماده ماضی xirid (Verbum 200):

فارسی میانه زردشتی صلح-: -xrin، ماده ماضی صلح (360) xrit:

(GPV)؛ فارسی نو خر-، خریدن.

√ bri- اوستائی

apa-+ ایرونی-ælvin، ماده ماضی ælvīd؛ دیگری

ælvīn-، ماده ماضی ælvīd؛ بدون پیشوند فارسی میانه زردشتی رلی-:

brīn-، ماده ماضی رلی (308) burid (GPV)؛ فارسی نو بر-، بریدن.



در مورد اول  $xr \leftarrow rx \leftarrow lx$  ، در مورد دوم  $br \leftarrow$

$rv \leftarrow lv$  ، نگاه کنید به بخش بررسی واکها .

ب - ماده  $hāi$  که با  $nao$  -  $nao$  -  $n$  ساخته شده اند :

اوستایی  $N kar$

ایرانی-  $kæn$  ، ماده ماضی  $kond$  ؛ دیگوری-  $kæn$  ، ماده ماضی

$kond$  ،  $kind$  ؛ سغدی-  $kwn$  :  $kun$  - (SDM III, 122) \* ؛

خوارزمی  $k$  - (Frejman 19) ؛ فارسی میانه طرفانی-  $kun$  ، ماده ماضی

$kird$  (Verbun 202) ؛ پهلوانی طرفانی-  $kar$  ، ماده ماضی  $kird$

(Mir. Man. III, 57) ؛ فارسی میانه زردشتی ۱۱۹ - :  $kun$  (376)

(GPV) ، ماده ماضی ۱۳۱۹ :  $kart$  (GPV 382) ؛ فارسی نوگن - ، کردن .

اوستایی  $N var$

ایرانی-  $urn$  ، ماده ماضی  $urnidt$  ؛ فارسی میانه طرفانی-  $wurraw$  ،

ماده ماضی *wurrawist* (Verbum 201) ؛ پهلوانی طرفانی - *wurraw*

(Ghilain 85) ؛ فارسی میانه زردشتی  $\text{𐭠𐭣}$  - *wurraw* ؛ ماده ماضی

$\text{𐭠𐭣}$  *wurrawit* (GAV 241)  $\rightarrow$  *wrnau* ؛ فارسی نو

گرو- ، گرویدن ، گروستن .

۱۰- ماده  $\text{𐭠𐭣}$  که *y* - دارند ، *y* ممکن است برابر :

الف - - *ya* / - *yá* - اوستایی باشد .

ب - - *aya* - اوستایی باشد .

الف - *y*  $\rightarrow$  - *ya* / - *yá* - :

۱- ریشه مخوم ب - *ā* - + *ya* / - *yá* -  $\leftarrow$  *āy* - :

اوستایی  $\sqrt{mā}$  (*y*) : پیودن

+ *ā* - ایردنی - *amay* ، ماده ماضی *amad* ؛ دگوری - *amay* ،

ماده ماضی *amad* ؛ فارسی نو اکامی - ، اکامدن ، اکمودن .

+ ni- ایردنی -nimay ، مادهٔ ماضی nimad ؛ دگیوری

-nimay ، مادهٔ ماضی nimad ؛ شمردن ؛ فارسی بیانهٔ طرفانی nimāy ،

مادهٔ ماضی nimūd (Verbum 203) ؛ پهلوانی طرفانی -nimāy ، مادهٔ ماضی

-nimād (Ghilain 86) ؛ فارسی بیانهٔ زردشتی امسو -:-nimāy ،

مادهٔ ماضی ۱۳۳۱۶ nimūt (GPV 47) ؛ فارسی نوگامی -، نمودن .

+ fra- سغدی -frm'y: framāy\* ؛ مادهٔ ماضی -frm't ،

-framāt\* (GMS 89) ؛ فارسی نو فرمای -، فرمودن .

### اوستائی zā

ایردنی -zay ، مادهٔ ماضی zad ؛ دگیوری -zay ، مادهٔ ماضی

zad ؛ فارسی بیانهٔ طرفانی -zāy ، مادهٔ ماضی zād (Verbum 203) ؛

فارسی بیانهٔ زردشتی کسو -:-zāy (GPV 264) ، مادهٔ ماضی کسوا ؛

zāt (GPV 367) ، پهلوانی طرفانی -zāy ، مادهٔ ماضی zād ( 87

. ( Ghilain

اوستائی  $Nsnā$

ایرونی -  $nay$  (  $snāy$  -  $\rightarrow$  ) مادهٔ ماضی  $nad$  (  $\rightarrow snāta$  ) .

+  $\bar{a}$  - فارسی بیانهٔ نظر فانی -  $\bar{a}snāy$  ( *Verbum 203* ) ؛

فارسی بیانهٔ زردشتی  $asn$  - :  $\bar{a}sn$  ، مادهٔ ماضی  $asn$  :  $\bar{a}snit$

( *GPV 231* ) : شنا کردن . در فارسی نوشتا و صورتهای متعدّد آن از  $Nsnā$

است .

اوستائی  $Nkā$  : بوس کردن

+  $\bar{a}$  - ایرونی -  $agay$  ، مادهٔ ماضی  $agayd$  ؛ دیگر  $agay$  ،

مادهٔ ماضی  $agayd$  : اشتیاق داشتن . کام در فارسی نواز  $Nkā$  آمده است .

۲- ریشهٔ مخوم ؛  $\bar{u}$  +  $-yá$  /  $-ya$  :

اوستائی  $Npū$



+ham- ابرونی -æmbiy- ، مادهٔ ماضی æmbid ؛ دگوری

-æmbuy- ، مادهٔ ماضی æmbud ؛ پوسیدن . پوسیدن در فارسی نو با

-s- آغازی از همین ریشه است .

۳- ریشهٔ محموم به  $\text{آ} + \text{-ya-} / \text{-yá-}$  :

اوستائی  $\sqrt{rī}$

ابرونی -līy- ، مادهٔ ماضی līd ؛ دگوری līy ، مادهٔ ماضی līd ؛

فارسی نو ری- ، ریدن .

ب- -aya- ← -y- :

اوستائی  $\sqrt{stū}$

ابرونی -staw- ، مادهٔ ماضی stīd ؛ پهلوانی طرفانی -istāw- ،

مادهٔ ماضی istāwād (Ghilain 77) ؛ فارسی میانهٔ طرفانی

-istāy- ، مادهٔ ماضی istūd (Verbum 209) ؛ فارسی میانهٔ زردشتی

مصم - : - (GPV 132) *stāy* ، مادهٔ ماضی مصم ۱۳ :

• (GPV 130) *stūt* ؛ فارسی نو (استای - ، (۱) استودن .

اوستائی *√pū*

ham-+ دگوری *æmbaw* ، مادهٔ ماضی *æmbud* ؛ پوزاندن .

اوستائی *√dū*

ایرونی-*daw* ، مادهٔ ماضی *dawd* ؛ دگوری-*daw* ، مادهٔ ماضی

*dawd* ؛ در دیدن .

uz + فارسی بیانهٔ زردشتی *uz* کنه و - : - (216) *uzdāy*

(GPV) کمم - : - *zdāy* ، مادهٔ ماضی کم ۱۳ : *zdūt*

• (GPV 375) ؛ فارسی نو زدای - ، زدودن .

اوستائی *√rū\**

+ -*araw* ایرونی-*araw* ، مادهٔ ماضی *arid* ؛ دگوری-*araw* ،

ماده اضی arud ؛ فارسی بیانه زردشتی مملک ۱۳ : 263) *ālāt*

(GPV) ؛ فارسی نو اکامی - ، اکودن -

### ۳ - بررسی وندهای آسی

الف - پسوند ها

۱ - *ag* - در ایرونی ؛ *agæ* - در دیگوری ؛ اوستائی - *āka* -

(Jackson 231) . این پسوند در موارد زیر به کار می رود :

الف - برای ساختن صفت از ماده مضارع ، ایرونی *tærsag* ؛ دیگوری

*tærsagæ* : ترا ( به معنی اصلی واژه ) از مصدر *tærsi / un* : تریدن .

غذی *gnt* "k" : *gantāk* \* : بد (GMS 150) ؛ پهلوئی طرفانی

*gandāg* (هانبجا) ؛ فارسی نو گندا ؛ فارسی میانه طرفانی *dānāg* (49 و II

*Mir. Man.* ) ؛ فارسی میانه زردشتی *dānāk* (GEV 122) ؛

فارسی نو دانا .

ب - برای ساختن اسم از ماده ماضی ، ایرونی *sastag* : ریزه ، خرده ،

از مصدر *sættin* : شکن ، خورد کردن .



ج - برای ساختن صفت نسبی از اسم ، اِرونی *wirriṣṣag* :

روسی ، از *wiriṣ* : روس .

سُدی *pāxūt* : *pāxūtāk* : *p'ɣwt'k* \* : پاخودی ، از

- در کتابهای اسلامی « پاخود » - نام جایی در سغد بوده است (SDM III, 106).

د - برای ساختن اسم عدد ترتیبی از یک تاسه ، اِرونی *ficcag* : نخت :

*dikkag* : دُدیگر ؛ *ærtikkag* : سدیگر .

ه - برای ساختن *future participle* از مصدر ، اِرونی

*xærīnag* ( $\rightarrow xærin + ag$ ) : آن چه باید خورده شود ، غذا . اِرونی

*xūdīnag* ( $\rightarrow xūdin + ag$ ) : آن چه باید براورده شود ، شرم .

*future participle* هم معنی لازمی دارد ، هم معنی متعدی ، باید از سیاق

عبارت فهمید که معنی لازمی است یا متعدی . اِرونی *fissīnag* ( $\rightarrow fissin$ )

*(+ag)* : آن که خواهد نوشت ، آن چه نوشته خواهد شد .

۲- ایرونی  $\text{-æg}$  ؛ دگیوری  $\text{-æg}$  ؛ اوستائی  $\text{-aka}$

(Jackson 231) . این پسوند در موارد زیر به کار می رود :

الف - برای ساختن صفت فاعلی از ماده مضارع ، ایرونی  $\text{kūsæg}$  ؛

دگیوری  $\text{kosæg}$  : کارگر ، به ترتیب از مصدر  $\text{kūsin}$  ،  $\text{kosun}$  : کار کردن .

سغدی  $\text{mwrčk}$  :  $\text{mōčak}$  (GMS 147) ؛ پهلوانی طرفانی

$\text{āmōžag}$  (Mir. Man. III, 49) : آموزگار .

ب - برای ساختن صفت از ماده ماضی ، ایرونی  $\text{cærdæg}$  : زنده

از مصدر  $\text{cærin}$  : زیستن .

سغدی  $\text{z'tk}$  :  $\text{zātak}$  (SDM III, 16) ؛ یونانی

$\text{zūta}$  (Sokolova II, 76) ؛ فارسی میانه "طرفانی"  $\text{zādag}$  (13)

(Mahr.) ؛ پهلوانی طرفانی  $\text{zādag}$  (Mir. Man. III, 64) ؛ فارسی

میانه "زردشتی"  $\text{zātak}$  (YF 6, 5) ؛ فارسی نو زاده .

ج - برای ساختن اسم مصدر از مصدر ، ایرونی *tæjɪnæŋ* : زبش ، از

مصدر *tæjin* : زهیدن .

سغدی *𐭪𐭥𐭫* : *\*θBarak* (Gr. II, 57) ؛ یغنیایی

*tifarak* : دیش → *fra-bara-* (YT 334) ؛ یغنیایی *karak* :

کش ، *viak* : بوش . برای یغنیایی جامع درباره *ak* - پسوند اسم مصدر

در بسیاری از زبانهای ایرانی نگاه کنید به - *E. Benveniste, Les Infinitifs*

*fs avestiques, Paris 1935, pp. 111-2.*

د - برای ساختن صفت از اسم ، ایرونی *galɪwæŋ* : چپ (کسی که با

دست چپ کار می کند) از *galɪw* : چپ .

۳ - *æn* - در ایرونی ؛ *æn* - در دیگوری ؛ اوستایی *-ana* -

(Jackson 214-5) . این پسوند در موارد زیر به کار می رود :

الف - برای ساختن اسم کلت از ماده مضارع ، ایرونی *kærdæn* : قبی ، از مصدر

kærdin : بریدن .

ب - برای سخن اتم مکان از ماده مضارع ، ایرونی xīzæn : چراگاه ،

از مصدر xīzīn بریدن .

\*  
سعدی wčern : بازار ، pršprn : زمین ، از-pršprn :

\*  
گام نهادن (GMS 156) . فارسی نو - زار → -čārna- از-čār+na .

۴ - on - در ایرونی ؛ -on - در دیگوری ؛ اوستائی -āna-

(Jackson 229 - 230) . این پسوند برای سخن صفت نسبی از اتم به کار می رود :

ایرونی iron : ایرونی ، zimægon : زمستانی ، به ترتیب از

ir , zimæg ؛ دیگوری digoron از digor ؛ فارسی میانه زردشتی

، pāpakān : ۱۳۹۷۷ ، zarērān :

۵ - in - در ایرونی -un- در دیگوری ؛ اوستائی -una- (3-

(Jackson 222) . این پسوند برای سخن مصدر از ماده مضارع به کار می رود ،



ایرونی *kæsin* ؛ دگوری *kæsun* : دیده ، نگاه کردن ؛ ایرونی *cærin* ؛ دگوری

*cærun* : زین .

سغدی *wrčʷny* : *warčune* \* *warčun* Acc. \* (Sogdian)

اعجاز ؛ ختنی *-auña* (GMS 166) .

۶ - *t/-d* - در ایرونی ؛ *t/-d* - در دگوری ؛ اوستائی - *ta-*

(Jackson 195) . این پسوند نشانهٔ مادهٔ ماضی وصف مفعولی است ، ایرونی

*fist* : نوشته ، *bast* : بسته ، *mard* : کشته .

سغدی *tβt* ، مادهٔ ماضی از *tʰp-* : *tāp-* (SDM III, 129) ؛

ختنی *stāta-* : ایستاده ، *jsata-* : زده (Konow 52) ؛ فارسی میانهٔ

طرفانی *guft* (Verbum 84) ، *zad* (Verbum 172) ؛ پهلوانی

طرفانی *bast* ، *ōzad* (Ghilain 55) ؛ فارسی نو بست ، زد .

۷ - *gæ-* در ایرونی ؛ *gæ-* در دگوری ؛ اوستائی - *ka-* (231)

ایرونی *kæsin* ؛ دگیوری *kæsun* : دیده ، نگاه کردن ؛ ایرونی *cærin* ؛ دگیوری  
*cærun* : زین .

سغدی *wrč'wny* : *warčune* \* *warčun* Acc. \*

اعجاز ؛ ختمی *auña* - (GMS 166) .

۶ - *t* / - *d* - در ایرونی ؛ *t* / - *d* - در دگیوری ؛ اوستائی - *ta-*

(Jackson 195) . این پسوند نشانه 'ماده' ماضی وصف مفعولی است ، ایرونی

*fist* : نوشته ، *bast* : بسته ، *mard* : کشته .

سغدی *tβt* ، ماده' ماضی از *t'p-* : *tāp-* (SDM III , 129) \*

ختمی - *stāta* : ایستاده ، *jsata-* : زده (Konow 52) ؛ فارسی میانه

طرفانی *guft* (Verbum 84) ، *zad* (Verbum 172) ؛ پهلوانی

طرفانی *bast* ، *ōzad* (Ghilain 55) ؛ فارسی نو بست ، زد .

۷ - *gæ* - در ایرونی ؛ *gæ* - در دگیوری ؛ اوستائی - *ka-* (231)

(Jackson) . این پسوند برای سخن صفت حال و اسم مصدر از ماده مضارع به کار می رود:

الف - حال ، ایرونی *sūjgæ* : سوزان ، صفت حال از مصدر

*sūjin* : سوختن ، ایرونی *diŋgæ* ، دیگری *dumgæ* : باد ، لغتاً دمان ،

به ترتیب از مصدر *dumun* ، *diŋin* : دمیدن .

حقی - *tsūka* : شوان ، - *jināka* : زنان (Konow 51) .

ب - اسم مصدر ، ایرونی *xūssgæ* : خواب ، از مصدر *xūssin* :

خسپیدن ، ایرونی *tilgæ* : تکان ، از مصدر *tilin* : تکان خوردن .

سغی - *ṢBr'k* : *ṢBarak* (Gr. II, 57) \* ؛ یغیابی

*tifarak* : دیش - *fra-bara* (YT 334) ، *karak* : کنش ،

*viak* : بوش (Sokolova II, 79) .

در زبان انگلیسی *-ing* - برای سخن صفت حال و هم برای ساختن اسم مصدر

به کار می رود .

۸ - *in* - در ایدونی ؛ *inæ* - در دیگوری ؛ اوستائی - *an-ya* -

( Jackson 214 , 224 ) . این پسوند برای سخن صفت از ماده مضارع برای

سخن صفت از اسم به کار می رود ، دیگوری *anbadinæ* : بنشین ، از مصدر

*badun* : نشستن + *æn-* ؛ ایدونی *siȝgærin* → *siȝzæ*

*rīn* ؛ دیگوری *suȝzærinæ* : زر ؛ ایدونی *æmjærin* : به نماز ، لغت

به ترتیب ، از *æm-* + *cær-* ماده مضارع از *cærin* : زینت + *in-* .

۹ - *ad* - در ایدونی ؛ *adæ* - در دیگوری ؛ اوستائی - *āta\** - نگاه کنید

به Jackson 219 . این پسوند برای سخن اسم معنی از صفت به کار می رود ، ایدونی *stirad* :

سترگی ، از *stir* : سترگ ؛ ایدونی *arfad* : ررقا ، از *arf* : ژرف ؛ ایدونی

*sabirad* ؛ دیگوری *saburad* ؛ آرایش ، از *sabi/ur* : آرام ؛ ایدونی

*æcægad* : حقیقت .

سندی *āt* - در *šyrsy'twh* : شادی ، از *šyrsy* : شادبودن



۱- *jīnad* - در ایرونی ؛ *jīnadæ* - در دیگوری ، از *ad* - شماره

۹ + *-jīn / -jin* ؛ اوستایی - *ēinak* : خواهنده ، شتاق (؟)

نگاه کنید به 78 Benveniste .

این پسوند برای سخن اسم معنی از صفت به کار می رود ، ایرونی *ræstjīnad* :

راستی ، از *rast* : راست ، ایرونی *æcægjīnad* : حقیقت .

۱۱ - *īn* - در ایرونی ؛ *in* - در دیگوری ؛ اوستایی - *aēna* - (229)

(Jackson) . این پسوند برای سخن صفت از اسم جنس به کار می رود ، ایرونی *qīsīn* :

گیسین ، از *qīs* : گیس ، ایرونی *qædin* ، دیگوری *ǰædin* : چوبین ، به ترتیب

از *qæd* ، *ǰædæ* : چوب .

سغدی *zyrnyn'k* : *zērnēnāk* : زرنه (II, 96)

(Gr.) ؛ پهلوانی طرفانی *zarnēn* (Boyce 199) ؛ فارسی میانه طرفانی

zarrēn : فارسی میانه زردشتی کلمه ۱ (Mir. Man. II, 54) zarrēn

(GPV 367) ؛ فارسی نو زرین ؛ ختنی kāšcīnaa ؛ غین (Konow 57).

۱۲ - jīn - درایرونی ؛ gun - دردیگری ؛ اوستائی - gaona

(Air. Wb. 482). این پسوند برای سخرن صفت از اسم به کاری رود، ایرونی

؛ دیگری māstjīn ؛ خشمین māstgun ؛ از mast ؛ خشم.

سغدی - zrywn- ؛ \*zaryōn (Gr. I, 101) ؛

پهلوانی طرفانی zaryōnag (Boyce 199) ؛ فارسی نو زریون .

۱۳ - æm - درایرونی ؛ اوستائی - ama - (Jackson 108).

این پسوند برای سخرن اسم عدد تری از چهار به بعد به کاری رود، ایرونی cippæræm ؛ چهارم،

fænjæm ؛ پنجم dæsæm ؛ دهم .

سغدی : ʿtβʾrm ؛ (Gr. II, 142-3) catfārum ؛

ختنی - tcūrama (Konow 44) ؛ پهلوانی طرفانی čuhrum (II, 44)

Müller) ؛ فارسی میانه طرفانی *tasum* (Mir. Man. II, 69) ؛ فارسی

میانۀ زردشتی ص ۳۶ ؛ *tasum* (GAV 118) ؛ ۹ س ۶ ؛ -*čah* :

*ārum* (GAV 124) ؛ فارسی نو چهارم .

۱۴ - *tær / -dær* - ایردنی ؛ *tær / -dær* -

در دیگوری ؛ اوستایی - *tara* (Jackson 104) . این پسوند برای سخن

صفت برتر از صفت عادی به کار می رود ، ایردنی *stirdær* ؛ دیگوری - *stur*

*dær* : سرگتر .

سغدی *msy<sup>tr</sup>* : *masyātar* \* (Gr. II, 98) ؛

پهلوانی طرفانی *masādar* : *masādar* (Mir. Man. III, 58) ؛ فارسی میانه ؛

طرفانی *mazandar* : *mazandar* (Mir. Man. I, 42) ؛ فارسی میانه زردشتی ؛

س ۱۱۱ ص ۱ ؛ *ahunsandtar* : *ahunsandtar* (PT 96) ؛

ختی - *battara* (از *bata*) : *battara* (Konow 41) .

۱۵ - *don* - در ایرونی ؛ *donæ* - در دیگوری ؛ فارسی باستان

*dāna-* (Kent 189) . این پسوند برای سخن اسم مکان از اسم به کار می رود ؛ ایرونی

*bæxdon* : آب دان ؛ ایرونی *kærkdon* : کرک دان (= مرغدان) ؛

ایرونی *xordon* : انبار غله .

سغدی *z<sup>3</sup>kdn<sup>2</sup>k* : *zākdanāk* (GMS 171) ؛

فارسی نو زبدان ؛ پهلوانی طرفانی *zēndān* (Boyce 199) ؛ فارسی میانه زردشتی

سغدی *astudān* (GPV 237) .

۱۶ - *ston* - در ایرونی ؛ *ston* - در دیگوری ؛ فارسی باستان

*stāna-* ؛ استانی - *stāna-* در واژه های مرکب (Kent 210) . این

پسوند برای سخن اسم مکان از اسم به کار می رود ، ایرونی *Irīston* ، دیگوری - *Iri-*

*ston* : ایرستان ، مملکت آنها .

سغدی *βwdstn* : *βōdistan* (GMS 171) ؛



بخوانی طرفانی *bōdīstān* (Mir. Man. III, 52) ؛ فارسی میانه: طرفانی

بخوانی طرفانی *bōyīstān* (Mir. Man. II, 48) ؛ فارسی نو: بوستان .

ب - پیشوند های

۱- پیشوند های اسی

۱- *ænæ- / æ-* در ایرونی ؛ *ænæ- / æ-* در دگیوری ؛

اوستایی: *ana- / an- / a-* (Jackson 209) ؛ فارسی باستان: *a-*

*an-* (Kent 164) . این پسوند برای تنگی به کار می رود ، ایرونی *æjar* ( از

*car* : سقف) ؛ بی خان و مان ، ایرونی *ædix* ؛ دگیوری *æduxæ* (از

ایرونی *tix* ؛ دگیوری *tuxæ* : نیرو) ؛ بی نیرو ، ایرونی *ænæzænæg* :

بی پیک ، از *zænæg* : پیک .

سغدی *n'xwɩp* : ناخوب (GMS 175) ؛ فارسی میانه: طرفانی

*asāg* : بی شمار (Mir. Man. II, 47) ؛ بخوانی طرفانی *anāsāg* : بی شمار

(Mir. Man. III, 49) با فارسی میانه: زردشتی س ۱۳۱۱ شوی - :

ahunsandih: ناخوسندی (PT 93) ؛ خوارزمی nā nām:

فهن (GMS 175) ؛ فارسی نو نادان ، ایشیه بی کار .

ایشیه در لغت فرس اسدی و صحاح الفرس به بای ایگ ضبط شده است ، در هر دو

جابه جاسوس معنی شده و بیت زیر شاید آورده شده است :

دکوی تو ایشیه همی گروم ای نگار

دزدیده تا گرت بیستم به بام بر

معنی " جاسوس " است که از سیاق عبارت شده ، دست

" ایشیه " و معنی " بی کار " است .

۲- æd- در ایرونی با æd- در دیگوری ؛ اوستائی hada

( Jackson 204 ) ؛ اوستائی گاهانی hadā ؛ فارسی باستان hadā

( Kent 212 ) : حرف اضافه به معنی " با " . این پیشوند مانند " با " است در فارسی نو ،

ایرونی  $\text{ædbæx}$  : اسبدار ، ایرونی  $\text{ædzond}$  : باعقل .

در اوستائی واژه های ترکی هستند که با  $\text{hada}$  درست شده اند و  $\text{hada}$

مانند  $\text{æd}$  آهسی کار کرده است :

$\text{hada-hunara-}$  : باهنر ،  $\text{hada-zaoθra-}$  : بازوهر .

$\text{hada-aēsmā-}$  : باهنرم ، بهنرم دار .

$\text{æn-} / \text{æm-}$  در ایرونی ؛  $\text{æn-} / \text{æm-}$  در دیگرى ؛

اوستائی  $\text{han/m}$  (Jackson 210) ؛ فارسی باستان  $\text{ham}$  (Kent 213) .

این پیشوند همیشه در هم معنی « هم » است در فارسی نو ، ایرونی  $\text{æmkūsæg}$  :

همکار .

سغدی  $\text{w]x}^2\text{nyy}$  : همچنان (GMS 53) ؛ پهلوانی طرفانی

$\text{hāmēihrag}$  : هم چهره (Boyce 188) ؛ فارسی میانه طرفانی  $\text{hamg}$

$\text{ōhr}$  : هم گوهر (Mir. Man. II, 56) ؛ فارسی میانه زردشتی  $\text{ōhr}$  :

hamrāz : همراز ( PT 59 ) .

۲- پیشوند های فعلی

۱- a- در ایرونی ؛ a- در دیگوری ؛ اوستائی - ā ( 209 )

( Jackson ) ؛ فارسی باستان - ā ( Kent 164 ) . این پیشوند دلالت

بر انجام کار از داخل به خارج می کند ، از نظر شخص داخل در مکان ، ایرونی acid :

خارج شد .

سغدی - Br<sup>22</sup> ( GMS 103 ) ؛ فارسی میانه طرفانی - āwar

( Verbum 223 ) ؛ پهلوانی طرفانی - āwar ( Ghilain 58 ) ؛ فارسی

نو آور .

۲- ra- در ایرونی ؛ ra- در دیگوری ؛ اوستائی - frā ( Ja-210 )

( ckson ) ؛ فارسی باستان - fra ( Kent 197 ) . این پیشوند دلالت بر انجام

کار از داخل به خارج می کند ، از نظر شخص خارج از مکان ، ایرونی racid : خارج شد .



سغدی - fr<sup>22</sup>yrβ : پیگش کردن (GMS 97) .

\*  
۲- ba- در ایرونی ؛ ba- در دیگوری ؛ ایرانی باستان - bā ؛

اسلادی قدیم - bo (Benveniste 97) . این پیشوند دلالت بر انجام کار از خارج به

داخل می‌کند ، از نظر شخص خارج از مکان ، ایرونی bacid : داخل شد .

۴- ærba- در ایرونی ؛ ærba- در دیگوری . این پیشوند مرکب است

از ær- شماره ۵ و ba- شماره ۳ . این پیشوند دلالت بر انجام کار از خارج به داخل

می‌کند ، از نظر شخص داخل در مکان ، ایرونی ærbacid : داخل شد .

\*  
۵- ær- در ایرونی ؛ ær- در دیگوری ؛ ایرانی باستان - ara

(Benveniste 97) . این پیشوند دلالت بر انجام کار از بالا به پایین می‌کند ، از نظر شخص

در پایین ، ایرونی ærcid : فرو آمد .

۶- ni- در ایرونی ؛ ni- در دیگوری ؛ اوستائی - nī (209)

(Jackson) ؛ فارسی باستان - ni (Kent 193) . این پیشوند دلالت

بر انجام کار از بالا به پایین می‌کند، از نظر شخص در بالا، ایرونی *niccid*: فرود آمد.

سعدی - *nyšy*: - *nišēd*: نهادن (Gr. I, 84)؛ پهلوانی

طرفانی *nišast* (Ghilain 105)؛ فارسی سیاه طرفانی *nišast* (225)

(Verbum)؛ فارسی سیاه زردشتی آن بدعت ۱۱: *nišast* (GAV 245)؛

فارسی نوشت.

*fæ--* در ایرونی؛ *fæ--* در دیگری؛ ایرانی باستان - *pa\** (99)

(Benveniste). این می‌تواند دلالت بر انجام کار در جهت‌های مختلف می‌کند، ایرونی

*fæxasta*: برد.

۱ - *s-* (i) در ایرونی؛ *s-* (i) در دیگری؛ اوستایی - *us/z*

(Jackson 209)؛ فارسی باستان - *ud* (Kent 176). این می‌تواند

دلالت بر انجام کار از پایین به بالا می‌کند، ایرونی *iscid*: بر شد.

سعدی - *syw<sup>2</sup>y* (→ *us-xwāhaya\**): برگرفتن، برداشتن؛

zɣrβ : برگشیدن، برگرفتن ؛ -zɣrβs : برگرفه شدن (GMS 104).

۹- ræ- در ابرونی ؛ -ræ در دیگوری ؛ اوستایی-fra (209)

(Jackson) ؛ فارسی باستان-fra (Kent 197) ، نگاه کنید به -ra

شماره ۲ . این پیشوند مانند -sɨ است ، ایردنی ræcid : برشد .

پیشوندانی که در بالا بررسی شدند ، پیشوند های زنده زبان آسکی اند ، پیشوند های

مرده در بخش فعلها آمده اند .

## ۴- گوناگون

### ۱- اسم

معرفه و نکره - درگوش دگیوری ن ؛ اوستائی - yā (Air.Wb.1199)

نشانه معرفه است ، درگوش ابرونی این نشانه وجود ندارد . نمونه :

معرفه                      نکره

iars                      ars

الدّابّ                      دَبّ

ilægæ                      lægæ

الرّجُلُ                      رجُلٌ

درخوارزمی " ن " نشانه معرفه است از برای مذکر و " yā " از برای مؤنث . نمونه :

معرفه                      نکره

ihars (مصدر ۵۲)                      hars



الدَّبُّ

دَبُّ

(مصدر ۲۵۵) *imarc*

*marc*

الرَّجُلُ

رَجُلٌ

(Frejman 70) *yā ḡast*

*ḡast*

الْبِدِ

يَدٌ

(مصدر ۲۴۳) *yā Būm*

*Būm*

الْأَرْضُ

أَرْضٌ

حالت - در زبان کسی اسم صرف می شود و ۹ حالت دارد ، در زیر حالت های

نگانه دشت نه های آنها آورده می شود :

نمونه

نشانه

حالت

*sær* : سر

-

۱- فاعلی

*særi* : آن سر

-i

۲- اضافی

- ۳- مفعول له -æŋ : særaen برای سر
- ۴- مفعول الیه -mæ : særmæ به سوی سر
- ۵- مفعول عنه -æy : særaey از سر
- ۶- مفعول فیہ -i : særi در سر
- ۷- مفعول علیہ -il : særil بر سر
- ۸- حال -aw : særaw سرانه (= همچون سر)
- ۹- مفعول معه -imæ : særimæ با سر

جمع - در زبان کسی جمع از پوستن -tæ - در حالت فاعلی و -t- در

سایر حالتها به مفرد، ساخته می شود:

جمع

مفرد

سر: særtæ

سر: sær

در زبان سغدی -t ، -t' ، -ta\* ؛ در یحیایی -t- ؛ در خوارزمی

c- نشانه جمع اند ؛ گلی این نشانه با برابرند با پیوند-*θwa* - در اوستائی (329)

(Jackson 232 ، YT) . -*θwa* - در اوستائی برای سخن آبی که دلالت

بروضع و حالت می کند ، برکاری رود . در پهلوانی طرفانی *-ft* - (*-ya-θwa->*)\*

پیوند برای سخن اسم معنی ، گاه معنی جمع بر اسم می دهد :

پهلوانی طرفانی *ardāwift* : ۱- تقدس ۲- گروه قدسان (49د)

. (*Mir. Man. III*)

## ۲- ضمیر

ضمیر اول شخص مفرد در حالت فاعلی *az* ؛ اوستائی *azəm* ؛ فارسی

باستان *adam* حالت فاعلی ؛ در حالت اضافی *mæn* ؛ اوستائی *mana* ؛

فارسی باستان *manā* حالت اضافی ؛ در سایر حالتها نشانه ویژه هر حالت بر *mæn*

پیوسته می شود - نمونه :

. *mænæn* : حالت مفعول له

خوارزمی az : *casus rectus* (Frejman 12)؛ سندی

*casus rectus* : az ؛ پهلوانی طرفانی (GMS 201) *Nom.* : <sup>2</sup>zw

*casus rectus* : an ؛ فارسی میانۀ طرفانی (Mir. Man. III, 50), 46)

(Mir. Man. II)

سندی <sup>3</sup>mn : *Acc.* (GMS 202) ؛ یعنیابی *man* :

*casus* : *man* ؛ پهلوانی طرفانی (YNS 348) *casus obliquus*

*casus* : *man* ؛ فارسی میانۀ طرفانی (Mir. Man. III, 58) *obliquus*

(Mir. Man. II, 60) *obliquus*

ضمیر اول شخص جمع در حالت فاعلی و اضافی *max* ؛ اوستائی - *ahmā*

*kam* ؛ فارسی باستان *amāxam* حالت اضافی ، در سایر حالتها نشانهٔ ویژه

بر حالت به *max* پیوسته می‌شود. نمونه :

*maximæ* : حالت مفعول معه .



سغدی  $m^2x$  : Acc. ، Nom. (GMS 204) ؛ یغابی  $mōx$  :

. (YNS 348) *casus obliquus et casus rectus*

ضمیر دوم شخص مفرد در حالت فاعلی در ایرونی  $di$  ؛ در دیگروری  $du$  است ؛

اوستائی  $tū$  حالت فاعلی ، در حالت اضافی ایرونی و دیگروری  $dæw$  ؛ اوستائی

$tava$  حالت اضافی ؛ در سایر حالتهاش نه در حالت فاعلی به  $dæw$  پرتنه می شود. بنونه :

.  $dæwæri$  : حالت مفعول له .

سغدی  $tw$  : Nom. ،  $tw^2$  : Acc. (GMS 202).

یغابی  $tu$  : *casus rectus* ،  $taw$  : *casus obliquus* (348)

(YNS) ؛ خوارزمی  $ūtak$  : *casus rectus* (Frejman 68) ،

$day$  : *casus obliquus* (Frejman 12) ؛ پهلوانی طرفانی  $tu$  :

$taw$  ، *casus rectus* (III, 62) *casus obliquus*

(Mir. Man.) ؛ فارسی میانه طرفانی  $tu$  : *casus rectus* ،  $taw$  :

. (Mir. Man. II, 69) *casus obliquus*

ضمیر دوم شخص جمع در حالت فاعلی و اضافی در ابرونی *siṃax* و در دگیوری

*sumax*؛ اوستائی *yūšmākam* حالت اضافی، در سایر حالتها

نشانه دوشده هر حالت به *siṃumax* پیوسته می شود. نمونه:

*siṃamaxmæ* : حالت مفعول الیه.

سعدی *šm<sup>3</sup>x* برای تمام حالتها (GMS 204)؛ یغیایی

. (YNS 348) *casus rectus et obliquus* ; *šumōx*

۳- صفت

صفت برتر - صفت برتر با پیوستن پسوند *dær* - در ابرونی و

دگیوری؛ اوستائی - *tara* - به صفت عادی ساخته می شود:

صفت برتر

صفت عادی

صفت برتر: *sirxdær*

صفت عادی: *sirx*

پسوند صفت بزر معمولاً پس از صامت‌های بی‌آوا *tær* - است :

صفت عادی                      صفت بزر

*tær* : صفت عادی                      *ürst/dær* : صفت بزر

صفت بزرین که تکرار نشانه صفت بزر ساختاری شود :

صفت عادی                      صفت بزر                      صفت بزرین

*bærzond*                      *bærzonddær*                      *bærzonddærdær*

بلند                      بلندتر                      بلندترتر = بلندترین

*saw*                      *sawdær*                      *sawdærdær*

سیاه                      سیاه‌تر                      سیاه‌ترتر = سیاه‌ترین

### ۴- فصل

لازم و متعدی - لازم یک فعل متعدی ممکن است :

الف - از ریشه دیگری باشد ؛ ب - با متعدی اش فرق مصونی و گاه علاوه بر

فرق مصوتی ، فرق صامتی هم داشته باشد ؛ ج - علاوه بر فرق مصوتی در ماده لازم -s-

وجود داشته باشد ؛ د - فعل لازم با متعدی اش هم رنجت باشد ، یعنی یک فعل هم لازم و هم

متعدی باشد ، در این صورت باید از سیاق عبارت فهمید که فعل کدام است : لازم یا متعدی . نمونه :

الف

متعدی

لازم

arīn : زادن

gwirīn : زاده شدن

ب

marīn : میراندن ، کشتن

mālin : مردن

arāzin : آراستن

aræzin : آراسته شدن

این امر مربوط به گذشته زبان آری است ، چنان که فرق برگشتن و برگاشتن در

فارسی نو مربوط به گذشته این زبان است . mālin از ریشه قوی و marīn از

ریشه قوی تر آمده است ؛ ریشه قوی تر در ایرانی باستان معمولاً معنی متعدی دارد .



ج

لازم

معدی

تفسین: *tæfsin*

تافتن: *tavin*

-s- در این فعل و مانند هایش بازمانده -s- آغازی ایرانی باستان است،

در بچه‌والی طرفانی فعلهای ک- -s- آغازی ایرانی باستان دارند نیز معنی لازمی دارند. نمونه:

لازم

معدی

- buxs-: بخت یافتن (Ghilain 80) - bōz-: بخت دادن (Ghilain 63)

در زبان معدی نیز فعلهای ک- -s- آغازی ایرانی باستان دارند معنی لازمی دارند. نمونه:

- xwys-:  $x^u\bar{t}s^*$ : خیس شدن (GMS 83)؛ اوستائی

-  $x^u\bar{t}sa$  ماده آغازی از  $\sqrt{x^u\bar{a}ed}$ .

د

لازم

معدی

سوختن : *sūjin*

سوختن : *sūjin*

در فارسی نوزیر فعلهایی هستند که هم لازم اند و هم متعدی ، مانند سوختن ، همایش و هم ساختن

با *sūjin* در آسی .

فعل مجهول

در زبان آسی فعل مجهول از ترکیب صفت مفعولی با *cæwin* : شدن ، درست

می شود . نمونه :

مجهول

معلوم

ساخت شدن : *aræzt cæwin*

ساختن : *aræzin*

در فارسی نوز فعل مجهول ساخته می شود از ترکیب صفت مفعولی با فعل شدن ،

همایش و هم ساختن با *cæwin* در آسی :

فعل مرکب

در زبان آسی فعل مرکب از ترکیب یک اسم یا یک صفت و فعل معین *kænin*

ساخته می شود . نمونه

xīd : خوی  
xīd kænīn : خوی کردن

در فارسی نو هم فعل مرکب از ترکیب یک اسم یا یک صفت و فعل تکلیفی کردن

همیشه با kænīn ساخته می شود : نمونه :

خوی کردن

خوی

در فعل مرکب پیشوند فعلی یا به اسم و صفت می پیوندد : bāw kænīn :

یک کردن ، متحد کردن ؛ و یا به فعل : rox fækænīn : فراموش کردن .

٥ - متن

متن ١

A. Christensen. *Textes ossétes*, p. 18.

Nixas

Diwwá úsi qáwɣa kódtɔy sɪvællónil.  
Ūdodónæn næ ūdís ævdísæntæ. Diwwá dær  
áci dísti tærxónmæ æmæ rákúrdtɔy ūy rā-  
stjīnad rævzárin. Tærxón ærbákænin kódtá  
máræjɪ æmæ záxta ūmæn: "Álig kæn áci sɪv-  
ællóni diwwá díxi æmæ rádt álkæci úsæn  
dær fæyná iw díxi." Īw ús nixás dær næ  
skódtá úci jird qúsgæyæ. Dɪghág ús ráydi-



dta qér kænin æmæ jinázin: "Xúcáwi xátí-  
 ræy! ma álig kænūt mæ sivrællóni diwwæ  
 díxi. Kæd ūy rástjīnad ū, wæd æz mæ si-  
 vrællóni nal kūrīn." Wæd tærxón æcæg dær  
 bámbārsta, ūy ūd. yæ mād sivrællónæn. Ūy  
 rázdaxta sivrællóni ūci ūsmæ, fælæ digkág  
 ūsæy ta záxta fænæmīn æmæ átærin.

. . . diwwæ : دد . nixas : گھٹو ، بخت .

, ūsi : حالت اضافی مفرد از ūs : زن . qawja : عوغا ،

kodtoy : فعل گذشتہ متعدی : دعوا کردن . qawja kænin

سوم شخص جمع از مصدر : کردن : kænin . sivrællonil : حالت

مفعول علیه مفرد از *sivællon* : بچه .

دو زن درباره بچای دعوا کردند .

*ūdonæn* : حالت مفعول له برای *ūdon* : ضمیر سوم شخص جمع ، آنها .

*næ* : نه . *ūdīs* : فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر *wīn / ūn* :

بودن . *ævdīsæntæ* : حالت فاعلی جمع از *ævdīsæn* : گواه .

آنها را گواهی نمودند .

*dær* : پس . *acidīsti* : فعل گذشته سوم شخص جمع ، لازم

از مصدر *cæwīn* : شدن + *α-* . *tærxonmæ* : حالت مفعول الیه

مفرد از *tærxon* : قاضی . *æmæ* : و . *rákūrdtoy* :

فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از مصدر *kūrīn* : قضا کردن + *ra-* . *ūy* :

حالت اضافی برای *ūy* : ضمیر سوم شخص مفرد : او . *rastjīnad* : داد ،

حقیقت ، راستی . *rævzarīn* از *ævzarīn* : گزیدن + *ræ-* :

روشن کردن . *rastjānd rævzarīn* . داد گستردن .

پس (آن) دوبه قاضی شدند و از او تقاضا کردند (که) حقیقت را روشن-

کند / داد بگیرد .

*ærbakæniñ* : آوردن ، از *kæniñ* : کردن +

*ærbakæniñ kæniñ* : احضار کردن . *ærba-*

*hodta* : فعل گذشته 'متعدی سوم شخص مفرد از مصدر' *kæniñ* : کردن . *maræjū* :

حالت اضافی مفرد از *maræg* : جلا داد . *zaxta* : گذشته 'متعدی سوم شخص

مفرد از مصدر' *zæjīn* : گفتن . *ūmæn* : حالت مفعول له برای *ūy* : ضمیر سوم

شخص مفرد : او .

قاضی جلا داد را احضار کرد و او را گفت .

*aliq* : از *liq* : تکه ، ریزه + *a-* . *aliq kæniñ* :

تکه کردن ، خرد کردن .

kæn : فعل امر فرد دوم شخص از مصدر kænin : کردن . aci :

ام اشاره ، این . aci اسم اشاره ، آن . این دو ام اشاره هیچ نوع تغییری نمی کنند ،

چون حکم صفت دارند و صفت تغییر نمی پذیرد . aci dixi : حالت اضافی مفرد از dix : بخش ،

قسمت . radt : فعل امر دوم شخص مفرد از dættin / dædtin : دادن

ra- + alkæci : هر . usæn : حالت مفعول له مفرد از us :

زن . fæynæ : هر یک . iw : یک .

این بچه را (بر) دو بخش تکه کن ، سپس به هر زن هر یک نیمه را بده .

nixas : بحث ، گفتگو . nixas kænin : سخن گفتن .

skodta : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از s- + kænin . jird :

بحث ، گفتگو . qūsægæyæ : حالت مفعول عنه مفرد از qūsæg : شنونده .

qūsægæyæ در این جا قید کیفیت است .

پس یک زن ، در حالی که این سخن می شنید ، سخن گفت .



دیگر ، دوم ، دیگر : *digkág* : فعل *raydidta* :

گذشته ، مستعدی ، سوم شخص مفرد از مصدر : *qær* . آغاز کردن : *raydayin* :

فریاد ، غرش . *qær kænin* : فریاد کردن ، غریدن . *jinazin* :

زاری کردن .

دیگر زن فریاد کردن و زاری کردن که آغاز کرد .

*xūcaw* : حالت اضافی مفرد از *xūcaw* : خدا .

*xatiræy* : حالت مفعول غیر مفرد از *xatir* : خاطر . *ma* : م .-

*kænüt* : فعل امر دوم شخص جمع از مصدر *kænin* . *mæ* : ما ، من ،

ضمیر ملکی اول شخص مفرد .

به خاطر خدا بپوش مرا (به) درخشش که کنید .

*kæd* : هنگامی که ، اگر . *ūy* : آن ، ضمیر سوم شخص مفرد حالت فاعلی ؛

ضمیر اشاره به دور مفرد حالت فاعلی ، در این جا ضمیر اشاره به دور مفرد حالت فاعلی است .

ū : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر . win / ūn : بودن . wæd : ان گوب ،

پس . æz : ضمیر اول شخص مفرد حالت فاعلی : من . nal : خدایه شده از

، næ wal : نه دیگر . kūrīn : فعل مضارع اول شخص مفرد از مصدر . kūrīn

تقاضا کردن ، خواستن .

اگر آن دادی است ، من دیگر بچه ام را نمی خواهم . æcæg : حقیقی ،

راست . bambarsta : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر - bam

barīn : دریافتن ، دانستن ، از ba- + æmbarīn . ūd :

فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر win : بودن . yæ : مال او ، ضمیر ملکی سوم

شخص مفرد . mad : مادر . siʋællonæn : حالت مفعول له مفرد از

siʋællon : بچه .

پس آن گاه قاضی به حقیقت دریافت (که) او بود مادرش (یعنی) برای بچه

razdaxta : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر . zdaxīn :

پس دادن + ra-

ūsmae : حالت مفعول غیر مفرد از ūs : زن . fælae :

ūsæy : حالت مفعول غیر مفرد از ūs : زن . ta : اما ،

fænæmin : زن . atærin : بیرون کردن .

از پس داد بچه را به آن زن ، اما دیگر زن را ، دستور داد زدن و بیرون

کردن .

متن ۲

A. Christensen, *Textes ossètes*, p. 18.

æmbisond mælæg xæfsæy

Xæfs kæci dær skástis gál mæ rái-

sta xælæg: "Kūd ræssúyd ū ūci fos! cæ-

mæn æz áftæ gicil dæn? Iw xadt mæn



dær ci stīdær qæw!" Ūci fændónjīnád-  
 īmæ ūy yæxī nīddimsta, sīsta gīcīl yæ  
 qælæs æmæ nītipīr kódtā yæ tīxæy. fælæ  
 kūd yæxī qárdta, ūy næssīs stīrdær; yæ  
 tīx ūmæn næ áxast: "Xúdiīnag ū mænén  
 mæ gīcīl as; qæw mæn dær gáli as, æræ-  
 mbīrd kæmón īw gīcīl ūd," nīddimsta ūy  
 nōjīdær æmæ áskudīs.

از : mælæg . اف : æmbīsond

: xæfs . مردن : mælin . حالت مفعول عنه منفرد از : xæfsæy

تورباغ.



انسانه ای از قورباغه میرا، یعنی انسانه قورباغه در حال مرگ.

کاه: *kæci* . فعل گذشته سوم شخص مفرد لازم از: *skástis*

مسدود: *kæsin* نگاه کردن + *s-* . حالت مفعول الیه مفرد از: *gálmæ*

گاله، گاو: *gal* . فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از: *ráista*

گرفتن + *ra-* . *xælæg* : حد . *xælæg raisin* : حسد بودن.

قورباغه ای که به گوساله ای می نگریست بر او حسد بود .

*kūd* : چون . *ræssūyd* : زیبا . *ūci* : آن . *fós* : حیوان .

چون آن حیوان زیبا است ؟

*cæmæn* : چرا ؟ *aftæ* : این چنین . *gicil* : کوچک .

*dæn* : فل مضارع اول شخص مفرد از مصدر *wīn* : بودن .

چرا من این چنین کوچکم ؟

*īw* : یک . *xadt* : بار ، دفعه . *mæn* : حالت اضافی

مفرد از برای æz : من . cɨ : چه ، که . qæw : باید ، لازم است ؛

فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر qæwin : لازم بودن ، بایستن ؛ صورت درست

آن qæwi است ، گاهی مانند این جا qæw به کار می رود .

لازم است / باید که من یک بار بزرگتر شوم .

حالت مفعول مته مفرد از fændonjīnadīmæ :

fændonjīnad : بوس . ūy : او . yæxi : خود ، خویش .

niddimsta : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از مصدر dimin : دیدن

sīsta . ni-+ : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از مصدر tsin : برداشتن

qælæs . s-+ : بانگ . kænin + nitipir : کوشیدن .

با این بوس او خود را باد کرد ، بانگ کوچک خود را بلند کرد و با نیروی خود کوشید .

kūd : هر چند . qærdta : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از

qarın : کوشیدن . næssis : از næ : نه + ssis یعنی

s, sīs : اضافه و بی اصل است ؛ sīs : فعل گذشته سوم شخص مفرد لازم از مصدر

īsīn : برداشتن ، گرفتن + s- . ūmæn : حالت مفعول له مفرد

برای ūy : او ، ضمیر سوم شخص مفرد . axast : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی

از مصدر xæssīn : افزوده شدن + a-

اما هر چند کوشید ، او بزرگتر شد ، نیرویش ، به آن افزوده شد .

xūdi:nag : مسخره ، شرم آور ، از xūdi:n : خندیدن ، مسخره کردن .

mænæn : حالت مفعول له مفرد برای æz : من . as : بیکل ، اندازه .

galī : حالت اضافی مفرد از gal : گوساله ، گاو .

مسخره است برای من ، بیکل کوچک من ، باید پس برای من بیکل گاو .

æræmbird kænīn : جمع ، توده . æræmbird

جمع کردن ، توده کردن . kænōn : فعل التزامی اول شخص مفرد آینده از مصدر

kænīn : کردن . ūd : نفس ، باد . īw gicil : بیکگی .



:ask'udīs . نو : nog ، صفت برتر از نو : nojɔdær

. a- + ترکیب : sk'win فعل گذشته سوم شخص مفرد لازم از مصدر

جمع خواهم کرد یک کمی نفس (خود را) . او دوباره باد کرد و برگید .

متن ۳

A. Christensen, *Textes ossètes*, p. 20.

Bíræx - fiyaw

Fiyaw æmæ yæ kūytæ sæ fællad  
wáxtoy. Bíræx skódta fæsáyini tixxáy fiy-  
awɔ́ jáwmatæ; báfændid éy ákænɪn fosi  
qádmæ. Ūy záxta: "Kæd mæ qælæs wá fiy-  
awɔ́ qælæsi xūzæn, mæ qúdtag rævs ū;  
kæd mæ qælæs næ wá fiyawɔ́ qælæs xūz-



æn, wéd æz sáyð dæn mæ qélæsæy. Bíræy: qælæs fætársin kóðta fiyaw: æmæ yæ kúyti, kæcítæ fægáplastoy. Mægúr bíræy fiyaw: jáwmat: nál áliyd, kúytæ yæ sístoy, ástixtoy ín yæ cárm æmæ ín nípi-rx kóðtoy yæ bwár. Ūy fæstæ fiyaw ráydi-dta næmín ūy dúrtæy æmæ læjégæy æmæ yæ ámarðta.

—  
 bíræy : حالت فاعلی مفرد: گرگ . fiyaw : حالت فاعلی مفرد:

چوپان .

kúytæ : حالت فاعلی جمع از کوی : گ . fællad :

حالت فاعلی مفرد: خستگی، ملال . waxtoy : فعل گذشته سوم شخص  
جمع متعدی از مصدر wajin : گذاشتن . fællad wajin : الراحة  
کردن ، آرمیدن .

چوپانی و سگهای خستگی شان (= sæ) را رفع می کردند .

skodta : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از skænin

kænin : کردن + s- . fæsayini : حالت اضافی مفرد از -fæsa

yin : فریختن ، از fæ + sayin . tixxæy : حرف به معنی

”برای“ . اسم پیش از tixxæy به حالت اضافی می رود . jawmatæ :

حالت فاعلی جمع از jawma : جامه ، لباس . jawma skænin :

جامه بپوش کردن ، لباس پوشیدن . bafændid : صفت مفعولی از مصدر

bafændin : خواستن . æy : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر ðun :

æy : صورت دیگر است ، صورت ایرودی آن می شود . bafændid æy .

خواسته شد به وسیله او ، یعنی او خواست . *akænin* : راندن از

*a- + kænin* . حالت اضافی مفرد از *fos* : چارپا ،

حیوان . *qædmæ* : حالت مفعول الیه مفرد از *qæd* : جنگل .

گرگی برای فریختن ، جامه های چوپان به تن کرد ؛ او خواست چارپایان

(در اصل چارپا) را به جنگل برد .

*qælæs* : حالت فاعلی مفرد : صدا ، بانگ . *wa* :

فعل التزامی آینده ، سوم شخص مفرد از مصدر *ūn* : بودن . *xūzæn* : مانند .

*qūdtag* : حالت فاعلی مفرد : کار . *rævs* : ساخته شده ، درست

شده ، مرتب شده . *ū* : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر *ūn* : بودن .

*sayd* : صفت مفعولی از مصدر *sayin* : فریختن . *sayd dæn* : فعل

مضارع اول شخص مفرد مجهول . *qælæsæy* : حالت مفعول غیر مفرد از *qælæs* :

صدا ، بانگ .

اگر صدایمانند صدای چوپان بشود، کارم درست است؛ اگر صدایمانند صدای  
چوپان نشود، آنگاه من از صدای خود فریفته شده‌ام.

fætarsin: رسیدن از fæ- + tarsin

fætarsin kənin: ترساندن . kəcitæ: حالت فاعلی جمع

kəci: که . fəgəplastoy: فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از

fəgəplasin: پدیدن، حُستن .

صدای گریه چوپان و گلهایش را ترساند، (به طوری) که (از جای) پریدند.

məgūr: حالت فاعلی مفرد: بیچاره . nal (=)

næ wæl , næ : نه ، wæl : روی ، بالا ) : نه . aliyd

alijin: گریختن ، از a- + lijin .

jawmatij: حالت مفعول فیه جمع از jawma: جامه ، لباس .

sistoy: فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از sistin: گرفتن ، از istin



astixtoy . s- + : فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از مصدر astixin

پاره کردن . in : ضمیر سوم شخص مفرد ، متصل ، حالت مفعول له : برای او .

nipirx kənin : پاره کردن ، دیدن . bwar : بدن ، جسم .

گرگ بپاره نتوانست در جامه بای چوپان بگریزد ، سنگها او را (yæ) گرفتند ،

چویش را برای او پاره کردند و بدنش را برای او دریدند .

fæstæ : پس ، بعد . raydidta : فعل گذشته متعدی سوم

شخص مفرد از مصدر raydayin : شروع کردن . nəmin : زدن .

dürtæy : حالت مفعول عنه جمع از دūr : سنگ . læjægæy :

حالت مفعول عنه مفرد از læjæg : چوب ، چاق . amardta :

فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر amarin : کشتن از marin

. a- +

اسگاہ چوپان شروع کرد او را زدن ، با سنگها و چوب ، و او را کشت .

متن

G. Redard (editor), *Indo-Iranica*, p. 4.

## Taymūraz

Taymurazmæ æmbisæxsæv bajird  
ī: "Komi sær særjin sag xīzi, æmæ yæ  
kæsgon ældari avd firti sæ sawlox bæxt-  
æy afæjæy afæjmæ sūriŋc, æmæ yæ  
æfsati ūdonæn næ dæddi, fælæ yæ  
dæwæn dæddi." Taymūraz sæwmæ raji  
afardæg ī tar saw qædmæ. Fæxatti æ-  
mæ c'iw tæxæy dær næ fedta. Aci  
min ci wiḍi wædæ, zæygæ, æmæ komi

særmæ baftid. Ūm il særjīn sag ærba-  
lixdī, æmæ yæ fexsta, æmæ sag ærxaw-  
dī.

روایت دیگرى متن ۱

پان کتاب صفحہ ۵

Taymoraz

Taymorazmæ æmbesæxsævi bajurd  
æy: "Komi særi sædsugon xezuy, æma'y  
kæsgon ældari avd furti sæ sawlox bæ-  
xtæy afæji afæy soruncæ, æma y'æfsa-  
tiy onæn næ dædduy, falæy dæwæn  
dædduy." Taymoraz sæwmæ rāgi rafa-

rdæg æy tar saw jædæmæ . Fæxxattæy  
 æma c'ew tæxæg dær næ fæwwidta . Aci  
 fun min ci adtæy ædta, zæygæ , æma ko-  
 mi særmæ ærbaftudta . Omi yibæl sædsugon  
 ærbaliydæy , æma'y fexsta , æma sag ærxa-  
 wdtæy .

—  
 .Tajmūraz : حالت مفعول عن مفرد از Tajmūrazmæ

ambesæxsævi ؛ دیگری : حالت مفعول فيه

مفرد از ، ambesæxsæu ، نیم شب ، از

ambes ، نیمه + xxsæu : شب . bajird ،

bajurd : به ترتیب صفت مفعول از bajürin ، دیگری bajorun :



خواندن ، صدا کردن . *tā* ؛ دیگری *æy* : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر

*ün* : بودن . *bajird ī* ؛ دیگری *bajurd æy* : فعل مضارع سوم

شخص مفرد مجهول .

به تاینوراز در نیمه شب بانگ زده شد .

*komi* ؛ دیگری *komi* : حالت اضافی مفرد از *komi* : دره ، تنگه .

*sær* ؛ دیگری *særi* : حالت مفعول فیه مفرد از *sær* : سر ، بالا ، روی .

*særjīn* : بزرگ کله ، بزرگ سر ، حالت فاعلی مفرد . *sædsugon* :

حالت فاعلی مفرد ، سخت گیر ، جدی . *sag* : گوزن . *særjīn sag* ؛

دیگری *sædsugon sag* : گوزن بزرگ سر ، گوزن سخت گیر ، مجازاً : "گوزن

ش خدار" . *xīzi* ؛ دیگری *xezuy* : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر

*xīzin* ، دیگری *xezun* : خاستن . *æmæ* ؛ دیگری

*æma* : د . *yæ* ؛ دیگری *y* : ضمیر متصل ، سوم شخص مفرد ، حالت اضافی :

اورا . در دگوری این واژه æy است ، چون "æ" در این واژه با "a" در æma

برخورد کرده است ، مصوت ناپایدار "æ" حذف شده است . kæsgon : حالت

فاعلی مفرد : کار بادی ، مبوب است به kæsæg ، on در این واژه پسوند نسبت

است . kæsgon صفت است از برای ældari ، دگوری ældari :

حالت اضافی مفرد : ارباب ، مالک . sæ : شان ، ضمیر ملکی .

sawlox : تژاد معروف اسب کار بادی ، صفت از برای bæxtæy .

bæxtæy : حالت مفعول غرض از bæx : اسب . afæjæy : حالت مفعول

غرض مفرد از afæj : سال ، از سال . afæjmæ : حالت مفعول الیه مفرد از

afæj : سال ، آسال . afæjæy afæjmæ : در طول سال .

afæji : حالت مفعول فی مفرد از afæj : سال . sūriŋc ؛

دگوری soruncaë : فعل مضارع سوم شخص جمع از مصدر sūriŋ ، دگوری sorun :

دنبال کردن ، تعقیب کردن . æfsati ؛ دگوری æfsatiy : حالت فاعلی

مفرد ، ام خاص ( نام خدائی است ) . *udonæn* ؛ دگوری *onæn* :

حالت مفعول له جمع برای *ūy* : او . *dæddi* ؛ دگوری *dædduy* : فعل مضارع

سوم شخص مفرد *dæddin* ؛ دگوری *dæddun* : دادن . *dæwæn* :

ضمیر دوم شخص مفرد ، حالت مفعول له : به تو .

در سرده گوزن شاختاری بالایی رود ، و او را هفت پسر مالک کار بادی

دنبال می کنند از (پشت) اسپهای ساو لوخشان در جریان سال ، دکن را "افسانی"

به ایشان نمی دهد ، اما کن را به تو می دهد .

*sæwmæ* : باداد . *raji* ؛ دگوری *ragi* قید است

به معنی "زود" ، اصلاً حالت اضافی مفرد از *rag* ، در ایرونی *g* در برخورد با

نبا به *j* بدل می شود . *afardæg ī* ؛ دگوری *rafardæg æy* :

فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر ، *afardæg ūn* ، دگوری *rafardæg un* :

روان شدن . *tar* : تار ، صفت از برای *qæd* ، دگوری *jaed* .

saw : سیاه ، صفت از برای qæd ، دگوری qædmæ. qæd

دگوری qædmæ : حالت مفعول الیه مفرد از qæd ، دگوری qæd :

جنگل ، بیشه .

تایموراز صبح زود بر طرف جنگل بار سیاه روانه شد .

fæxætti ؛ دگوری fæxxættay : فعل گذشته سوم شخص مفرد

از مصدر fæxætin ، دگوری fæxxættun : راه رفتن ، گشتن ،

قدم زدن ، آهسته راه رفتن . c'iw ؛ دگوری c'ew : پرنده .

tæxæg : پروازکننده ، صفت از tæxin ، دگوری tæxun : پرواز کردن .

dær : نیز ، هم ، حتی ، هم چنین . fedta ، دگوری fæwwid-

ta : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر fenin ، دگوری fæwwun :

دیدن .

آهسته قدم می زد ، و حتی یک پرنده ای که پرواز کند ، ندید .



aci ، دیگری aci : این . fiŋ ، دیگری fun :

خواب ، رویا . min ، دیگری min : ضمیر متصل مفرد ، اول شخص ، حالت

مفعول له : برای من . ci ؛ دیگری ci : چه . widi : فعل گذشته

سوم شخص مفرد از مصدر . un : بودن . adtæy (در دیگری) فعل گذشته

سوم شخص مفرد از مصدر . un : بودن . wædæ : این طور ، این چنین .

ædta (در دیگری) : این طور ، این چنین . zæygæ : گویان ،

صفت از zæjun ، zæjin : گفتن . baftid ؛ دیگری

ærbastudta : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر baftin ، دیگری

ærbastun : افتادن ، رفتن .

این رویای من (لفظاً : این رویا از برای من) چه بود این چنین ، (این

سخن) گویان ، به سر دره شد .

ūm ؛ دیگری omi : کجا ، آنجا . il ؛ دیگری

*yibæl* : ضمیر سوم شخص مفرد ، حالت مفعول علیه : *braw* . *ærbaliḡdī* ؛  
 دیگوری *ærbaliḡdæy* : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر *ærbaliḡin* ؛  
 دیگوری *ærbalejun* : گرختن . *fexsta* ، دیگوری *fexsta* ؛  
 فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر *fexsin* ، دیگوری *fexsun* : برانداختن .  
*ærxawdtæy* ؛ دیگوری *ærxawdtæy* : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر  
*ærxawin* ، دیگوری *ærxawun* : از پا در آمدن .  
 آنجا ، گوزن ش خدا را برگزید ، و ( تا میوزاز ) به او تبر انداخت ،  
 و گوزن از پای در آمد .

متن ۵

A. Christensen, *Textes ossètes*, pp. 24-34.

Árḡaw

Rájimæ, rájimæ, ūdís læḡ æmæ ūs .

Udónæn ráygürdís iŵ læppú cót. Bíræ æng-  
 ælma kástisti, æmæ ræz næ xásta. Áræx  
 æy bærstoy, æmæ dærymæ ūlīng, wærxmæ  
 dīsni, ændær ræz næ xásta. Yæ dærymæ  
 kæsgæ iŵ nóm sávardtoy Ūlīng. Mád æmæ  
 fīd tīng gīg kódtoy: "Kædæm min sbázzæn?  
 Adæm niŵ xūdjiŵti. Xūzdær ū yæ fésafīn"  
 Qædmæ yæ álastoy; "Ūm æy fésafæm", zæ-  
 ŷgæ. Árf æy bákodtoy qædi. Ūm siŵ ærtálin  
 gīs. Fīd qūdi kænī: "Kūd æy mæxícæy fæxī-  
 bæ kænón?" Kæsi æmæ dárdæy rúxs cæwi.  
 Wæd in fīnd záxta: "Ŷxsæu ám wázaŵ ūj-



ʒn; zing naximæ nai, æmæ na ærxæssin  
 qawí, kænæ dæwæn kænæ mænæn". Fíd  
 zidta rūxs kæcæy cid; ūy wæygūti xæjær ū,  
 æmæ kæd baxædcæwæ, wæd æy ūdón bax-  
 ærjisti, kannóðær ískū fæjæyæl ūjæn æmæ  
 fésæfjæn. Fíd záxta: "Cón æz, ærdávon  
 zing". Wæd Ūlīng féstæd æmæ záxta: "Dí  
 zærónd læg, kærdæm cæws? æz ærxæssjīn-  
 æn". Fíd záxta: "Cú táyd wædæ." Ūlīng  
 ácidis zing kūrīnmæ. Kūdtær ūy nál  
 zīnd, áftæ fíd dær rázdæxt yæ xæjærmæ.  
 Ūlīng iscid ūrdæm rūxsmæ. Rūxs cid



lægætæy. Bákastis Ulíng lægætma, æmæ  
ji æxsæz wáyji bádinc yæ áli fárs ártæn.  
Kū áwdta, wæd tíng fætárstis Ūlíng. Anqél  
ūd: "Cáværdær dísagtæ sti?" Xæstégdær bá-  
birid: "Bælvird sæ bázonon, éí sti ūdón." Bæ-  
lvird sæ ráirtasta. Ūdón ūdísti wáygūtæ, sæ  
tixæy dúnyetæ társtisti. Fælæ Ūlíng tixjínad-  
æy næ társt yæxícæn. Bíræ nál fæqúdi Kó-  
dta Ūlíng réstæg, fæcæw zæygæ: "Æmæ mæ  
zíng qæw mæ fídma xæssín." Bájirdta: "Wæ  
æxsæw xórz!" Wáygūtæ féqústoy læji qær  
xæstégma, fælæ ūngé níkæy úninc. Ūlíng

xæstægdær bácid , æmæ yæ fédtoy wæygūtæ.  
Tīng dīs fækódtoy yæ ásil Ūlīngæn : "Kūd  
gīcīl ū , æmæ in cī lǎjī qælás īs !" Īw  
wæyīg sistád æmæ yæ k'úxi sísta : "Mánæ  
mīn cī qázæn īs !" Zæygæ . Kūd yæ æræ-  
værdta fæstémæ , wæd záxta Ūlīng : "Zīng-  
kūr dæn , " zæygæ . Yæ k'úxi yæ ēī sísta  
úci wæyīg záxta : "Isbád æmæ æxsævær  
báxær !" Cīn kænī : "Mánæn cī qázæn  
īs !" Wæl árt æxsævær fīxtīs , ænéqæn sáji  
jīzátæ . Kū sfīxtīstī , wæd wæygūtæ duwæ  
yæ sistádīstī áji áisīnmæ . Ūlīng sæm jūri :

"Ūy ci kænūt? Kæd wæ īw ūy áīsinæn næú,  
wæd ūci diŋjirtæ hæm siræst istūt?" Wæd w-  
æygūtæ isxúdisti æmæ záxtoy: "Di má yæ áīs!"  
Ūlīng féstad æmæ áīsta jīzátæ. Wæd wæ-  
ygūtæ jūrīnc: "Áftæ næ væyy." Ūlīng  
záxta: "Áftæ væyy, áftæ! æxsævær īw  
læjī tīxxý duwæ næ fæīsīnc. Æz ærd-  
æg læg æmæ mæ fág dær næú wæ æxsæ-  
vær. Xūzdær rádtūt mīn zīngæmæ cón,  
kænnónd smáx æxsævær æz bákærjīnæn  
æmæ smáx æórmaḡæy bázayjīstūt." Wæygūt-  
æ záxtoy: "Di wæl bákær; istáy máx dær isf-



ícjistæm æxsávar æmæ báxærjistæm." Þrá-  
 værdtoy yæ rázi. Ūlīngæn æxsávar ænægæn-  
 æy; sæxédæg æltæmæ rácidisti; æmæ báū-  
 maffæ kódtoy: "Ámaræm æy," zæygá, "Kū  
 sæ báxæra sepættær wád, ūy tīxxáy æmæ  
 wád ūy kænæ kælæn-gænæg ū kænæ xæ-  
 yræg ū." Cálīmmæ ūdón fæstæmæ cidisti,  
 Ūlīng jizátæ báxsæsta sæ sēitæy. Jizátæ  
 wærmī sæppársta, isēitæ æxsæstæy yæ  
 cūri æræværdta, bás dær wærmī nigká-  
 ldta. Wæygūtæ ærbácidisti æmæ isēitæ  
 æxsæst. Sæ qúdi ūdīsti: Báxordta sæ?"



zæygæ. Færsinc æy : "Fæg baxordtay?" Uli-  
 ng zaxta : "Næ baxordton. Zing min rådtut  
 æmæ næ xæjari baxærjinæn mæ fæg." Wæ-  
 ygütæ kæræjī áfarstoy : "Áwajæm æy?" Næ  
 il srázisti; áwajin ; zaxtoy : Ámarin æy  
 gæw". Ásayidtoy yæ xüssinmæ ; isxússidis;  
 bátixtoy yæ nímæti æmæ zaxtoy : "Kū báfi-  
 næy wá , wæd æy ámarjistæm ; nir wál  
 cóm ." Ūdón kū ácidisti , wæd Ūling sist-  
 ádis æmæ yæ binati; nímæti sūji líg bá-  
 tixta ; yæxædæg ácidis æmæ ændær binati;  
 bámbæxst. Wæygütæ kū rácidisti ūy áma-

riṅmæ, kæmæn yæ k'úxi færæt, kæmæn  
læjæg, æmæ listæg skárstoy niṁæt æmæ  
sūji líji. Wæygūtæ záxtoy: "Nir nin tás  
nál ū." Báciḍisti æmæ isxússiḍisti. Ráy-  
somḍi kú siṣtáḍisti, wæd Ūlíng dær siṣtád-  
is æmæ sæm sūri: "Wæ ráysom xórz wa!"

Wæygūtæ kú áygūstoy, wæd siṣtáḍisti æmæ  
áliyḍisti: "Ūci cástæy čí næ ámærd? Ūy  
næ ám báxærjæn." Wæygūtæ úci záman  
xórdtoy læji jizá, æmæ "Ūlíng dær læ-  
ji jizá xæri." zæygæ ængæl ūḍisti ūdón.

Ūlíng rásagūrdta xæjari xórzjinad-

tæ æmæ j̇i ṅici isárdta yæxí ákkag ;  
ærmæst j̇i ráxasta ċixt æmæ cæfxád yæ  
bæxæn ṅissázjæn . Istæy fæṅik xæč̇ili  
bátixta, yæ ṁidæg żing ; yæ fárson sæ  
isbásta æmæ rácid sæ xæjaræy wæygū-  
tæn .

Ūling ábon dær yæ xæjari cæri yæ  
mádæltimæ .

---

. داسان : arɣaw

raǰimæ : دت زیاد ، دت طولانی ؛ raǰimæ

raǰimæ raǰi ! raǰimæ : خلی خلی پیش . ūdis



فعل گذشته سوم شخص مفرد از *wīn / ūn* : بودن . *læg* : حالت فاعلی مفرد:

• مرد

یکی بود یکی نبود ، مردی بود وزنی .

*ūdonæn* : حالت مفعول له جمع ، ضمیر سوم شخص : برای آنها .

*raygūrdīs* : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر *raygūrin* : تولد یافتن ،

زاده شدن از *ra- + īgūrin* . *læppū* : پسر ، نوجوان .

*cot* : فرزند .

برای آنها فرزند پیری زاده شد .

*bīræ* : خیلی ، زیاد . *ængælmæ kæsīn* : صبر کردن ،

انتظار کشیدن . *kastīstī* : فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر *kæsīn* : دیدن .

*ræz* : رشد ، اسم از *ræzīn* : رشد کردن . *xasta* : فعل گذشته

معدی سوم شخص مفرد از مصدر *xæssīn* : بردن . *ræz xæssīn* : رشد کردن ،



بزرگ شدن .

آنها (پدر و مادر ، زن و مرد) خیلی انتظار کشیدند ، اما او (بچه) بزرگ نشد .

aræx : اغلب . barstoy : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد

از مصدر : barin : وزن کردن ، کشیدن ، اندازه گرفتن . ūling : وجب ،

بدست ؛ اندازه نیک وجب . wærxmæ : حالت مفعول الیه مفرد از wærx :

پهنا . dīsni : وجب ، بدست . ændær : دیگر .

اغلب او را (= æy) اندازه می گرفتند ، اما (او) به دراز نیک بدست

و به پهنای بدست (بود) ، دیگر شد نمی کرد .

kæsgæ : بنابر ، با توجه به ، صفت است از kæsīn : دیدن .

ia : حالت مفعول علیه مفرد ، ضمیر متصل سوم شخص . savardtoy : فعل گذشته

متعدی سوم شخص جمع از مصدر : nom ! sæværin : نامیدن ، نام گذاشتن .

sæværin : گذاشتن ، نهادن .

با توجه به درازایش « اولنگ » بر او نام نهادند .

ting : خبی ، بسیار . qig : عذاب ، پنج ؛ -qig kæ

nin : پنج بردن ، دردمند شدن . kædæm : برکبی ، کجی ، درکجی .

nin : ضمیر متصل ، حالت مفعول له جمع : برای ما ، مارا . sbazjæn : فعل آینده ،

سوم شخص مفرد از مصدر sbazin : سودمند بودن .

مادر و پدر بسیار رنجور شدند ، درکجا برای ما سودمند خواهد بود .

nil : ضمیر متصل اول شخص جمع ، حالت مفعول علیه : بر ما . -xūdji

sti : فعل آینده ، سوم شخص جمع از مصدر xūdin : خندیدن .

آدم ( با ) بر ما خواهند خندید .

xūzdær : خوتر ، بهتر ؛ صفت برتر از xorz : خوب .

fesafin : کشتن ، نابود کردن .

خوتر است نابود کردنش .

alastoy : فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از مصدر alasīn :

• بردن

• اورا به جنگل بردند

fesafæm : فعل التزامی آینده ، اول شخص جمع از مصدر fesafīn .

( این سخن ) گویان : " آنجا اورا نماند خواهم کرد . "

arf : زرفا . qædi : حالت اضافی مفرد از qæd : جنگل .

bakodtoy : فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از مصدر bakæniñ : راهنمایی کردن ،

• بردن

• اورا (= æy ) به تہ جنگل بردند

siñ : ضمیر متصل ، سوم شخص جمع ، حالت مفعول علیہ : برایشان .

ærtalingīs : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر ærtaling ūn : تارک

• شدن

آنجا برایشان تارک شد .

qūdi kænī : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر - qūdi kæn :

in : فکر کردن ، تفکر کردن . qūdi : فکر . mæxīcæy : من خود ،

ضمیر برگشتنی ، اول شخص مفرد . fæxībær kænōn : فعل التزامی آینده ، اول

شخص مفرد از مصدر fæxībær kænīn : بردن ، حمل کردن ، راندن .

پدر (ش) فکرمی کند : چگونه من او را از خود برانم ؟

kæsi : فعل مضارع اول شخص مفرد از مصدر kæsīn : دیدن .

dardæy : حالت مفعول غیر مفرد از dard : دور . rūxs : روشنی .

cæwi : فعل مضارع ، سوم شخص مفرد از مصدر cæwīn : شدن .

اومی نگردد ، و از دور روشنی (ظاهر) می شود .

in : ضمیر متصل سوم شخص مفرد ، حالت مفعول له . zaxta : فعل

گذشته سوم شخص مفرد از مصدر zæyīn : گفتن . wazal : سرد .



ūjæŋ : فعل آینده ، سوم شخص مفرد از مصدر ūn : بودن . zing : آتش .

næximæ : ضمیر برگشتنی ، اول شخص جمع حالت مفعول الیه : بربا ، برای ما . næi :

نیت ، از næ : نه + تا فعل مضارع سوم شخص مفرد از ūn . næ : ضمیر متصل اول

شخص جمع ، حالت اضافی . ærxæssin : جستجو کردن . qæwi : فعل

مضارع ، سوم شخص مفرد از مصدر qæwin : لازم و واجب بودن . kænæ : یا .

dæwæn : ضمیر دوم شخص مفرد ، حالت مفعول له . mænæn : ضمیر اول شخص

مفرد ، حالت مفعول له .

پس پدر (شش) او را گفتم : شب اینجا سرد خواهد بود ، آتش

برای ما نیت ، و لازم است جستجو کنیم ( در اصل : جستجو کردن ما لازم است ) ،

یا ترایا مرا ( باید جستجو کرد ) .

zidta : فعل گذشته متعدی ، سوم شخص مفرد از مصدر zonin :

دانستن . kæcæy : از کجا ، از جایی که . cid : فعل گذشته سوم شخص مفرد

از مصدر *cæwin* : شدن . *wæygūti* : حالت اضافی جمع از  
*wæygūtæ* : غولان ، این واژه جمع *wæyg* است ، *-tæ* نشانه  
 جمع ، *ū* مصوت پیوند است . *xæjar* : خانه . *baxædcæwa* :  
 فعل التزامی آینده ، سوم شخص مفرد از مصدر *baxædcæwin* : فرار رفتن .  
*ūdon* : ضمیر اول شخص جمع ، حالت فاعلی ، کنها . *baxærjisti* :  
 فعل آینده سوم شخص جمع از مصدر *baxærin* : خوردن . *kænnodær* :  
 وگرنه . *īskū* : جایی . *fæjæjæl ūjæn* : فعل آینده سوم شخص  
 مفرد از مصدر *fæjæjæl ūn* : گم شدن ، راه گم کردن . *fesæfjæn* :  
 فعل آینده ، سوم شخص مفرد از مصدر *fesæfin* : نابود شدن ، هلاک شدن .  
 پدر (ش) می دانست از آنجا که روشنی می آمد ، آن خانه غولان است ،  
 و اگر او (پدرش) فرار رود ، پس آنها او را خواهند خورد ، و اگر نه جایی راه گم کند  
 و هلاک شود .

con : به جای cæwon : فعل التزامی آینده ، اول شخص مفرد از مصدر

cæwin : شدن . ærdavon : فعل التزامی آینده ، اول شخص مفرد از

مصدر ærdavin : به دست آوردن .

من بشوم ، آتش به دست آورم .

festad : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر festin : ایستادن

اولنگ برخاست و گفت .

di : حالت فاعلی مفرد ، ضمیر دوم شخص : تو . cæws : فعل

مضارع دوم شخص مفرد از مصدر cæwin : شدن . ærxæsjinæn :

فعل آینده اول شخص مفرد از مصدر ærxæssin : بستن کردن .

تو پیرمردی ، کجای روی ؟ من بستن خواهم کرد .

cū : فعل امر دوم شخص مفرد از مصدر cæwin : شدن .

tayd : زود ، تند ، به تاخت . wædæ : پس .



پدر (ش) گفت : پس به تاخت بشو .

acidis : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر cæwin : شدن .

kūrinmæ : حالت مفعول الیه مفرد از مصدر kūrin : طب کردن .

اولینگ به طب کردن آتش شد .

kūdtær : فوراً ، زودتر . zind : فعل گذشته سوم شخص مفرد

از مصدر zonin : دانستن ، دیدن ، اسم از zonin : دم ، کله ؛

در اینجا : دم ، کله . razdaxt : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر

razdæxin : برگشتن .

این (ūy) بیشتر از یک کله نبود ، (که) آنگاه پدر (ش) [تر] به

خانه اش برگشت .

ūrdæm : به طرف ، به سوی ، سوی .

اولینگ به سوی روشنی شد .



*lægætæy* : حالت مفعول عنده مفرد از *lægæt* : غار .

روشنی از غار می آید .

*bakæstis* : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر *bakæsin* :

نگاه کردن ، نگریستن از *ba- + kæsin* . *lægætæmæ* : حالت مفعول

ایه مفرد از *lægæt* : غار . *þj* : آنچه . *badinc* : فعل مضارع سوم

شخص مفرد از مصدر *badin* : نشستن . *ali* : هر . *fars* : سو ،

طرف ، جانب . *artæn* : حالت مفعول له مفرد از *art* : آذر ، آتش .

اولینک نگریت به غار ، و در آنچه آتشش غول نشسته بودند در اطراف آتش .

*kū* : زمانی که . *sæ* : ضمیر متصل حالت اضافی جمع : آنها را .

*awdta* : فعل گذشته سوم شخص مفرد ، متعدی از مصدر *ūnin* : دیدن + *a-* .

*fætærstis* : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر *fætærsin* : رسیدن .

زمانی که آنها را دید ، پس اولینک خیلی رسید .

ænqæl ūd : فعل گذشته 'سوم شخص مفرد' : فکر کرد ؛ از مصدر

- ūn : فکر کردن . caværdær : چند ، چه اندازه . - dīsa

gtæ : حالت فاعلی جمع از dīsaq : حیرت آور . sti : فعل مضارع

سوم شخص جمع از مصدر ūn : بودن .

او (با خود) ادیش کرد : "چقدر حیرت آور هستند ."

xæstægær : نزدیک تر ، صفت برتر از xæstæg :

نزدیک . bābirid : فعل گذشته 'سوم شخص مفرد از مصدر bābirin :

ادماختن (خود را) . bælvirid : حقیقت . bazonon : فعل

الترامی آینده ، اول شخص مفرد از مصدر bazonin : باز شناختن . tæc : که؟ .

نزدیک تر شد : حقیقتاً آنها را باز خواهیم شناخت (تا) که هستند آنها .

raīrtasta : فعل گذشته 'سوم شخص مفرد' ، متعدی از مصدر

raīrtasin ، باز شناختن .

حقیقه آنها را باز شناخت .

*tixæy* : حالت مفعول غیر مفرد از *tix* : نیرو، قوت .

*dūnyetæ* : حالت فاعلی جمع از *dūnye* : دنیا .

آنها غولان بودند ، دنیا [ با ] از نیروی آنها می رسید [ ند ] .

*tixjīnadæy* : حالت مفعول غیر مفرد از *tixjīnad* : نیرو، قوت

*yæxīcæm* : حالت مفعول مفرد ، ضمیر برگشتنی ، سوم شخص ، برای خاطر خودش .

اما اولنگ از نیروی ( آنها ) به خاطر خودش نرسید .

*fæqūdi kodta* : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر

*fæqūdi kænīn* : فر کردن . *ræstæg* : وقت . *fæ-*

*cæw* : فعل گذشته نسومی سوم شخص مفرد از مصدر *fæcæwīn* : شدن . *xæs-*

*sin* : بردن .

اولنگ خیلی وقت فرزند ، فرزندت ( این سخن ) گویان : داکش مرا



لازم است (تا) برای پدوم بوم .

bajirdta : فعل گذشته متعدی ، سوم شخص مفرد از مصدر - bajū

rin : بانگ زدن . feqūstoy : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از

صدر feqūsin : شنیدن . qar : صدا ، بانگ . xæstæg -

mæ : حالت مفعول الیه مفرد از xæstæg : نزدیک . ūngæ :

نگاه کنان ، صفت است از مصدر ūnin : دیدن . nīkæy :

پس کس ، حالت اضافی مفرد . ūninc : فعل مضارع سوم شخص جمع از مصدر

ūnin : دیدن .

او (اولینگ) بانگ زد : "شب شما خوش!" غولان بانگ

آدمی به نزدیک شنیدند ، اما نگاه کنان پس کس را ندیدند (در اصل : نمی بینند) .

fedtoy : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر : fenin

دیدن .



اولینگ نزدیک ترشد ، وغولان او را بیدیند .

*dīs* : حیران . *dīs fækænin* : حیران شدن .

*asil* : حالت مفعول علیه مفرد از *as* : قد و بالا ، سبک . *ūlingæn* :

حالت مفعول له مفرد از *ūling* .

(غولان) خیلی حیران شدند از (در اصل : به) اولینگ .

*kūd* : چه . *gicil* : کوچک . *in* : حالت مفعول

له مفرد ، ضمیر متصل سوم شخص : برای او ، او را .

چه کوچک است ، و او را چه صدای آدمی است !

*sistad* : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر *sistin* : ایستادن .

*kūxi* : حالت اضافی مفرد از *k'ūx* : دست . *sista* : فعل گذشته

سوم شخص مفرد ، متعدی از مصدر *sisin* : گرفتن ، از *s- + isin* .

*mænæ* : اینک ، اینت . *min* : حالت مفعول له مفرد ، ضمیر اول

شخص مفرد ، ضمیر متصل ، دایمی "datife éthique" است . qaz-

æn : اسباب بازی ، اسم از qazın : بازی کردن .

یک غول ایستاد دست او راسته ( این سخن ) گویان : اینک

چہ اسباب بازی است برای من .

æræværdta : فعل گذشته سوم شخص مفرد ، متعدی از مصدر - ær

ævrin : گذاشتن ، جای دادن ، نهادن . fæstæmæ : پس ،

+ kūd : کمی بعد .

کمی بعد او را ( بزین ) نهاد ، پس آنگاه اولنیک گفتم : آتش خواهام .

kūr : ماده مضارع از kūrın : حُبستن ، خواستن .

zing kūr : آتش خواه . daen : فعل مضارع اول شخص مفرد از مصدر

ün : بودن . isbad : فعل امر دوم شخص مفرد از مصدر isbadın :

نشتن . æxsævær : شام . baxær : فعل امر دوم شخص مفرد از

صدر *baxærin* : خوردن .

این دلو که (= *čā*) او را در دست گرفته بود، گفت: "بشین و

شام بخور ."

*cīn kænī* : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر - *cīn kæ*

*nīn* : شادی کردن .

او (یعنی غول) به وجدی آید : "انگ چه اسباب بازی است ."

*wæl* : روی . *fixtis* : فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر

*fiçin* : پختن . *ænæqæn* : تمام ، کامل . *sajī* : حالت اضافی

مفرد از *sag* : گوزن . *jīzatæ* : حالت فاعلی جمع از *jīza* : تله ، پاره .

روی آتش شام می پخت (به معنی لازم فعل) تمام پاره های یک گوزن .

*sfixtisti* : فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر *fiçin* : پختن .

*sistadisti* : فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر *sistin* : ایستادن .



نی : حالت اضافی مفرد از ag : دیگر . aīsinmæ : حالت مفعول الیه

مفرد از aīsin : گرفتن ، بستن .

زمانی که (تکه های گوشت) بچینه ، آنگاه دوغول برای بردن گرفتن آن

از دیگر برخاستند .

sæm : ضمیر متصل سوم شخص جمع ، حالت مفعول الیه . jūri : فعل

مضارع سوم شخص مفرد از مصدر jūrin : گرفتن . kænūt : فعل مضارع دوم

شخص جمع از مصدر kænin : کردن . aīsinæn : حالت مفعول له مفرد از

aīsin : بستن ، گرفتن . næū : کرب از næ و ū .

dinjirtæ : حالت فاعلی جمع از dinjir : بزرگ ، گنده . kæm :

چرا ؟ . siræst : بالغ ، بزرگ ، رشد کرده . istūt : فعل مضارع دوم شخص جمع از

مصدر ūn : بودن .

اولینک به آنها می گوید : ”آیا چیزی کنید ؟ اگر یکی از شما نیست (که) آن را بگیرد ،



آنگاه چرا این (چنین) غولان رشد کرده / بزرگی هستید؟

*isxūdisti* : فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر *isxūdin* : خندیدن.

*ma* : پس ، بنابراین . *aīs* : فعل امر دوم شخص مفرد از مصدر *aīsin* : برداشتن ، بستن ، برگرفتن .

پس غولان خندیدند و گفتند : "پس تو ان را برگریا" اولین برخاست و

پاره ها را برگرفت .

*jūrin* : فعل مضارع سوم شخص جمع از مصدر *jūrin* : گفتن ، بانگ زدن .

*væyyin* : فعل امر دوم شخص مفرد از مصدر *væyyin* : شدن ، ماندن ، حاضر بودن .

آنگاه غولان بانگ می زدند : "آنجامرو" .

*tixxaz* : برای . *fæisinc* : فعل مضارع سوم شخص مفرد از

مصدر *fæisin* : گرفتن ، برداشتن ، بستن .

اولین گفت : "آنجامرو ، آنجا ! شام برای یک مرد را دو نفر نمیزند .

ardæg : نیم . fag : سیری .

من نیم انم و سیری من نیزیت شام شما ( یعنی شام شما مرا که نیم انم )

سیری کنذ . )

radtüt : فعل امر دوم شخص جمع از مصدر radættin : دادن ،

از min . ra- + dættin . حالت مفعول له مفرد ، ضمیر متصل اول شخص .

con : فعل التزامی آینده ، اول شخص مفرد از مصدر cæwin : شدن . -kæn

nod : اگر نه . baxærjinen . فعل آینده اول شخص مفرد از مصدر -bax

ærin : خوردن ، از ba + xærin . æxormagæy : گرسنه .

bazayjistüt : فعل آینده دوم شخص جمع از مصدر bazayin : ماندن .

بهر است برین آتش بیدید و من بروم ، اگر نه شام شما را من خواهم خورد و شما

گرسنه خواهید ماند .

istæy : پس . isficjistæm : فعل آینده اول شخص

جمع از مصدر *isficin* : سخن .

غولان گفته : "تو تنها بخور ، پس ما نیز شام می‌پریم و خواهیم خورد."

*æræværdtoy* : فعل گذشته سوم شخص جمع متعدی ، از مصدر *æræ* -

*værin* : تقدیم داشتن ، دادن . *razi* : راضی . *ænæqænæy* :

حالت مفعول عنه مفرد از *ænæqæn* : تام ، کامل ، همه . *sæxædæg* :

ضمیر برشته سوم شخص جمع : آنها خود . *ættæmæ* : خارج ، در خارج . *baūn* -

*affæ kænin* : شوکر کردن ، رای زدن . *ūnaffæ* : توری!

*amaræm* : فعل آینده اول شخص جمع از مصدر *amarin* : میراندن . *bax* -

*æra* : فعل برای آینده ، سوم شخص مفرد از مصدر *baxærin* : خوردن . *sep* -

*ættær* : همه . *kænæ* : یا . *kælæn-gænæg* : جادو . *kæ* -

*læn* : جادوگری . *xæyræg* : دیو .

شام را به تمامی به او (اولیگ) دادند ، ایشان خود به بیرون رفتند و



انجمن کردند: "اورا خواهیم کشت"، (این سخن) گویان، "به شخص اینکه او همه آنها را  
بجورد - چون که او یا جادو گراست یا دیو."

• *ūy tixxæy æmæ* : چون که، زیرا که.

*calimmæ* : در هنگامی که. *sčitæy* : حالت مفعول غیر مفرد از

*sčit* : استخوان. *fizata* : حالت فاعلی جمع از *fiza* : تکه،

پاره. *baxsæsta* : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد متعدی، از مصدر *baxsæd*.

*in* : جدا کردن.

زمانی که برگشتند، اولینگ پاره‌هایی از استخوان آنها جدا کرده بود.

*wærm* : حالت مفعول غیر مفرد از *wærm* : خنق، گودال.

*sæpparsta* : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد متعدی، از مصدر *sæpparin* :

انگدن. *isčitæ* : حالت فاعلی جمع از *isčit* : استخوان.

*æxsæstæy* : فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از مصدر *æxsæsdin* : پاک کردن.



curi : سوی ، طرف . bas : آتش . nigkaldta : فعل گذشته

متعدی سوم شخص مفرد از مصدر nigkalin : ریختن ، فرو ریختن از ni + kalin ،

g زائد است .

پاره های گوشت را در گودالی افکند ، استخوانهای پاک کرده را در پهلوی خود نهاد ،

پس آنگاه آتش را در گودال فرو ریخت ، غولان وارد شدند و استخوانها پاک کرده بود .

qūdi : قند ، تکر . qūdi ūn : تکر کردن ، تکر کردن .

udisti : فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر ūn : بودن .

ایشان درباره خودشان تکر کردند ( این سخن ) گویان : آنها را خورد .

færsinc : فعل مضارع سوم شخص جمع از مصدر færsin : درخواست

کردن ، باز پرسیدن . fag : کافی . baxordton : فعل گذشته متعدی ،

اول شخص مفرد از مصدر baxærin : خوردن .

ایشان از او باز پرسیدند : کافی خوردی ؟ اولین گفت : نخوردم .

radtūt : فعل امر دوم شخص جمع از مصدر radædtin : دادن .

به من آتش بدهید ، و من به طور کافی در خانه خودمان خواهم خورد .

kæræjī : یکدیگر . awajæm : فعل مضارع اول شخص جمع از

مصدر awajin : گذاشتن ، رها کردن ، اجازه دادن . srazisti : فعل

گذشته سوم شخص جمع از مصدر srazin : موافقت کردن .

غولان از یکدیگر باز پرسیدند : " اورا رها کنیم ؟ " رها کردن اورا موافقت نکردند ؛

ایشان گفتند : " اورا باید کشتن . "

asayidtoy : فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از مصدر asayin :

فریختن . xūssinmæ : حالت مفعول الیه مفرد از xūssin : نخفتن .

batixtoy : فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از مصدر batuxin : پچیدن .

nimæti : حالت مفعول فیہ مفرد از nimæt : نمود ، نگاه نمودی . bafin :

æy wa : فعل التزامی آینده سوم شخص مفرد از مصدر — ūn : نخفتن ، نخفته بودن .

nir : حال ، wal : آنگاه . com : فعل الترامی آینده اول شخص جمع

از مصدر : cawin : شدن .

ایشان اورا به خواب فریفتند ، او خوابید ، اورا در نمدی پچیدند و گفتند :

” چون او به خواب برود ، آنگاه او را خواهیم کشت ، حال به بیرون می شویم . “

binati : حالت مفعول فیه مفرد از binat : جا ، محل . sūj : سوج

حالت اضافی مفرد از sūg : همیشه . bambæxst : فعل گذشته سوم شخص مفرد

از مصدر bambæxsin : مخفی کردن ، پنهان شدن .

چون ایشان بیرون شدند ، آنگاه اولنگ برخواست و در جایش ،

درخت ، پاره ای همیشه پچید ، خود بیرون شد و در جای دیگری پنهان شد .

kæmæn : حالت مفعول له مفرد برای tæ : موصول ، که .

k'uxi : حالت مفعول فیه مفرد از k'ux : دست . læjæg : چوب ،

چاق . listæg : کوچک ، پاره . listæg skænin : پاره و نگ کردن .



چون غولان برای کشتن او وارد شدند ، برای یکی در دست تبری بود  
 (یعنی : در دست یکی تبری بود) برای یکی چوب ، و نذر را پاره پاره کردند و پاره همیه را (که  
 در آن بود) .

nin : ضمیر متصل جمع ، حالت مفعول له ، برای ما . tas : ترس .

دیوان گفتند : " حال برای ما ترس نیست " . ایشان رفتند و خوابیدند .

raysomi : حالت مفعول فیه مفرد از raysom : صبح .

sistadisti : فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر sistin : ایستادن ،

بند شدن ، برخاستن . sam : ضمیر متصل ، سوم شخص جمع ، حالت مفعول الیه .

sūri : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر sūrin : دویدن ، دنبال کردن .

در صبح که برخاستند ، پس اولین نیز برخاست و ایشان را دنبال کرد

(گفت) : " صبح شما به خیر باد " .

wa : فعل التزامی آینده سوم شخص مفرد از مصدر wān : بودن .



ayqūstoy : فعل گذشته متعدی سوم شخص جمع از مصدر ayqūsin : شنیدن .

aliydisti : فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر alijin : گرفتن . ūci :

آن . caftay : حالت مفعول عطف جمع از caf : خرد کردن . amærd :

فعل گذشته سوم شخص مفرد از مصدر amælin : مردن . næ : ضمیر متصل اول

شخص جمع ، حالت اضافی . am : اینجا . baxærjan : فعل آینده ،

اول شخص جمع ، از مصدر baxærin : خوردن .

غولان چون ( صدای او را ) شنیدند ، آنگاه برخاستند و گریختند :

” از آن خرد کردن ( = tæ ) نبرد ؟ او ما را اینجا خواهد خورد . “

jīza : گوشت .

غولان در آن زمان گوشت آدمی می خوردند و ایشان عقیده داشتند و

گفته ( در اصل : گویان ) : اولیگ نیز گوشت آدمی می خورد . “

rasagūrdta : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر ras-

. *agūrin* : جستجو کردن (مركب از *ra-+s-+agūrin*) .  
*xorzjīnad* : حالت فاعلی جمع از *xorzjīnad* : خوبی ، نیکی .  
*isardta* : حالت مفعول فيه مفرد ، ضمیر سوم شخص . فعل گذشته متعدی .  
*isarin* : یافتن . *akkag* : مناسب ، درخور .  
*yæxi* : او خود . *ærmæst* : تنها ، فقط . *raxasta* : فعل گذشته  
 متعدی سوم شخص مفرد از مصدر *raxæssin* : حمل کردن ، بردن . *cixt* : پیر .  
*cæfxad* : نعل .

اولیگ چیزهای خوب داخل خانه را جستجو می کرد (یعنی در پی چیزهای  
 خوب درون خانه می گشت) ، اما در آن هیچ چیز مناسب خود نیافت ؛ فقط از  
 آن پیر و نعل برد .

*cixti* : حالت اضافی مفرد از *cixt* : پیر . *baxærj* .  
*æn* : فعل آینده سوم شخص مفرد از مصدر *baxærin* : خوردن . *bæxæn* .

حالت مفعول له مفرد از bæx : اسب . nissajæn : فعل آینده سوم شخص مفرد

از مصدر nissæjin : استوار کردن ، گذاشتن ، حکم کردن .

”پیرا پدرم خواهد خورد ، فعل رایج اسبش استوار خواهد خورد ، “ اولیاد گفت .

istæj : به علاوه ، پس . fænīk : خاکستر . xæčili :

حالت اضافی مفرد از xæčil : پاره ، تکه . batixta : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از

مصدر batuxin : بستن . midæg : میان . farson : پشت . isba .

sta : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی ، از مصدر isbattin : بستن .

پس (کمی) خاکستر را در تکه ای پارچه بست ، در میان آتش ( نهاد ) ،

آنها را به پشت بست و از خانه آنها ، برای غولان ، بیرون شد .

abon : امروز . dær : نیز ، دوباره . cæri : فعل

مصارع سوم شخص مفرد از مصدر cærin : زیستن ، زندگی کردن . madæl .

tīmæ : حالت مفعول موصوع از madæltæ : اجداد ماری ، قس fidæltæ :



امروز، بار دیگر، اولنگ در خانه اش با اجداد مادریش زندگی می کند.

متن ۶

A. Christensen, *Textes ossète*, p. 38.

Mæljig æmæ c'irc'irag

Mæljig særdi yæxícæn xóllag æréfti-  
ag kódtá. C'irc'irag tá yæ fárs mæ c'æx k-  
ærdægil pær-pær kódtá. Īw xadt mæljig yæ  
xæjarmæ xór kū ærxásta, wæd il c'irc'irag  
æmbæld æmæ yæ færsi: "C' kúsis?" Mæljig  
juáp rádtá: "Mæxícæn zimæg mæ xóllag  
æmbird kænin." Wæd il c'irc'irag nixúdtis



cærin ængél de dæxícæn?" Yæxádæg nip-  
ær-pær kódtæ æmæ átæxtis.

Zimæg ærci-dīs; xálas kerdæji ær-  
bælvasta. C'irc'irag yæ ájal bámbærsta. Ær-  
c'idīs mæljigæ kúræg. Dwár bákosta. Mæl-  
jig yæ kærc báppærsta yæ wæxsē'itil æmæ  
yæm rácidīs. "Ægás cæwáy! ði dæ?" Æz  
dæ xó c'irc'irag; tabúafsi árdigæy wáljæg-  
mæ mæn isxæss." Mæljig in juáp rádtæ:  
"Dī mæ særdigkon limæn! Mænæy róx næ  
dæ. Nīr má mænæ mītil símgæ dær akæn."

Ærmæst in úci nixás záxta , æmæ dwár yæ  
fæstæ sáxgachta .

مور : mæljig . امور : æmæ . دور : c'irc'irag . حر حرک .

særdi : حالت مفعول فيه مفرد از særd : تابستان . yæxícæn : حالت

مفعول له ، ضمیر برگشتی ، سوم شخص مفرد : برای خودش . xollag : غذا ، آذوقه .

æraeftiag kodta : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از -æraeftiag kae

nin : گرد آوردن ، آذوقه . ta : اا . yæ : ضمیر ملکی ، سوم شخص مفرد :

مال او . farsmæ : حالت مفعول الیه مفرد از fars : جانب ، سوی .

c'æx : سبز . kærdægil : حالت مفعول علیه مفرد از kærdæg : گیاه .

pær-pær kodta : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از -pær-pær kae

nin : آواز خواندن . wā : یک . xadt : بار ، دفعه .

*xæjarmæ* : حالت مفعول الیه مفرد از *xæjar* : خانه . *xor* : نم .  
*kū* : هنگامی که . *ærxasta* : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از *ærxa* -  
*ssin* : بدن ، حل کردن . *wæd* : آن گاه . *i* : حالت مفعول علیه  
مفرد ، ضمیر متصل سوم شخص : براد . *æmbæld* : فعل گذشته سوم شخص مفرد لازم  
از *æmbælin* : برخورد کردن . *yæ* : حالت اضافی مفرد ، ضمیر متصل  
سوم شخص : آزاد . *færsi* : فعل مضارع سوم شخص مفرد از *færsin* : پرسیدن ،  
درخواست کردن . *ci* : چه ، که . *kūsis* : فعل مضارع دوم شخص مفرد از  
*kūsin* : کوشیدن ، کار کردن . *jūap radta* : فعل گذشته سوم مفرد  
متعدی از *jūap radædtin* : جواب دادن . *mæxicæn* : حالت  
مفعول له ، ضمیر رشتنی ، دوم شخص مفرد : برای خودم . *zimægma* : حالت مفعول الیه  
مفرد از *zimæg* : زمستان . *æmbird kænin* : فعل مضارع اول شخص مفرد  
از *æmbird kænin* : ابار کردن ، انداختن . *nixūdtis* : فعل



گذشته سوم شخص مفرد لازم از *nixūdin* : خندیدن ، مسخره کردن . *in* : حالت

مفعول له مفرد ، ضمیر متصل سوم شخص : برای او ، بر او . *zaxta* : فعل گذشته سوم شخص

مفرد متعدی از *zæjin* : گفتن . *ænæzond* : آدان . *dæ* :

فعل مضارع دوم شخص مفرد از *ūn* : بودن . *kædmæ* : چه قدر ، چه اندازه .

*cærin* : زیستن . *ængæl dæ* : فعل مضارع اول شخص مفرد از مصدر

*ængæl ūn* : اندیشیدن ، فکر کردن . *dæxicæn* : حالت مفعول له ،

ضمیر برگشتی ، دوم شخص مفرد : برای خودت . *yæxædæg* : حالت فاعلی مفرد ،

ضمیر برگشتی ، سوم شخص : او خود . *nipær-pær kodta* : فعل گذشته سوم شخص

مفرد متعدی از *pær-pær kænin = nipær-pær kænin*

*atæxtis* : فعل گذشته سوم شخص مفرد لازم از *atæxin* : پریدن .

*ærcidīs* : فعل گذشته سوم شخص مفرد لازم از *ærcæwin* : آمدن . *xalas* :

سرمه و خمبندان . *kærdæji* : حالت مفعول به مفرد از *kærdæg* : گیاه .



*ærbælvasta* : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از *ærbælvasin* :

خاموش کردن ، خفه کردن ، پوش زدن . *ajal* : اجل ، مرگ ، نابودی .

*bambarsta* : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از *bambarin* : احساس کردن .

*mæljigmæ* : حالت مفعول الیه مفرد از *mæljig* : مور . *kūræg* : صفت

از *kūrin* : طب کردن ، درخواست کردن . *dwar* : در . *baxosta* :

فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از مصدر *baxoyin* : دن . *kærc* : پوستین .

*bapparsta* : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از مصدر *bapparin* : اذختن .

*wæxsē:itil* : حالت مفعول علیه جمع از *wæxsk* : دوش . *yæm* :

حالت مفعول الیه مفرد ، ضمیر متصل سوم شخص : بر او ، برسوی او . *racidīs* : فعل

گذشته سوم شخص مفرد لازم از مصدر *racæwin* : رفتن . *ægas* : سالم ، آن دست .

*cæway* : فعل آینده الرأی دوم شخص مفرد از *cæwin* : شدن . *cā* : که ؟

*dæ* : ضمیر ملکی : مال تو . *æz* : من . *xo* : خواهر . *tabūafsi* :

لطفاً . ardigæy : از هم اکنون . waljægmae : حالت مفعول الیه  
 مفرد از waljæg : بار ، باران . mæn : حالت اضافی مفرد ، ضمیر اول شخص :  
 مال من . isxæss : فعل امر دوم شخص مفرد از isxæssin : گفت کردن .  
 di : حالت فاعلی مفرد ، ضمیر دوم شخص : تو . særdigkon : تابستانی .  
 limæn : دوست . mæ : ر . mænæy : حالت مفعول غیر مفرد  
 برای æz : من . rox dæ : فعل مضارع دوم شخص مفرد مجهول از - rox kæ  
 nin : فراموش کردن . næ : ز . nir : اکنون . ma : باز ،  
 بازیم . mænæ : اینک ، بان . mitil : حالت مفعول غیر مفرد از  
 mit : برف . simgæ akæn : فعل امر دوم شخص مفرد از - simgæ ak  
 æniñ : رقص کردن ، رقصیدن . dar : پس ، نیز ، دوباره . ærmæst :  
 فقط ، تنها . ūci : آن . nixas : گفتار . fæstæ : پشت .  
 sæxgadta : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از مصدر . sæxkæniñ : بستن .

## مور و جیرجیرک

موری در طول تابستان برای خودش آذوقه گردآوری می‌کرد. اما جیرجیرکی در کنار او بر گیاه سبزه آوازه خوانی می‌کرد. یکی از دفعه‌هایی که مور غله به خانه خود می‌برد، جیرجیرک به او برخورد کرده و آزادی پرسد: "چه می‌کنی؟" مور جواب داد: "برای زمستان خود آذوقه انباری کنم." آن‌گاه جیرجیرک بر او خندید و به او گفت: "چه نادانی هستی تو! چه اندازه زیستن برای خودت صورت می‌کنی؟" او خود آوازه خواند و پرید.

زمستان آمد؛ سرما و یخبندان بر گیاه سبزه فرو نشاند. جیرجیرک مرگ خود را احساس کرد. چون گدایی به نزد مور رفت. در زد. مور پوچستین خود را به دو شالیس انداخت و به سوی او رفت. "زنده بادی (لغته: شوادی) ، کجستی؟" "من خواهر تو جیرجیرک ؛ لطفاً از اکنون تا بجهان به من کمک کن." مور به او جواب داد: "تو دوست تابستانی من نیستی! فراموش شده‌ای. اکنون زیر برف رقص کن." فقط به او آن گفت و در بر او فرو بست.



کتاب اول ابتدائی دبستانهای جمهوری آرمی سال تحصیلی ۱-۱۹۵۷، ص ۱۷.

## Аргъау

— Абон скъоламае нæ цæу-  
ын, цый Бæсты Быдырмае ацæуд-  
зынæн æмæ мæ фаг фæхъазды-  
нæн, — загъта лæппу æмæ Быдыр-  
мае ацыд .

Ацыд, фæлæ уайтагъд иун-  
æгæй схъыг. Ауыдта Бæхы ~~æмæ~~  
Йæм дзуры :

— Бæх, о Бæх, цом æмæ иумæ



ахъазэм.

— Хъазынмæ мæ не 'вдæлы,

— дзуры Бæх, хуымгæнинаг мын ис,

мæхи афсадон. Цу æмæ иунаггæй

хъаз.

Ауыдта лæппу мыдыбындзы

æмæ йæм дзуры :

— О мыдыбындз ! Цом, иумæ

хъазэм.

— Мæн не 'вдæлы, мыд æмбы-

рд кæнын, — загъта мыдыбындз,

— Цу æмæ дæхæдæг хъаз.

Ацыд ләппу дарддәр. Дзуры

цъиумæ :

— О цъиу ! Рауай, мемæ ахъаз !

— Мæн хъазынмæ не 'вдæлы,

цу æмæ дæхæдæг хъаз .

Ләппу дәр кусгæ кæны, — ахъу—

ыды кодта ләппу æмæ уыцы-ну згъо—

рд акодта скъоламæ .

---

• абон : امروز . • аргъау : داستان .

• скъола : آموزشگاه . • скъоламæ : حالت مفول اليه مفرد از

• Цæуын : فعل مضارع اول شخص مفرد انفرادي . • Цæуын : ن . • Нæ

شدن . **уый** : ضمیر سوم شخص مفرد حالت اضافی ؛ حالت فاعلی نیز **уый** :

است . **бæсты** : در عوض ، به جای . **быдырмаæ** : حالت مفعول

ایه مفرد از **быдыр** : جنگل . **ацæудзынæн** : فعل آینده

اول شخص مفرد از مصدر **цæуын** : شدن + **а-** . **мæ** : ضمیر متصل ، اول

شخص مفرد ، حالت اضافی . **фаг** : بس ، کافی . **фæхъаздын** .

**æн** : فعل آینده اول شخص مفرد از مصدر **хъазын** + **фæ-** : بازی کردن .

**загъта** : فعل گذشته سوم شخص مفرد متعدی از مصدر **зæгъын** : گفتن .

**лæппу** : حالت فاعلی مفرد : **пæ** . **ацыд** : فعل گذشته سوم شخص

مفرد از مصدر **цæуын** + **а-** . **фæлæ** : پس ، آنگاه .

**уайтагъд** : آهسته ، آرام آرام . **иунæгъай** : تنها .

**схъыг** : دلنگ ، ناراحت . **ауыдта** : فعل گذشته سوم شخص

مفرد متعدی از مصدر **уынын** + **а-** : دیدن . **бæхы** : حالت



اضافی مفرد از  $\text{бæх}$  :  $\text{аб}$  .  $\text{Йæм}$  : ضمیر متصل سوم شخص مفرد ، حالت

مفعول الیه از برای  $\text{уый}$  :  $\text{او}$  .  $\text{Дзуры}$  : فعل مضارع سوم شخص مفرد از

مصدر  $\text{Дзурын}$  : گفتن .  $\text{O}$  : ای ، حرف ندا .  $\text{Цом}$  →

$\text{Цæуом}$  →  $\text{Цæуæм}$  : فعل مضارع اول شخص جمع از مصدر  $\text{Цæу}$  -

$\text{ын}$  : شدن .  $\text{иумæ}$  : با هم .  $\text{ахъазæм}$  : فعل مضارع

اول شخص جمع از مصدر  $\text{хъазын}$  : بازی کردن .  $\text{хъазынмæ}$  : حالت

مفعول الیه مفرد برای  $\text{хъазын}$  : بازی کردن .  $\text{не вдаæлы}$  : فعل

مضارع منفی سوم شخص مفرد از مصدر  $\text{æвдаæлын}$  : بودن وقت ذراعت ، وقت

و ذراعت داشتن .  $\text{хуымгæнинаг}$  : شخم زدن ، زراعت کردن .

$\text{мын}$  : برای من ، ضمیر متصل اول شخص مفرد ، حالت مفعول له از برای  $\text{æz}$  : من .

$\text{ис}$  : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر  $\text{уын}$  : بودن .  $\text{мæхи}$  : من نبود .

$\text{афсадон}$  : فعل گذشته برای اول شخص مفرد از مصدر  $\text{афсадын}$  : سیر کردن .



ичунæгæй : تنها . хъаз : فعل امر دوم شخص مفرد از مصدر - хъа

зын : بازی کردن . мыдыбындзы : حالت اضافی مفرد از

мыдыбындз : زنبور عسل . маен : ضمیر مفضل اول شخص مفرد ، حالت

اضافی برای æz . мыд : عسل . æмбырд : انبار ، توده ، جمع .

æмбырд кæнын : فعل مضارع اول شخص مفرد از مصدر æмбырд

кæнын : انبار کردن ، توده کردن . дæхæдæг : تو خود .

дарддæр : دورتر . цъиумæ : حالت مفعول الیه مفرد از цъиу :

рауай : فعل امر دوم شخص مفرد از مصدر рауайын : به سرعت

امن . мемæ : ضمیر متصل اول شخص مفرد ، حالت مفعول معه از برای æz .

дæр : پس . кусгæ кæны : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر

кусгæ кæнын : کوشش کردن ، رنج بردن . ахъуыды ко -

дта : فعل گذشته متعدی سوم شخص مفرد از مصدر ахъуыды кæнын :

فکر کردن ، اندیشیدن . уыцы - иу : بهان دم . згъорд

اکودتا : فعل گذشته نسوم شخص مفرد از مصدر . каэнын згъорд + а :

• دویدن

## داستان

”امروز به آموزشگاه نمی روم ، به جای آن به جنگل خواهیم شد و بس بازی خواهیم کرد .“ بچه ای (این) گفت و به جنگل شد . پس آرام آرام ، دلنگ و تنها شد .  
اسبی دید و به او گفت : ”اسب ، ای اسب ، (بیا) بشویم و باهم بازی کنیم .“  
اسب گفت : ”برای من وقت نیت بازی کردن (= وقت بازی کردن ندادم) ، برای من زراعت کردن است ، من خود را باید سیر کنم ، شو و تنها بازی کن .“  
آن بچه زبور عسل دید و او را گفت : ”ای زبور عسل ، (بیا) بشویم ، باهم بازی کنیم .“  
زبور عسل گفت : ”برای من وقت نیت ، من عسل ابار

می‌کنم ، شو و تو خود بازی کن . “ بچه دورتر شد و گفت به پرنده ای : ” ای پرنده ،  
تدبیرا ، با من بازی کن . “ ( پرنده گفت ) : ” برای من بازی کردن وقت  
نیست ، شو و تو خود بازی کن . “ پس آن بچه اندیشید : ” کوشش می‌کنم ؛  
همان دم به سوی آموزشگاه دوید .

متن ۸

کتاب اول ابتدائی دبستانهای جمهوری آرمی سال تحصیلی ۱۹۵۷-۸

ص ۱۸ .

Аргъау

Иухатт Бабаимæ хъæдмæ ацыдтæн.

Уый мæм дзуры :

—Æрцахс ма мын ну дæс мыды—

Бындзы .

—Цæмæн дæ хъæуынц ? — фæрс-

ын æй æз .

— Уый фæстæдæр фендзынæ , —

загъта баба .

---

Ицхатт : یک بار . Бабаимæ : حالت مفعول به

Баба : بابا . хъæдмæ : حالت مفعول به مفرد از مصدر : хъæд

ацыдтæн . جنگل ، بیشه . فعل گذشته اول شخص جمع از مصدر - а+цæ

уын : شدن . мæм : ضمیر متصل اول شخص مفرد ، حالت مفعول به

æз : من . дзуры : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر

дзурын : گفتن . æрцахс : فعل امر دوم شخص مفرد از مصدر

æрцахсын : گرفتن . хъæуынц : فعل مضارع سوم شخص جمع از



صدر : хъæуын : لازم بودن ، واجب بودن . фæрсын :

فعل مضارع اول شخص مفرد از مصدر : фæрсын : پرسیدن . - фæстæ

Дæр : بعداً . фендзынæ : فعل آینده دوم شخص جمع از مصدر

фенын : دیدن .

## داستان

یک بار همراه بابا بابا به جنگل شدم . او به من گفت : ” گمیر کئی از

ده زنبور غسل مرا . ” ” به چه درد تو می خورد ؟ ” من از او پرسیدم . بابا

گفت : ” آن را بعداً خواهید دید . ”

## متن ۹

کتاب اول ابتدائی دبستانهای جمهوری آرمی سال تحصیلی ۱-۱۹۵۷ ، ص ۲۶ .

Зæронд Лæг æмæ йæ фырттæ .

Иу Зæронд лæгæн уыди фырттæ. фыр-  
ттæ кæрæдзимæ нæ уыди.

Уæд зæронд лæг æрбахæссын кодта  
уисой æмæ загъта фырттæн :

— Асæттут æй !

Фырттæ уисой нæ сæттой .

Уæд сæм зæронд лæг дзуры :

— Райхалут уисой , æмæ йæ асæттут .

Фырттæ райхалут уисойы баст æмæ  
сæ сæттой .

Уæд сын фыд загъта :

— Сымах цард афтæ у .

зæронд : پیر . Лæг . مرد ، انسان . æмæ . و . йæ :

مال او ، ضمیر متصل سوم شخص مفرد حالت اضافی . фырттæ : حالت فاعلی جمع از برای фырт :

پیر ، پور . Лæгæн : حالت مفعول له مفرد از برای Лæг : مرد ، انسان . уыди :

فعل گذشته سوم شخص جمع از مصدر . уын : بودن . Кæрæдзимæ : حالت مفعول معه

مفرد از برای Кæрæдзи : بگذر . æрбахæссын кодта : فعل گذشته سوم

شخص مفرد متعدی از مصدر . Кæнын — : بدست آوردن ، جمع کردن . уисой : جادو .

фырттæн : حالت مفعول له جمع از фырт . асæттут : فعل امر دوم شخص

جمع از مصدر . а- + сæттын : شکن . сæттой : فعل گذشته سوم شخص جمع

از مصدر . сæттын : شکن . райхалут : فعل امر دوم شخص جمع از مصدر

райхалын : جدا کردن ، از هم باز کردن . Баст : بسته ،

دسته . сæ : ضمیر متصل سوم شخص جمع ، حالت اضافی . сын : ضمیر متصل سوم شخص جمع

حالت مفعول له : برای آنها . цард : زندگی . афтæ : آن چنان .

## پیرمدی و پسرانش

پیرمدی را پسرانی بودند. پسران با هم دگر (متحد) نبودند. پس پیرمدی چاروئی بدست

آورد و به پسران گفت: "این را بشکنید!" پسران چارو را نشکند. پس پیرمدی به پسران

گفت: "چارو را از هم بازکنید، و آن را (یک یک) بشکنید." پسران دست چارو را

از هم جدا کردند و آن را شکند. پس پسران گفت: "زندگی شما آن چنان است."

متن ۱۰

کتاب اول ابتدائی دبستانهای جمهوری آکسی سال تحصیلی ۱-۱۳۵۷، ص ۵.

Нæ кълас.

Абон у ахуыры фыццад бон.

Сергей æрбацыди скъолайæ æмæ

цингæнгæ лзуры:

— Нæ кълас у стыр æмæ рухс.



Нæ къласы партæтæ сты æртæ  
 рæнхъæй . Нæ партæтæ сты ног æмæ ай—  
 Дæнау æрттивынц .

Нæ : مال . кълас : کلاس . абон : امروز .

у : فعل مضارع سوم شخص مفرد از مصدر . уын : بودن . ахуыры : حالت اضافی

مفرد از . ахуыр : درس . фыццад : اول ، صفت از برای . бон

бон : روز . Сергей : نام خاص . æрбацыди : فعل مضارع

سوم شخص مفرد از مصدر . цауын : شدن + — æрба . скъолайæ

حالت مفعول و مفرد از . скъола : درس . цингæнгæ : قید است

به معنی « با خوشحالی » ، باشادی . дзуры : فعل مضارع سوم شخص مفرد از

مصدر . дзурын : گفتن . стыр : حالت فاعلی مفرد : ترگ .

рухс : حالت فاعلی مفرد : روشن . партаета : حالت فاعلی جمع

партæ : میز و نیمکت . сты : فعل مضارع سوم شخص جمع از مصدر : уын :

بودن . æрта : سه . рæнхъæй : حالت مفعول الیه مفرد از

рæнхъ : ردیف ، صف . ног : نو . айдæнау : آئینه دار ،

حال مفرد از айдæн : آئینه . æрттивынц : فعل مضارع سوم شخص

جمع از مصدر æрттивын : درخشیدن .

### کلاس ما

امروز روز اول درس است . سرگی از درسی آید وی گوید :

”کلاس ما بزرگ و روشن است ، میز و نیمکت های کلاس ما از سه ردیف اند  
(یعنی = میز و نیمکت های در سه ردیف در کلاس گذاشته شده اند) ، میز و نیمکت های

ما نو اند و آئینه داریم درخشند .

پاره ای اصطلاحات

آغازی

НАЧИНАТЕЛЬНАЯ / ИНХОАТИВНАЯ ОСНОВА : ماده آغازی :

اضافی

РОДИТЕЛЬНЫЙ ПАДЕЖ : حالت اضافی :

پای دار

УСТОЙЧИВЫЙ ГЛАСНЫЙ : مصوت پای دار :

چاکانی شده

СМЫЧНО-ГОРТАННЫЙ СОГЛАСНЫЙ : صامت چاکانی شده :

حال

УПОДОБИТЕЛЬНЫЙ ПАДЕЖ : حال (حالت نهم) :

فاعلی

ИМЕНИТЕЛЬНЫЙ ПАДЕЖ

حالت فاعلي :

مفعول اليه

НАПРАВИТЕЛЬНЫЙ ПАДЕЖ

حالت مفعول اليه :

مفعول عليه

МЕСТНЫЙ ВНЕШНИЙ ПАДЕЖ

حالت مفعول عليه :

مفعول عنه

ОТЛОЖИТЕЛЬНЫЙ ПАДЕЖ

حالت مفعول عنه :

مفعول فيه

МЕСТНЫЙ ВНУТРЕННИЙ ПАДЕЖ

حالت مفعول فيه :

مفعول له

ДАТЕЛЬНЫЙ ПАДЕЖ

حالت مفعول له :

مفعول معه



СОВМЕСТНЫЙ ПАДЕЖ

حالت مفعول :

ناپای دار

НЕУСТОЙЧИВЫЙ ГЛАСНЫ

مصوت ناپای دار :

فهرست منابع در اینها

- 1 - В.И. АБАЕВ, РУССКО-ОСЕТИНСКИЙ СЛОВАРЬ, МОСКВА, 1950.
- 2 - В.И. АБАЕВ, ИСТОРИКО-ЭТИМОЛОГИЧЕСКИЙ СЛОВАРЬ ОСЕТИНСКОГО ЯЗЫКА, I, М.-Л., 1958.
- 3 - V. I. Abaev, *A Grammatical Sketch of Ossetic*, The Hague, 1964.
- 4 - Air. Wb. = Christian Bartholomae, *Altiranisches Wörterbuch*, Strasbourg, 1904.
- 5 - *Asia Major*, New Series, Vol. V,

Part I.

6\_ AV = E.W. West, *Arda - Viraf Namak*.

7\_ Т. ВАЛАЕВ, АНТОЛОГИЯ ОСЕТИНСКОЙ  
ПОЭЗИИ, МОСКВА, 1960.

8\_ BBV = W.B. Henning, *Ein manichäisches Bet- und Beichtbuch*, APAW, 1936.

9\_ Benveniste = E. Benvenist, *Études sur la langue ossète*, Paris, 1959.

10\_ Б.Б. БИГУЛАЕВ, ОСЕТИНСКО-РУССКИЙ СЛОВАРЬ, ОРДЖОНИКИДЗЕ, 1962.

11\_ Boyce = Mary Boyce, *The Man-*

*ichæan Hymn-Cycles in Parthian, London,*  
1954.

12 - BSOAS = *Bulletin of the School*  
*of Oriental and African Studies.*

13 - BTS = *Textes sogdiens, édités,*  
*traduits et commentés par E. Benveni-*  
*ste, Paris, 1940.*

14 - ФРЕЙМАН = А. А. ФРЕЙМАН, ХОРЕ-  
ЗМИЙСКИЙ ЯЗЫК, М. - Л., 1951.

15 - С. П. ТОЛСТОВ, НАРОДЫ КАВКА-  
ЗА, I, МОСКВА, 1960.

16 - Ghilain = A. Ghilain, *Essai sur*



la langue parthe, Louvain, 1939.

17\_ GAV = E.W. West and M. Haug,

A Glassary of the Pahlavi Texts of the  
book of Ardai-Virāf... , London, 1874.

18\_ GMS = I. Gershevitch, A Gram-  
mar of Manichean Sogdian, Oxford, 1961.

19\_ Gr. I = R. Gauthiot, Essai de gra-  
mmaire sogdienne, première partie, Paris,  
1914 - 1923.

20\_ Gr. II = E. Benveniste, Essai de  
grammaire sogdienne, deuxième partie,  
Paris, 1929.

21 - GPV = D. D. Kapadia, *Glossary of Pahlavi Vendidad*, Bombay, 1953.

22 - Henning Khwar. = W. B. Henning, *The Khwarezmian Language*, Zeki Velidi Togan'a armagan, Istanbul, 1955.

23 - Iranistik = *Handbuch der Orientalistik*, I. Abt. 4. Bd., *Iranistik*, I. Abschnitt., *Linguistik*, Leiden - Köln, 1958.

24 - Jackson = A. V. W. Jackson, *Avesta Grammar in Comparison with Sanskrit*, Stuttgart, 1892.

25 - Kent = R. G. Kent, *Old Persian*

*Grammar, Texts, Lexicon, New Haven, Connecticut, 1950.*

26 - Konow = Sten Konow, *Primer of Khotanese Saka, Oslo, 1949.*

27 - Konow M = Sten Konow, *A Medical Text in Khotanese, Oslo, 1941.*

28 - Mahr. = F.W.K. Müller, *Mahrn-āmag, Berlin, 1913.*

29 - Manual = H.S. Nyberg, *A Manual of Pahlavi, Part I, Texts, Wiesbaden, 1964.*

30 - В. МИЛЛЕР, ЯЗЫК ОСЕТИН, М.-Л.,

1962.

31. *Mir. Man.* = F. C. Andreas and  
W. B. Henning, *Mitteliranische Manichaica  
aus Chinesisch-Turkestan I* sb. PAW 1932  
x 175-222 ; II sb. PAW 1933 VII 294-363 ;  
III sb. PAW 1934 XXVII 848-912 .

32 \_ Müller II = F. W. K. Müller, *Hand-  
schriften - Reste in Estrangelo - Schrift  
aus Turfan, II Teil*, Berlin, 1904.

33 \_ И. М. ОРАНСКИЙ, *ИРАНСКИЕ ЯЗЫ-  
КИ*, МОСКВА, 1963 .

34 \_ PT = *Jamasp - Asana, Pahlavi*



*Texts.*

35 - PUV = B.N. Dhabhar, *Pahlavi Yasna and Visperat*, Bombay, 1950.

36 - В.С. РАСТОРГУЕВА, ОЧЕРКИ ПО ИСТОРИИ ИЗУЧЕНИЯ ИРАНСКИХ ЯЗЫКОВ, МОСКВА, 1962.

37 - G. Redard (editor), *Indo-Iranica*, Wiesbaden, 1964.

38 - Salemann = C. Salemann, *Manichaeische Studien*, St. Pétersbourg, 1908.

39 - SDM I = A. A. ФРЕЙМАН СОГ-

ДИЙСКИЕ ДОКУМЕНТЫ С ГОРЫ МУГ, I,  
МОСКВА, 1962.

40 - SDM II = В.А. ЛИВШИЦ, СОГ-  
ДИЙСКИЕ ДОКУМЕНТЫ С ГОРЫ МУГ, II,  
МОСКВА, 1962.

41 - SDM III = М.Н. БОГОЛЮБОВ,  
СОГДИЙСКИЕ ДОКУМЕНТЫ С ГОРЫ МУГ,  
МОСКВА, 1963.

42 - *Sogdica* = W.B. Henning, *Sog-  
dica*, London, 1940.

43 - *Sokolova II* = В.С. СОКОЛОВА,  
ОЧЕРКИ ПО ФОНЕТИКЕ ИРАНСКИХ ЯЗЫКОВ,

II, М.-Л., 1953.

44 — A. Christensen, *Textes ossètes*, København, 1921.

45 — Verbum = W. B. Henning, *Das Verbum des Mittelpersischen der Turfanfragment*, Z 11, 9 (1933) 158-253.

46 — YF = E. W. West, *Yōšt i Fryan*.

47 — YNS = М. Н. БОГОЛЮБОВ, ЯЗЫКИ НАРОДОВ СССР, I, МОСКВА, 1966.

48 — УТ = М. С. АНДРЕЕВ, ЯГНОБСКИЕ ТЕКСТЫ, М.-Л., 1957.

49 — A. A. Macdonell, *A Practical*

Sanskrit Dictionary, Oxford, 1954-8.

۵۰ - مقدمہ = ترجمہ مقدمہ الادب بالحوارزنیۃ للعلامہ محمود بن عمر

الزنجشیری ، چاپ استانبول ، ۱۹۵۱ .



فہرست وارثہ ما

۱۵ - فارسی نو

۲۳/۴۰	ابرو	۶۹	آتش
۱۱۳	ایشه	۶۹	آدر
۳۹	اسپاء	۶۹	آذر
۹۸	استای-	۸۰	آراستن
۹۸	استودن	۸۰	آرای-
۲۹	اران	۷۷	آگاه
۸۰	افراختن	۹۹	آلای-
۸۰	افراز-	۹۹	آلودن
۸۰	افراشتن	۴۳/۹۴	آمدان
۲۳	اکنون	۴۳/۹۴	آمای-
۲۹	الان	۴۳/۹۴	آمودن
۳۴	انبوئیدن	۹۱	آهختن
۸۶	انداختن	۹۱	آهنج-
۸۶	انداز-	۶۱	آهنجیدن
۵۷	انیران	۹۱	آهیختن
۸۸	ایست-	۱۱۵	آور-
۸۸	ایستادن	۴	آهو
۴۸	باد	۴۷/۵۵	آئینه

۸۱	بیختن <sup>۲</sup>	۳۰	باریدن
۸۱	بیز - <sup>۱</sup>	۱۰	بازار
۸۱	بیز - <sup>۲</sup>	۳۴	بازو
۸۹	بین-	۳۴	بالش
۳۳	بیور	۷۶	بالیدن
۳۹	پار، پارین، پارینه	۷۱	بخت
۱۸ و ۳۸ / ۴۷	پا(ی)	۷۱	بختیشوع
۲۲ / ۳۶	پد(ر)	۹۲	بر-
۶۳	پر	۴۱	برادر
۹۰	پرس-	۳۳	برز
۹۰	پرسیدن	۹۲	بریدن
۲۴ / ۳۶ / ۶۸	پس	۲۳ / ۴۰	برو
۲۴ / ۳۶ / ۶۸	پسر	۱۰۵	بست
۵۳	پشم	۳۳	بستن
۳۷ / ۶۲	پنج	۳۳	بش
۲۴ / ۳۶ / ۶۸	پور	۳۴	بلند
۹۷	پوسیدن	۲۴	بن
۳۷	پی و پی	۳۳	بند-
۱۰	پیغامبر	۳۲	بو(ی)
۱۰	پیل	۱۱۲	بوستان
۴۲	تاب-	۲۴	بون
۸۵	تاختن	۸۱	بیختن <sup>۱</sup>

۵۶/۶۹	چرخ	۸۵	تاز-
۵۸	چرم	۴۲	تافتن
۵۸/۷۷	چریدن	۳۷	تبر
۶۰	چسپیدن	۹۰	توس-
۶۰	چسپیدن	۱۰۰	ترسا
۵۳/۵۹	چش	۵۰ و ۹۰	ترسیدن
۵۳/۵۹	چشم	۴۲	تفتن
۶۰	چفسیدن	۸۹	تفس-
۶۰	چکاد	۸۹	تفسیدن
۵۳/۵۹	چمش	۸۴	توختن
۳۵	چهار	۸۴	توز-
۷۱	چهاربخت	۸۴	توزیدن
۱۱۰	چهارم	۶۵	تیغ
۶۰/۶۹	چهر	۶۰/۷۰	تیر
۶۴	خایه	۶۵	تیز
۸۱	خاستن	۶۵	تیغ
۹۲	خر-	۳۲	جو
۶۴	خر	۵۹	چاکر
۵۲/۶۷	خرس	۶۰	چالاک
۷۳	خرم	۵۸	چاه
۷۲	خره	۷۷	چر-
۹۲	خریدن	۴۲/۵۹	چرب



۷۳	در-	۱۹	خسب-
۷۳	دریدن	۱۹	خسپیدن
۴۹/۷۱	دغد	۶۱	خشت
۵۴	دل	۲۷/۷۱	خشین
۴۶	دم	۷۲	خوار
۲۵/۴۶	دم	۷۲	خواهر
۴۴/۴۹	دندان	۲۸/۶۴	خود
۱۱	دنه	۷۲	خوردن
۷۵	دوخت	۷۲	خوره
۸۳	دوختن	۲۶	خوی
۸۳	دوش-	۲۶	خوید
۸۸	دم-	۸۱	خیز-
۲۰/۴۴	ده	۸۱	خیزیدن
۸۹	دیند	۲۶	خیس
۴۴	دیر	۸۸	دادن
۱۸/۵۲	راست	۴۵	دار-
۶۲	روزن	۴۵	داشتن
۲۸/۵۶	روشن	۴۵	- دان
۹۷	ری-	۱۰۰	دانا
۸۰	ریختن	۲۴/۴۵/۴۹/۷۱	دخت
۹۷	ریدن	۲۴/۴۵/۴۹/۷۱	دختر
۸۰	ریز-	۳۱/۴۵	در

۲۰	سر	۸۲	ریش -
۲۵/۵۱/۷۰	سرخ	۸۲	ریشیدن
۷۴	سوخت	۱۰۲	زاده
۶۲/۸۳	سوختن	۱۰۴	زار -
۱۰	سوداگر	۴۱	زبان
۶۲/۷۴/۸۳	سوز -	۱۰۵	زد
۶۸	سه	۹۸	زدای -
۴۱	شب	۹۸	زدودن
۵۱	شبان	۵۴	زرمان
۲۲/۵۱	شپش	۱۰۹	زرین
۵۹	شدن	۱۰۹	زریون
۱۰	شکر	۴۱	زفان
۹۶	شنا	۱۰	زندان
۲۰/۷۰	شیر	۴۱	زوان
۱۱	صابوته	۱۱۱	زهدان
۷۱	صهاربخت	۸۶	ساختن
۹۵	فرمای -	۸۶	ساز -
۹۵	فرمودن	۲۲/۵۱	سبش
۷۲	فر(ه)	۳۹	سپاه
۷۶	کارد	۹۸	ستای -
۹۶	کام	۹۸	ستودن
۷۳/۹۳	کردن	۲۳/۵۱	سترگ

۱۶/۲۸/۵۳/۶۶	گوش	۱۹/۶۴	کرك
۲۸	گو	۶۰	كر كس
۱۷/۴۹	مادر	۴۳/۶۸	كرم
۴۹/۶۷	مرد	۶۳/۷۳/۹۳	كن-
۶۲	مرگ	۲۳	كنون
۲۱	مزد	۸۵	كوش-
۴۳/۴۷	می	۸۵	كوشیدن
۸۲	میختن	۲۰	کی
۸۲	میز-	۲۶	کین
۸۲	میزیدن	۲۶	کینه
۲۶/۴۳/۶۵	میغ	۲۸	گاو
۱۱۳	نادان	۵۰/۷۸	گذر-
۲۹	نام	۵۰/۷۸	گذردن
۲۲	نېشتن	۵۰/۷۸	گذشتن
۲۲	نېشتن	۷۶	گزرش
۱۰	نشان	۱۹/۵۶	گرم
۱۱۷	نشست	۹۴	گرو
۷۷	نگاه	۹۴	گروستن
۹۵	نمای-	۹۴	گرویدن
۱۰	نمد	۷۶	گریستن
۹۵	نمودن	۷۶	کله
۳۱/۵۵	نو	۱۰۰	گندا

۱۹/۴۲	هفت	۲۲	نوشتن
۱۱۴	هم -	۲۳	نون
۱۱۵	همراز	۸۵	نیوش -
۲۵	ی (تکره)	۸۵	نیوشیدن
۷۹	یاب -	۴۸	واد
۷۹	یافتن	۵۷	هر
۲۶/۶۵	بخ	۱۸/۵۲	هشت
۲۵	یک		



wīj- 8.  
wīȝd 80/81  
wīrīȝ 101  
wīrīȝsag 101  
xær- 77  
xæræg 94  
xærīn 72/101  
xærīnag 101  
xæzna 10  
xīd 26/65/130  
xīd kænīn 103  
xīzæn 104  
xīz- 81  
xīzīn 104  
xīst 81  
xor 72  
xord 74  
xordon 111  
xsīr 20/70

xūd 28/64  
xūdīn 101  
xūdīnag 101  
xūss- 89  
xūssgæ 106  
xūssid 89  
xūssīn 106  
yaw 32  
yæw 31  
zad 95  
zay- 95  
zænæg 112  
zærdæ 82  
zæronð 84  
zīmæg 104  
zīmægon 104  
zīndon 10

sækær 10  
sær 20  
sættin 100  
sívd- 83  
sìmax 17/125  
sìrx24/51/70/125  
sìrxdær- 129  
sìst 22/51  
sìzqærin- 107  
st- 87  
stad- 87  
staw- 97  
stid 97  
stir 23/51/107  
stirad 107  
stirdær 110  
-ston- 111  
sūg- 25/93  
sūj- 83  
sūjæ 109  
sūjin 99/109/129  
-t 105  
-t(æ) 121  
ta7d 75/85  
taj- 85  
tard 78  
tarsin 50  
tarst 89  
tavin 128  
tarst 89

tæfsin 128  
tæfst 89  
tæj- 75  
tæjin 103  
tæjinæg 103  
-tær 110/129  
tær- 78  
tærin 50/100  
tærs- 89  
tærsag 100  
tærsin 50/100  
tævın 91  
tæwæræg 10  
tī7 95  
tj7d 91  
tjlgæ 109  
tjlin 109  
tjinj 91  
tjinjin 91  
tix 112  
iixt 83  
tūx- 84  
ūrn- 93  
ūrnıdt 93  
ūrs 28/52/129  
ūrst/dær 129  
wad 48  
warın 30/72  
wæ 30  
wī7 81

mæljn- 127  
mæn 55/122  
mæstjln 109  
mī7 26/43/65  
mīz- 82  
mīd 43/47  
mīst 82  
mīzd 21  
nad- 96  
namūs- 11  
nay- 96  
nīz- 26  
nī- 116  
nīccid 117  
nīmad 95  
nīmay- 95  
nīmæt- 19  
nīr 23  
nīsan- 10  
nog- 31/55  
nom 29  
-on 104  
payda 11  
pæxumpar-10  
pīl10  
qarm- 19/56  
qawga- 11  
qæd 108  
qædīn 108  
qærz- 75

qært 75  
qīs 108  
qīsīn 108  
qūg- 27  
qūs- 16/21/52/66  
qūs- 82  
qūst- 82  
ra- 115  
racīd 115  
rast 17/53/108  
razi 11  
ræ- 118  
ræcīd 118  
ræstjīnad 108  
ræs- 82  
rīzīn- 54  
rīst- 82  
roxfækænīn 130  
rūjīng- 62  
rūxs- 28/58  
sabīr 107  
sabīrad 107  
saʔd- 86  
saj- 86  
sastag- 100  
saw- 126  
sawdæjær- 10  
sawdær 126  
sawd r- 102  
sawdærdær 102

fīn ⅴⅴ  
fīnk ⅴⅴ  
fīrt ⅴⅴ/ⅴⅴ/ⅴⅴ/ⅴⅴ  
fīs ⅴ.  
fīss- ⅴⅴ  
fīssīnag ⅴ.ⅴ  
fīssīn ⅴⅴ/ⅴ.ⅴ  
fīst ⅴⅴ/ⅴ.ⅴ  
fonj ⅴⅴ/ⅴⅴ  
galīw ⅴ.ⅴ  
galīwæg ⅴ.ⅴ  
-gæ ⅴ.ⅴ  
gwiṛīn ⅴⅴⅴ  
-īn ⅴ.ⅴ  
Ir ⅴ/ⅴ.ⅴ  
Iriṣton ⅴ/ⅴⅴⅴ  
Iron ⅴ.ⅴ  
īw ⅴⅴ  
īx ⅴⅴ/ⅴⅴ  
-īn ⅴ.ⅴ/ⅴ.ⅴ  
(ī)s- ⅴⅴⅴ/ⅴⅴⅴ  
īscīd ⅴⅴⅴ  
-jīn ⅴ.ⅴ  
-jīnad ⅴ.ⅴ  
jænæt ⅴⅴ  
-jīn ⅴ.ⅴ  
kalm ⅴⅴ/ⅴⅴ  
kark ⅴⅴ/ⅴⅴ/ⅴⅴ/ⅴⅴ  
karst ⅴⅴ  
kast ⅴⅴ

kæd ⅴ.  
kæn- ⅴⅴ  
kænīn ⅴⅴ/ⅴⅴ/ⅴⅴⅴ/ⅴⅴ.  
kærd- ⅴⅴ  
kærdæn ⅴ.ⅴ  
kærdīn ⅴ.ⅴ  
kærkdōn ⅴⅴⅴ  
kæs- ⅴⅴ  
kæsīn ⅴ.ⅴ  
kond ⅴⅴ  
kūs- ⅴⅴ  
kūsæg- ⅴ.ⅴ  
kūsgækænīn ⅴⅴⅴ  
kūsīn ⅴ.ⅴ  
kūst ⅴⅴ  
k'īw ⅴ  
k omsī ⅴ  
k'ūdi ⅴ  
læværd ⅴⅴ  
līd ⅴⅴ  
līj- ⅴ.  
līy- ⅴⅴ  
līyḍ ⅴ.  
mad ⅴⅴ/ⅴⅴ  
majal ⅴⅴ  
mard ⅴⅴ/ⅴⅴ/ⅴ.ⅴ  
marg ⅴⅴ  
mast ⅴ.ⅴ  
marīn ⅴⅴⅴ  
max ⅴⅴ/ⅴⅴⅴ



carv 42/59  
casm 53/59  
cægat 9.  
cær- 77/1.7  
cærdæg 9. / 1.7  
cæfsin 59  
cærgæs 9.  
cærin 58/1.7/1.5/1.7  
cæwin 58/179  
cird 4.  
cippar 35  
cippærem 1.9  
cir7 22/9. / 7.  
cirt- 9. / 99  
c'ilibi 9  
c'inda 9  
c'indi 9  
c'irin 99  
-d 1.5  
dard 44  
dary 44  
darin 45  
dasin 49  
davın 4.  
daw- 98  
dawd 98  
dædd- 88  
dændag 44/49  
-dær 11. / 125  
dæræn 73

dæs 19/44  
dæsæm 1.9  
dæw 31/49  
di 124  
di7d 23/44/49/7.1/74/75/83  
dikag 1.1  
dimæg 25/45  
dimgæ 49/1.9  
dimin 1.9  
diz7win 45  
don 3.  
-don 45/111  
dūc- 74/83  
dwar 45/31  
fad 18/38/47  
farn 77  
faron 38  
farst 9.  
fæ- 117  
fæd 37  
fælæ 38/57  
fældisın 38  
fænjæm 1.9  
færæt 37/48  
færs- 9.  
fæsm 53  
fæxasta 117  
fiw 37  
fiçcag 1.1  
fid 21/39

ælvæd 92  
ælvæn- 92  
-æm 109  
æm- 114  
æmbærzin 20  
æmbið 97  
æmbly 97  
æmbūðin 22  
æmjærin 107  
æmkūsæg 114  
-æn 103  
æn- 114  
ænæ- 112  
ænæzænæg 112  
ændalʹd 89  
ændaj- 89  
ær- 116  
ærba- 116  
ærbacið 116  
ærcið 116  
ærfiḡ 22/20  
ærtæ 98  
ærtikkag 101  
ærvad 20  
ævdīs- 82  
ævdīsīn 22/27  
ævdīst 82  
ævzag 21  
æxsæv 21  
æxslīn 26/21

æyyaf- 79  
æyyæft 79  
æz 20/22  
ba- 96  
baba 116  
bacið 116  
bailwkænin 102  
barc 22  
bast 105  
baz 22  
bazar 10  
bazīḡ 22  
bæddin 22  
bæʹnæg 95  
bærzond 22/126  
bærzonddær 126  
bærzonddærdær 126  
bæxdon 111  
bīræ 22  
biʹdæg 71  
bīn 22  
bon 29/22  
būd 22  
cad 58  
caʹar 59  
calx 59/69  
car 112  
car- 87  
card 77/87  
carm 58

۱۴- ایرونی

a- ۱۱۵	arīn ۱۲۷
acīd ۱۱۵	arm ۴۳
-ad ۱۰۷	ars ۵۲/۶۷
-ag ۱۰۰	art ۶۸
agay- ۹۶	ast ۱۸/۵۱
agayd ۹۶	avd ۱۹/۴۲
arūd ۴۷	avdīs- ۸۲
alv ۵۷/۶۹	awærd- ۷۶
alī ۵۷	awærst ۷۶
allon ۲۹	aydæn ۴۷/۵۵
amad ۹۴	ayk ۶۲
amay- ۹۴	æ- ۱۱۲
amayīn ۴۳	æcægad ۱۰۷
araw- ۹۱	æcægjīnad ۱۰۸
araz- ۷۹	æd- ۱۱۳
arazīn ۱۲۷/۱۲۹	ædbæx ۱۱۴
aræzīn ۱۲۷	ædīx ۱۱۲
aræzt ۷۹	ædzond ۱۱۴
aræztcæwin ۱۲۹	æfsad ۳۹
arc ۶۱	æfsīn ۲۷
arf ۱۰۷	-æg ۱۰۲
arfad ۱۰۷	æjar ۱۱۲
arryonaq ۹	ælvīd ۹۲
arīd ۹۸	ælvīn- ۹۲

sog ʔʌ/ʧʔ	teʔæʧʧ
soj- ʌʔ	tox- ʌʔ
sojun ʧʔ	tuxæ 11ʔ
-ston 111	tuxt ʌʔ
stur ʧ1	-un 1.ʔ
sturdær 11.	wad ʔʌ
suʔd ʌʔ	warun ʔ.
auʔzærinæ 1.ʧ	wæ ʔ.
sumax ʧ/1ʔʧ	wej- ʌ.
surx ʔʔ/ʧ1/ʧ.	wiʔd ʌ1
-t 1.ʧ	xæræg ʧʔ
-t (æ) 1ʔ1	xed ʔʧ/ʧʧ
taʔd ʌʧ	xez- ʌ1
taj- ʌʧ	xist ʌ1
tard ʧʌ	xodæ ʔʌ/ʧʔ
tarst ʧ.	xwar ʧʔ
tær- ʧʌ	xwær-ʧʧ
-tær 11.0/1ʔʧ	xwæræʧʔ
tærs- ʌʧ	xwærun ʧʔ
tærsagæ 1.0.	zad ʧʧ
tærsun ʧ.0/1.0.	zay- ʧʧ
tærun ʧ.	zærd ʧʔ
tævun ʔʔ	zæronð ʧʔ



kæn- 93  
kænun 93/73  
kærd- 79  
kæs- 77  
kæsun 105  
kind 93  
kīnæ 29  
kond 93  
kos- 85  
kosæg 102  
kost 85  
kosun 102  
k'ewæ 9  
k'ovsi 9  
k'udi 9  
lægæ 119  
lævard 88  
lej- 80  
liʔd 80  
līd 97  
līy- 97  
madæ 19/49  
mard 49/97  
marg 92  
mast 109  
max 17/123  
mæn 55/122  
mæstgun 109  
meʔæ 29/45/95  
mez- 82

mist 82  
mizd 21  
mud 42/47  
næwæg 31/55  
nez 29  
ni- 119  
nimad 95  
nimay- 95  
nimæd 10  
nisan 10  
nom 29  
nur 23  
-on 104  
ors 28/52  
paxompar- 10  
pil 10  
ra- 115  
rast 17/52  
razi 11  
ræ- 118  
res- 82  
rezun 54  
rist 82  
rox 28/59  
sabur 107  
saburad 107  
sayd 89  
saj- 89  
sær 20  
sistæ 22/51

doc- 13  
'duvd 15/13  
°duvd13/14/19/11  
dumæg 15/15  
dumæg 19/10  
dumun. 10  
duzʎun 15  
dwar 11  
ew 15  
ex 19/15  
fad 11/14  
fal 11/15  
fans 13  
farzæ 11  
farnzæ 11  
farst 9  
fæ- 11  
fældesun 11  
færs- 9  
few 11  
fidæ 11/19  
finkæ 11  
fins 9  
finst 9  
finsun 11  
fonj 11/19  
fun 11  
furt 11/19/11  
fus 15  
-gæ 10

-gun 10  
ʎar 15  
ʎarm 19  
ʎædæ 10  
ʎædin 10  
ʎærz- 15  
ʎærzt 15  
ʎos 19/11/15/19  
ʎog 11  
i 11  
idæwuñ 11  
iʎos- 11  
iʎost 11  
-in 10  
-inæ 10  
Iriston 11  
(i)s- 11  
ist- 11  
istad 11  
itiʎd 9  
itinj- 9  
itinjun 9  
iwarun 11  
-jin 10  
-jinadæ 10  
kalm 11/19  
kark 15/19/19/19  
karst 11  
kast 11  
kæd 10

ændaj- 19  
ær- 119  
ærba- 119  
ærfug 22/4.  
ærvad 4.  
æstur 22  
ævdes- 12  
ævdesun 42/47  
ævdist 12  
æxsævæ 41  
æxsīn 27  
æxsīnæ 29  
æxsir 20/7.  
æyyaf 79  
æyyaft 79  
æz 20/54  
ba- 119  
badun 107  
barcæ 33  
bazug 34  
bæddun 33  
beræ32  
bewræ 32  
bodæ 32  
bu7dæg 71  
bun 24  
cadæ 51  
calx 59/99  
cans 53/59  
car- 17

1card 17  
2card 77  
carm 51  
cæfsun 59  
cær- 77  
cærun 51/105  
cæwun 51  
cir7 22/90/70.  
cirt 90/99  
cuppar 35  
c'erun 99  
c'ilobi 9  
c'inda 9  
c'indi 9  
-d 105  
dary 44  
darun 45  
dasun 49  
davun 40  
daw- 91  
dawd 91  
dædd- 111  
dændag 44/49  
-dær 110  
dæs 19  
dæw 31  
digor 4/104  
digoron 104  
-donæ 45/111  
du 124

۱۳- دیکتوری

a- 110	aydænæ ۴۷/۵۵
-adæ 1۰۷	aykæ ۶۴
agay- ۹۶	æ- 11۲
agayd ۹۶	æd- 11۳
-agæ 1۰۰	æduæ 11۲
ayodæ ۴۷	æfsad ۳۹
alʔ ۶۹	æfsinæ ۲۷
allon ۲۹	-æg 1۰۲
ali ۵۷	ælvid ۹۲
amad ۹۴	ælvin- ۹۲
amay- ۹۴	æl×æd ۹۲
amayun ۴۳	æl×æn- ۹۲
araz- ۷۹	æm- 11۴
arazt ۸۰	æmbærzun ۳۵
arʔunap ۹	æmbaw- ۹۸
arcæ ۶1	æmbud ۹۸
arm ۴۳	æmbodun ۳۴
ars ۵۲/۷/11	æmbud ۹۷
araw- ۹۸	æmbuy- ۹۷
arud ۹۸	-æn- 1۰۳
ast 1۸/۵1	æn- 11۴
awærd- ۷۶	ænæ- 11۲
aurst ۷۶	ænbadinæ- 1۰۷
avd 1۹/۴۲	ændayd ۸۶



۱۲- زبانهای انیرانی

الف - سنسکریت

bhrū- ۲۳/۴۰  
 ōyav- ۵۹  
 darana- ۷۳  
 kakātikā- ۶۰  
 krmi- ۴۳/۶۸  
 kṣīrā- ۲۰/۷۰  
 nūnām ۲۳  
 paksman- ۵۳  
 param ۳۸/۵۷  
 parasu- ۳۷  
 phēna- ۳۹  
 ṛrēj ۵۴  
 sthūrā- ۲۴/۵۱

ب - گرجی

c'inda ۹  
 c'indi ۹  
 c'ur ۶۶

č'ilobi ۹  
 k'evi ۹  
 k'omši ۹  
 k'udi ۹

ج - اسلاوی باستان

bo- ۱۱۶

د - ترکی

aryamaq ۹

ه - عربی

تواریخ ۱۰  
 جنت ۱۱  
 خزانه ۱۰  
 راضی ۱۱  
 غوغا ۱۱  
 فایده ۱۱  
 مجال ۱۱  
 ناموس ۱۱

۱۰- یغنائی

-ak ۱۰۳	šumōx ۱۲۵
ašt ۱۸/۵۱	-t ۱۲۱
avd ۱۹/۴۲	taw ۳۱/۱۲۴
čarx ۵۶/۶۹	tifarak ۱۰۳/۱۰۶
das ۱۹	tifor ۳۵
etk ۲۶/۶۵	tu ۱۲۴
γarm ۱۹	viak ۱۰۳/۱۰۶
γow ۲۸	virod ۴۰
γuš ۲۷/۵۳/۶۶	vūd ۳۲
karak ۱۰۳/۱۰۶	wat ۴۸
man ۱۲۳	xišap ۴۱
mōx ۱۲۴	xūd ۶۴
nawa ۵۵	x <sup>o</sup> ar- ۷۸
panč ۳۷	x <sup>o</sup> arta ۷۸
pun ۶۳	yaw ۳۱
rask ۵۲	zivok ۴۱
šaw- ۵۸	žūta ۱۰۲
šipuš ۲۲	

۱۱- مادی

farnah ۷۲

سليم - ٧

'Br- 110.

'r'w0 ٢٧

'tr- ٩٨

'tr0'n ٢٥

'wx'nyy 11٢

'Bt ٢٢

'ršp- ٢1

'ngs- ٧٧

'nvrks- ٧٧

'ps' ٥٠

(') rm- ٢٢

'sɣw'y- 11٧

'sp'0 ٢٩

't- 1٨/٥1

't- 1٠٧

'w t- ٨٨

'yw- ٢٥

'zd'k- ٢1

'zw- 1٢٢

'z'kh- ٢٢

B n'k- ٩٥

Bn - ٢٢

Bnt- ٢٢

Br't- ٢٠

Brz- ٢٢

Brz'k- ٢٢

Bw - ٢٢

Bw stn- 111

č' r- ٥٩

č't- ٥٨

čk't- ٩٠

č m- ٥٢/٥٩

čr - ٥٩/٩٩

črks- ٩٠

črm- ٥٨

čtB'r- ٢٥

čtB'rm- 1٠٩

- 'n- ٢٥

'r- ٢٥

B'r- ٢1/٢٥

Br'k- 1٠٢/1٠٩

s- 1٩/٢٢

w th- ٢٢/٢٢/٢٩

wm- ٢٥/٢٥

m'k- ٢٥

m'yn'k- ٢٩

fr'' rB- 11٢

frm't- ٩٥

xurd ۷۸  
yā ۱۱۹  
z"b/fāk- ۴۱

zird ۵۳  
اونرغ ۵۷  
واذ ۴۸



۶- خوارزمی

āʾud ۴۷	um(a) ۲۵
aBd ۴۲	ēwa ۲۵
apas ۵۰	ʾāw- ۲۸
ašc ۶۱	yōš ۲۷/۵۳/۶۶
ašt ۱۸/۵۱	hars ۵۲/۱۱۹
az ۲۰/۱۲۳	i ۱۱۹
Baʾnīk ۶۵	k- ۶۳/۹۳
Bancin- ۳۳	māda ۱۷/۴۹
Bōd ۳۲	marc ۱۲۰
Brōd ۴۰	nānām ۱۱۳
Būm ۱۲۰	nāmīk ۲۹
Bžnyk ۳۳	*nōc ۵۵
-c ۱۲۲	nūr ۳۳
caBār۳۵	panc ۳۷
cam ۵۳/۵۹	pic ۲۱/۳۶
carm ۵۸	purak ۳۶
casm ۵۳/۵۹	sār ۲۰
ciya- ۵۹	skās- ۷۷
day ۳۱/۱۲۴	sp'h ۲۲
ār- ۴۵	ūtak ۱۲۴
ōas ۱۹/۴۴	wād ۴۸
ōast ۱۲۰	xōd ۶۴
uyd ۲۴/۴۴/۴۹	xur ۷۲/۷۸

thamja- ९१

tsu- ५१

tsūka- १०९

tvī ५९

ysāra- ५२

۵- ختنی

-auña- ۱۰۵	kāścīnaa- ۱۰۹
bāysu- ۳۴	kāṣa- ۷۷
bata ۱۱۰	kāṣṭa- ۷۷
battara ۱۱۰	mātar- ۱۷/۴۹
brātar- ۴۰	myau- ۲۶
būda- ۳۲	nāma- ۲۹
bulysa- ۳۴	no ۵۵
būnaa- ۶۵	pā (a)- ۱۸/۳۸
byūra- ۳۳	paḍa- ۳۷
byurru- ۳۳	padama- ۴۶
cārba- ۵۹	paṃjsa- ۳۷
carma- ۵۸	pasa- ۵۰
dāra- ۴۴	phārra- ۷۲
dasa- ۱۹/۴۴	pitar- ۲۱/۳۶
dumaa ۲۵/۴۶	pūra- ۲۴/۳۶
dūtar- ۲۴/۴۴/۴۹	rraṣṭa- ۵۲
fārra- ۷۲	spāta- ۳۹
haṣṭa- ۱۸/۵۱	stāta- ۱۰۵
hālštā- ۶۱	sūjsa- ۸۳
hūna- ۷۳	sūta- ۸۳
hvara- ۷۸	tcārba- ۴۲/۵۹
hvaḍa- ۷۸	tcārma- ۵۸
jināka- ۱۰۶	tcei'man- ۵۳/۵۹
jsata- ۱۰۵	tcūrama- ۱۰۹

nām २१  
nawāg ५५  
niyōš- १ॴ  
niyund ॴॷ  
nimād १५  
nimāy १५  
nišast ११ॷ  
ōžad १०५  
padhinj- ६१  
panj- ॴॷ  
paryāb- ॷ१  
paryaft ॷ१  
paržār- १ॷ  
pidar ॲ१/ॲ६  
purs- १०  
pursād ११  
rāšt ५ॲ  
rōšn ५ॶ  
sāž- १ॶ  
sāžād १ॶ  
sōž- १ॲ

suxt- १ॲ  
šab ॴॲ  
taw १ॲॴ  
taž- ॷ५  
tirs- १०  
tōž- १ॴ  
tu १ॲॴ  
x̄xar- ॷ१  
x̄xard ॷ१  
wād ॴ१  
wihinj- ११  
wihaxt ११  
wurraw- १ॴ  
zād १५  
zāy- १५  
zādag १०ॲ  
zarvōnag १०१  
zarnēn १०१  
zēndān १११  
zird ५ॴ



۴- پهلوانی طرفانی

idur ۶۸	dād ۸۸
āmōžag ۱۰۲	dah- ۸۸
āwar- ۱۱۵	das ۱۹
abdāž- ۸۶	ēw ۲۵
abdāžād ۸۶	gandāg ۱۰۰
abdēs- ۴۲/۴۷/۸۲	gōš ۲۷/۶۶
abdišt ۸۲	hāmčihrag ۱۱۴
anāsāg- ۱۱۲	haft ۴۲
ardāwift ۱۲۲	hrē ۶۸
awišt- ۸۸	harw ۵۷
awištād ۸۸	hašt ۱۸/۵۱
az ۱۲۳	-ift ۱۲۲
bar ۳۱	istāw- ۹۷
bast ۱۰۵	istāwād ۹۷
bēwar ۳۳	išt- ۸۷
bōoistān ۱۱۲	ištād ۸۷
bōž- ۱۲۸	kar- ۹۳
brād ۴۰	kird ۹۳
brādar ۴۰	kōš- ۸۵
bun ۲۴	kōšād ۸۵
buxs- ۱۲۸	mād ۱۷
čafār ۳۵	mādar ۱۷
* čaxr ۵۶/۶۹	man ۱۲۳
čuhrum ۱۰۹	masādar ۱۱۰

kart 93  
kōš- 85  
kōšīt 85  
kun- 93/93  
māt 17  
mātar 17  
maš33  
marg 92  
mēz- 82  
mist 82  
mīzd 21  
nām 29  
niʔōš- 84  
niʔōšīt 84  
nimāy- 95  
nimūt 95  
nišast 117  
nōk 55  
nūn 23  
pāpakān 104  
panj 37  
\*pas 51  
pit 21/39  
pitar 21/39  
purr 93  
purs- 90  
pursīt 90  
rāst 52  
rēč- 80  
rēš- 82  
rēšīt 82

rixt 80  
rōšn 59  
sāč- 89  
sāxt 89  
sōč- 83  
stāy- 98  
stūt 98  
suxt 83  
šap 41  
šir 20  
tāč- 85  
tāxt 85  
tač- 75  
tars- 90  
tarsīt 90  
tasum 110  
tēx 95  
tōj- 84  
tuxt 84  
uzdāy- 98  
wālitan 79  
wāt 48  
wēč 81  
wēj 81  
wičār- 87  
wičārt 87  
witar- 78  
witart 78  
witartan- 50  
'wixt 81

۳- فارسی میانه زردشتی (پهلوی)

āhanj- ۶۱/۹۱	brīn- ۹۲
āhaxt ۹۱	burīd ۹۲
ālūt ۹۹	buxtan ۷۱
ārād- ۸۰	čahār ۳۵
ārāst ۸۰	čahārum ۱۱۰
āsn- ۹۶	čaxr ۵۶/۶۹
āsniṭ ۹۶	dānāk ۱۰۰
ātur ۶۸	dāt ۸۸
afrāst ۸۰	*dah ۲۰
afrāxt ۸۰	dah- ۸۸
ahunsandih ۱۱۳	dar ۳۱
ahunsandtar ۱۱۰	dil ۵۴
anayrān ۵۷	dōš- ۸۳
anayr rōšn ۵۷	'duxt ۲۴/۷۱
arus ۲۸/۵۲	*duxt ۷۵/۸۳
astudān ۱۱۱	ēwak ۲۵
ašt ۱۸/۵۲	garz- ۷۶
aštar ۶۱	garzišn ۷۵
ayāft ۷۹	garzīt ۷۶
ayāp- ۷۹	gaw ۲۸
*bānuk ۲۹	gōš ۲۸/۶۶
bēwar ۳۳	haft ۴۲
bōd ۳۲	hamrāz ۱۱۵
brāt ۴۰	handāč ۸۶
brātar ۴۱	handāxt ۸۶

۲- ایرانی باستان

ā- ۷۶/۷۹/۹۱/۹۴/۹۶/۹۸  
 ārya- ۴  
 āryana- ۴  
 abi- ۷۹/۸۲/۸۸  
 apa- ۸۶/۹۲  
 ara- ۱۱۶  
 bā- ۱۱۶  
 /baug ۷۱  
 br̥ša- ۳۳  
 buxtaka- ۷۱  
 čārna- ۱۰۴  
 /dam ۴۶  
 /daug ۷۵  
 /dī ۸۹  
 dīta- ۸۹  
 dušgauna- ۴۵  
 duxta- ۷۵  
 fra- ۹۵  
 fra-bar- ۸۹  
 fra-bara- ۱۰۳/۱۰۶

ham/n- ۸۶/۹۷/۹۸  
 ham-bauda- ۳۴  
 ni- ۸۴/۹۵  
 pa- ۱۱۷  
 'para- ۳۸/۵۷  
 °para- ۸۷  
 pari- ۷۹  
 pati- ۷۹/۹۱  
 /pais ۲۲  
 pins- ۲۲  
 -ta- ۷۵  
 upa- ۸۰  
 us-xwāhaya- ۱۱۷  
 uz- ۹۸  
 wi- ۸۴/۸۷/۹۱  
 waina- ۸۹  
 /way ۸۹  
 xšaieni- ۲۷



γtar- 50/78  
-tara- 110/125  
γtaš 49  
tava 31/99/124  
tiγra- 22/60/7.  
tərasaiti 50  
tū 124  
γθag- 91  
γeanj 91  
erāyō- 98  
γerah 89  
-ewa- 122  
-una 104  
us/z 117  
γvār 30  
vāta 48  
γvaēg 81  
γvaēk 80  
vaēm 17  
γvar 72/93  
γvarəd 79  
vō 30

\*vivāra- 72  
xaoda- 94  
xaoda- 28  
xara- 94  
γxri 92  
xšap- 41  
\*xšīra- 20/70  
xšōienī- 27  
xʼafna- 73  
\*xʼāra- 72  
γxʼaēd 128  
xʼaēḏa- 29  
xʼanhar- 72  
γxʼap 89  
γxʼar 72/77  
xʼarənah- 72  
xʼīsa- 128  
yā- 119  
yūšmākəm 17/125  
yūzḏm 17  
γzā- 95  
zauruna- 54  
zərad- 54

mātar- 17/49  
maḍu- 43/47  
maēya- 26/43/60  
ymaēz 12  
mayna- 66  
mana 55/122  
mahrka- 62  
mīžda- 21  
məreta- 49/67  
nāman- 29  
naēza- 26  
nava- 31/55  
nī- 116  
nūrḡm 23  
nūrēm 23  
pād- 18  
pād- 38  
paḍa- 37  
yḡaēs- 22/91  
panča- 37/62  
para- 39  
\*parasu- 37  
pasu- 51  
pašman- 53  
pitar- 22/36  
pīvah- 37  
pərənu- 63  
yḡū 96/98  
puera- 24/36/68  
rāšta- 17

rāšta- 52  
yrāz 79  
yraēk 10  
yraēš 12  
yraēz 54  
raočana- 62  
raoxšna- 28/56  
vrī 97  
\*vrū 98  
ysak 16  
saočayeiti- 62  
ysoak 62/83  
\*saoka- 28/62  
sarah- 20  
ysnā 96  
spāda- 39  
spāḍa- 39  
spiš- 22/51  
ystā 17  
-stāna- 111  
ystū 97  
stūra- 23/51  
suxra- 25/51/70  
yšav- 59  
yšyav- 59  
-ta- 105  
\*taēya- 60  
ytak 75/85  
\*ytaog 13  
ytap 42/89

√čar ۷۷/۸۷  
čaraiti- ۵۸  
čarəman- ۵۸  
čaəwārō- ۳۵  
čaəwar- ۳۵  
čašman- ۵۳/۵۹  
čaxra- ۵۶/۶۹  
činah- ۱۰۸  
čiora- ۶۰/۶۹  
√dā ۸۸  
-dāna- ۴۵  
dānu- ۳۰  
√dār- ۴۵/۷۳  
√dab ۴۰  
√daēs ۸۲  
dantan ۴۴/۴۹  
√dacg- ۸۳  
darəya- ۴۴  
darəna- ۷۳  
dasā- ۲۰/۴۴  
√dav ۴۷  
√dū ۹۸  
dugədar- ۲۴/۴۴/۴۹/۷۱  
duγdar- ۲۴/۴۵/۴۹/۷۱  
duma- ۲۵/۴۵  
dvar ۳۱/۴۵  
\*faēna- ۳۹  
frā- ۱۱۵  
fra- ۱۱۸  
√fras ۹۰

gaona- ۱۰۹  
√gaoš ۸۴  
gaoša- ۱۶/۲۸/۵۳/۶۶  
√gaoz ۴۸  
garəma- ۱۹/۵۶  
√garəz ۷۵  
gau- ۲۸  
haētu- ۲۶/۶۵  
√haēz ۸۱  
hadā- ۱۱۳  
hadā- ۱۱۳/۱۱۴  
hadā-aēsma- ۱۱۴  
hadā-hunara- ۱۱۴  
hadā-zaoera- ۱۱۴  
han/m- ۱۱۴  
hapta- ۱۹/۴۲  
haurva- ۵۷  
√kā ۹۶  
-ka- ۱۰۵  
kada ۲۰  
kaēnā- ۲۶  
√kaoš ۸۵  
√kar ۹۳  
kahrka- ۱۹/۶۴  
kahrkāsa- ۱۹/۶۰/۶۴  
√karet ۷۶  
√kas- ۷۶/۷۷  
\*kərəmi- ۴۳  
kərənao- ۶۳/۷۳  
√mā(y) ۴۳/۹۴

۱- اوستایی

ā- ۱۱۵	arəma- ۴۳
*ādayana- ۴۷/۵۵	aršti- ۶۱
-āka- ۱۰۰	auruša- ۲۸/۵۲
-āna- ۱۰۴	airyana- ۲۹
γāp ۷۹	ašta- ۱۸/۵۲
āsu- ۴	axšaēna- ۲۷/۷۱
*āta- ۱۰۷	aya- ۶۴
āer- ۶۹	azəm- ۲۰/۵۴/۱۲۲
āyu- ۳۲	bānu- ۲۹/۳۲
a- ۱۱۲	bāzu- ۳۴
aibišaētan- ۲۷	baēvar- ۳۳
-aēna- ۱۰۸	γband ۳۳
aēva- ۲۵	baoidi- ۳۲
aēxa- ۲۶/۶۵	γbarəg ۳۵
aγra- ۵۷/۶۹	barəša- ۳۳
ahmākəmə ۱۷/۱۲۳	barazah- ۳۴
-aka- ۱۰۲	barəziš- ۳۴
-əma- ۱۰۹	brātar- ۴۱
an- ۱۱۲	γbri ۹۲
ana- ۱۱۲	brvat- ۲۳/۴۰
-ana- ۱۰۳	bərəzant- ۳۴
anaγra- ۵۷	buna- ۲۴
-an-ya- ۱۰۷	čakāiti- ۶۰
*apa-daēs- ۴۲/۴۷	čāt- ۵۸